

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشقِ تو

تألیف
علیرضا برازش



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۹۱

فهرست

مقدمه.....	۹
فصل ۱: چون که صد آید نود هم پیش ماست.....	۱۱
حرف آخر در فصل اوّل.....	۱۱
بخش ۱- به قهر کرده‌ها رو می‌کند.....	۱۳
بخش ۲- غافل‌ها را هم دوست دارد.....	۱۴
بخش ۳- خطاکاران را هم دوست دارد.....	۱۴
فصل ۲: خشم، غضب، قهر، عذاب و عقاب خدا چه می‌شود؟.....	۲۳
الف: تقدم زمانی.....	۲۴
ب: تقدم مکانی، جلوتر بودن صفات رحمت از غضب.....	۲۵
ج: سبقت و پیشی گرفتن.....	۲۶
ج-۱- پیشی گرفتن مهر بر خشم.....	۲۶
ج-۲- پیشی گرفتن مهر بر عذاب.....	۲۸

ج-۳- پیشی گرفتن گذشت بر عذاب و کیفر.....	۲۸
د- وسعت و دامنه‌ی پوشش.....	۲۸
ها- اشراف، احاطه و تفوق صفات مهر بر صفات قهر.....	۲۹
و- بزرگ‌تر.....	۲۹
ز- لبریزتر.....	۳۰
ح- بیشتر.....	۳۰
ط- غلبه‌کننده.....	۳۰
ی- شبیه‌تر به خواست و اراده‌ی خدا.....	۳۰
ک- شایسته‌تر.....	۳۱
ل- محبوب‌تر.....	۳۱
ن- نزدیک‌تر.....	۳۱
ن- خاموش شدن آتش قهر توسط صفات گروه مهر.....	۳۲
فصل ۳: عاشق همیشه حاضر.....	۳۳
الف- خدای تو نزدیک است.....	۳۴
ب- عاشق تو حاضر است.....	۳۸
ج: حضور خدای تو با چشم باز و نظارت کامل و تمام عیار است.....	۳۹
د: خدای تو همراه و همنشین است.....	۴۱
فصل ۴: عاشق مشتاق.....	۴۳
حب.....	۴۳
انس.....	۴۴
اشتیاق.....	۴۶
روکردن.....	۴۶
فصل ۵: عاشق مهربان.....	۴۹
عاشق باید مهربان باشد.....	۴۹
رفیق شفیق.....	۵۶
فصل ۶: عاشق سخاوتمند.....	۵۹
بخشش و دهش.....	۶۲
فضل.....	۶۲

فهرست ۷

۶۲.....	سخاوت و خیرخواهی.....
۶۳.....	بهترین، بیشترین، بالاترین.....
۶۵.....	کَرَم.....
۶۶.....	رزق.....
۶۷.....	احسان، برکت.....
۶۸.....	دیگر مشخصات الطاف خدای تو.....
۷۰.....	لطف بجا و کمک به موقع.....
۷۴.....	فصل ۷: عاشق همراه و کمک‌رسان.....
۷۸.....	فصل ۸: عاشق راهنما.....
۸۰.....	فصل ۹: عاشق نگاهبان.....
۸۴.....	فصل ۱۰: عاشق منجی.....
۸۹.....	فصل ۱۱: عاشق پاسخگو.....
۹۵.....	فصل ۱۲: عاشق بردبار.....
۱۰۱.....	فصل ۱۳: عاشق عذرپذیر و بخشنده.....
۱۰۷.....	فهرست منابع.....

مقدمه

«بنده‌ی من، به حق خودم سوگند که دوست‌دارم. پس به حقی

که بر تو دارم سوگندت می‌دهم تو نیز مرا دوست بدار»^۱

از یک عاشق چه انتظاری دارید؟

شما هر که هستید، دختر، پسر، مرد، زن، پیر، جوان، ثروتمند، فقیر، دارای تحصیلات دانشگاهی و یا بدون آن، با هر گرایش فکری و مذهبی؛ از عاشقتان چه انتظاری دارید؟

فکر می‌کنید یک عاشق باید به چه نحوی به محبوبش ثابت کند که دوستش دارد؟ خواهش می‌کنم قبل از اینکه این کتاب را بخوانید، قلم و کاغذ بردارید و انتظارات خود را از یک «عاشق واقعی»، «عاشق مخلص»، عاشقی با عشق مانا و تزلزل‌ناپذیر،

۱. إرشادالقلوب ج ۱ ص ۱۷۱. أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ عَبْدِي أَنَا وَحَقِّي لَكَ مُجِبٌ فَبِحَقِّي عَلَيْكَ كُنْ لِي مُجِيباً

همه را روی کاغذ بیاورید حتی اگر دوست، همکار، فرزند یا پدر و مادر و یا فرد دیگری در دسترستان است با او مشورت کنید و نظر او را نیز در مورد انتظاری که از یک «عاشق» دارند، جویا شوید بعد به مطالعه‌ی کتاب پردازید؛ می‌خواهیم در انتهای مطالعه‌ی کتاب به این برگه برگردیم و شما ببینید هر انتظاری که از یک عاشق واقعی داشته‌اید، در وجود عاشقی که در این کتاب با او آشنا خواهید شد، به بهترین شکل ممکن وجود دارد.

آخر یک نفر جرأت کرده است به تو بگوید «من عاشق توام»؛ و تو این کتاب را به این دلیل برای مطالعه انتخاب کرده‌ای که عاشقت را بشناسی؛ انتظارات را بنویس بعد به مطالعه ادامه بده.

در خاتمه از کلیه‌ی عزیزانی که در ارتباط با مطالب این نوشتار انتقاد، نظر و یا پیشنهادی دارند تقاضا می‌کنم نویسنده را از ارشادات خود بی‌بهره نگذارند و از طریق Barazesh@irib.ir با نویسنده در ارتباط باشند.

دوستدار شما

علیرضا برازش

اسفند ۹۱

فصل ۱

چون که صد آید نود هم پیش ماست

حرف آخر در فصل اول

عاشقی که این کتاب معرفی می‌کند، عشق خود را مشروط و محدود نمی‌کند، دایره‌ی دوست داشتنش را تنگ نمی‌گیرد؛ تو هر که هستی داخل دایره‌ای. تو که خوبی ولی او بدها را هم دوست دارد، تو که دارای صفات خوب و افعال و اعمال ستودنی هستی ولی او بدکاران و دارندگان صفات بد را هم دوست دارد. وقتی می‌گوییم «همه» واقعاً یعنی «همه».

حتماً این ضرب‌المثل معروف را شنیده‌اید که: " چون که صد آید نود هم پیش ماست " یعنی بهتر است ما از انتها شروع کنیم، ثابت کنیم که خدای عاشق ما، بدها، گناهکارها، غافل‌ها، قهرکرده‌ها و... را هم دوست دارد، بعد از آن شاید باورتان بشود

که شما هم داخل دایره‌اید، اصلاً دایره آن قدر وسیع است که همه‌ی آفریدگان در آن جا می‌شوند،^۱ نگو "من که قابل دوست‌داشتن نیستم"، این کتاب ثابت می‌کند تو داخل دایره‌ی دوست‌داشتنی‌ها هستی، یعنی قابلی.

نگو: "مرا که کسی دوست ندارد"، نگو: "اصلاً من دوست و دوستدار و علاقمند ندارم"، اتفاقاً خدای ما دوست و دوستدار کسانی است که هیچ‌کس دوستشان ندارد؛ یکی از اسم‌های او که در دعا و غیر دعا می‌توانیم با این اسم او را صدا بزنی این اسم است:

«ای دوست کسی که هیچ دوستی ندارد»^۲

نگو من که خودم را گم کرده‌ام نمی‌دانم کی هستم که ببینم با صفات آن‌هایی که خدا دوستشان دارد تطبیق می‌کند یا نه؛ خدا گمشده‌ها را هم دوست دارد.^۳

ناامیدی، بدبینی و توهّمات یأس‌آور را کنار بگذار قدم‌به‌قدم با این کتاب به پیش بیا، وجدان خواهی کرد او تو را دوست دارد، هر که باشی.

۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۶. أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ. وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مُنْعِهِ. وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ.

۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النَّبِيُّ ص، يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ

۳. بحارالأنوار ج ۲ ص ۴. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع. أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى فَلَّانُ تَرَدُّ أَبْقَا عَنْ بَابِي أَوْ ضَالًّا عَنْ فَنَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةٍ [مِائَةً] سَنَةً بِصِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامٍ لَيْلَهَا

بخش ۱- به قهر کرده‌ها رو می‌کند

کرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کردست و او شرمسار
(سعدی)

قهر کرده‌ای؟ از درگاهش فرار کرده‌ای؟ به او پشت کرده‌ای؟ هرچه کرده‌ای دوستت دارد.

او ناز می‌کشد، به هر دلیل و نادلیلی اگر قدر خدا را ندانسته و به او پشت کرده‌ای، او ناز تو را می‌کشد و تو را به لطف خود فرامی‌خواند^۱، حتی اگر هزاران بار قهر کرده باشی و حتی اگر زمان قهرکردنت خیلی طولانی شده باشد.

به او پشت کرده‌ای؟ از او رو برگردانده‌ای؟ او معامله به مثل نمی‌کند، می‌تواند، اما نمی‌کند؛ چه می‌کند؟ او به تو، به تو که پشت کرده‌ای رو می‌کند، او تو را که دیگر مدّت‌هاست یادش نمی‌کنی یاد می‌کند و به تو توجه می‌کند؛ گریخته‌ای؟ از در خانه‌ی رحمت او فرار کرده‌ای؟ به کجا فرار کرده‌ای؟ مگر جایی جز خانه‌ی او هست که فرار کنی؟

فکر می‌کنی او کسی را به دنبال می‌فرستد که تو را دستگیر و زندانی و مجازات کند؟

نیمی از تصوّر درست و نیم دیگر غلط است. آری او کسی را به دنبال می‌فرستد، اما نه برای دستگیری و مجازات، بلکه برای برگرداندن و برخوردارشدن از سفره‌ی مهر و نعمت و برکت او. او برای برگرداندن من و تو فراری جایزه هم تعیین می‌کند و به کسی که بتواند ما را به خوان نعمت و لطف و رحمتش برگرداند وعده‌های

۱. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۴۶. يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. الْمُقْبِلُ عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِهِ

آن چنانی می‌دهد و می‌گوید: "اگر یک فراری را برگردانید که گم نشود و خود را بدبخت نکند از یک سال نماز و روزه بهتر است".^۱

بخش ۲- غافل‌ها را هم دوست دارد

چه شده؟ مدّت‌هاست یاد خدا نکرده‌ای؟ فکر می‌کنید او فقط به کسانی که دائماً نماز می‌خوانند و دعا می‌کنند و به یاد او هستند توجه می‌کند؟ نه، اصلاً این‌طور نیست، او غافلان، بی‌خبران، آنان که مدّت‌هاست یادشان رفته خدایی هم هست، آن‌ها را هم دوست دارد و با آن‌ها هم مهربان و رؤوف است و برای اینکه برگردند و خوشبخت شوند با مهربانی و عطوفت رفتار می‌کند؛ اصلاً امام سجّاد(ع) در مناجات مریدین خدا را این‌گونه صدا می‌زند:

«ای آن‌که به افراد بی‌توجه و غافل از یادت "رحیمی" و
"رؤوف"؛ و برای این‌که به در خانه‌ی مهر و لطف تو
برگردند "پرمحبتی" و "پر عاطفه"»^۲.

بخش ۳- خطاکاران را هم دوست دارد

نصیب ماست بهشت ای خداشناس برو
که مستحق کرامت گناهکارانند
(حافظ)

لغزیده‌ای؟ عمدی یا از روی سهو؟

۱. بحارالأنوار ج ۲ ص ۴. علی بن الحسین ع. أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى فَلَانُ تَرُدُّ أَبْقَا عَنْ أَبِي أَوْ ضَالًّا عَنْ فَنَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ [مِائَةِ] سَنَةٍ بِصِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا
۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. الْمُنَاجَاةُ الثَّامِنَةُ مُنَاجَاةُ الْمُرِيدِينَ لَيَوْمِ الْجُمُعَةِ. فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَ بِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ وَ بِالْعَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رُءُوفٌ وَ بِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ

چون که صد آید... ۱۵

خطا کرده‌ای؟ خودت معتقدی جسارت کرده‌ای؟ خودت فکر می‌کنی به خاطر جسارتی که کرده‌ای لایق بی‌توجهی و هلاکتی؟
این خدایی که ما می‌شناسیم و این کتاب می‌خواهد به تو معرفی بلکه یادآوری کند اصلاً یکی از صفات مشهورش "درگذرنده از لغزش‌هاست" ^۱. اگر لغزش و لغزنده‌ای نباشد این اسم خداوند به چه کار می‌آید؟

خدای ما همان اول و آخری است که از خطای خطاکاران درمی‌گذرد^۲ و با آنان با مهر و محبت رفتار می‌کند^۳. پیامبر ما (ص) یکی از مهم‌ترین درخواست‌هایش که آن را با ارزشمندترین قسم و سوگند از خدا می‌خواهد، «بخشش خطاکاران» است^۴. همچنان که داود نبی (ع) قبل از دعا برای خودش، برای خطاکاران درخواست بخشش می‌کرده است^۵ و من و تو می‌دانیم که دعای پیامبران مستجاب است.
اصلاً مغفرت و خطاپوشی و خطابخشی خدا مخصوص خطاکاران است^۶.

گر من نکنم گناه رحمت که کند
آرایش رحمت از گناه کردن ماست
(شیخ بهایی)

در توبه را برای خطاکاران باز گذاشته است^۷ و خداوند با من و تو خطاکار، نه با خشم و غضب بلکه با "رحمت" برخورد می‌کند^۸، چرا؟

۱. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. رَسُولُ اللَّهِ صَيَّا مُقِيلَ الْفِتْرَاتِ
۲. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۸. هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ... يَغْفِرُ لِلْخَاطِئِينَ
۳. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۱. إِنَّكَ أَنْتَ... الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُتَنِيْبِينَ
۴. بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۴۳. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْتَقُّ عَلَيْكَ اغْفِرَ لِلْخَاطِئِينَ مِنْ أُمَّتِي
۵. بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۱۷. كَانَ دَاوُدُ يَبْدَأُ بِالْدُّعَاءِ وَ يَسْتَغْفِرُ لِلْخَاطِئِينَ قَبْلَ نَفْسِهِ
۶. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۶. الصَّادِقُ (ع): فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلْخَاطِئِينَ وَ أَنَا مِنْهُمْ فَأَغْفِرْ لِي خَطَايَا
۷. إقبال الأعمال ص ۲۳۵. يَا مَنْ... يَفْتَحُ بَابَ التَّوْبَةِ لِلْخَاطِئِينَ
۸. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۱. إِنَّكَ أَنْتَ... الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُتَنِيْبِينَ

آیا این نوع برخورد جز از سر دوست داشتن به من و تو و علاقمندی به خوشبختی مان دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟
اگر شیطان در دل تو وسوسه می کند که این لطف ها و رحمت ها برای این است که بعداً بیشتر حالمان را بگیرد، از قول امام سجّاد (ع) در صحیفه ی سجّادیه به صراحت نقل می کنم که تمام این لطف ها نازکشیدن ها، مهلت دادن ها برای این است که تو برگردی و خوشبخت شوی.^۱

خدای ما عفو ها و گذشت های بزرگ و عظیمش را برای خطاکاران کنار گذاشته است،^۲ با خطاکاران با لطف و بخشندگی برخورد می کند و هر قدر خطای خطاکاران بزرگ و زمان ارتکاب خطاهایشان طولانی باشد، هیچ یک مانع از آن نمی شود که او با رحمت و گذشت با آن ها برخورد نکند؛^۳ خدا، من و تو خطاکار را می بخشد^۴ و اگر اظهار پشیمانی کنیم حتی سرزنشمان هم نمی کند.^۵

خدا، رحمت و لطفی دارد که آزادی همه ی خطاکاران برای آن امری ممکن و قابل انتظار است. و ما برطبق آموزه های دینی که پیامبر و امامانمان به ما آموخته اند امیدمان به همین رحمت بی حدّ و مرز است.^۶ خدای ما با مسرف و ظالم هم با لطف و مهربانی رفتار می کند.

اسراف یعنی " گذر از حدّ تعیین شده " ؛ و ظلم هم یعنی " خروج از مرز عدالت " ، ما بیشترین ظلم و اسراف را در حق خودمان روا می کنیم حتی آن گاه که به دیگران

۱. صحیفه ی سجّادیه دعای ۴۶. إِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَقْبِلُوا إِلَيَّ أُمْرِك

۲. صحیفه ی سجّادیه دعای ۴۸. أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

۳. صحیفه ی سجّادیه دعای ۴۸. ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُذَّتْ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

۴. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۶. (ع): اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَخْلُمُ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَتَعْفُو عَنِ الْخَاطِئِينَ

۵. مجمع البحرين ج ۳ ص ۲۸۹. قَالَ الْخَضِرُ لِمُوسَى. لَا تُعَيِّرُ أَحَدًا الْخَاطِئِينَ بَعْدَ النَّدَمِ

۶. صحیفه ی سجّادیه دعای ۱۶. إِنَّمَا أُوتِخَ بِهِذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَ رَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاهُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

چون که صد آید... ۱۷

هم ظلم کنیم هم‌زمان به خودمان بیشتر ظلم کرده و این امانت الهی یعنی روح پاک خود را از آنچه که باید باشد بیشتر دور کرده‌ایم؛ و خدای ما در کتاب محکمش صریحاً می‌گوید: «ای کسانی که به خودتان جفا کرده و حدود تعیین‌شده را رعایت نکرده‌اید از رحمت خدا ناامید نباشید^۱. چه بسیار که عفو خدا ظالم‌ها را هم در بر گرفته است^۲ و این خدا با مسرفین هم با لطف و رحمت برخورد می‌کند^۳ و این نوع رفتار دائمی و بی‌وقفه است^۴.

قدم فراتر بگذاریم

دشمنی کرده‌ای؟ جسارت روا داشته‌ای؟ تَمَرّد و سرکشی کرده‌ای؟ اصلاً حلم و بردباری خدا مخصوص توست^۵. خدا افرادی را با وعده‌ی جایزه به دنبال می‌فرستد تا برگردی که تو را در آغوش بگیرد^۶ و روش همیشگی و تغییرناپذیر خدا آن است که به من و تو طغیان کرده مهلت دهد^۷، مهلتی برای بازگشت به آغوش خالق، همچون پدر و مادری مهربان و نگران که منتظرند فرزندان از خانه‌گریخته برگردد تا در آغوشش گیرند، به درد دلش گوش دهند، او را نوازش کنند و چنان کنند که دیگر نگریزد.

جرم مرتکب شده‌ای؟ آن‌هم طولانی مدّت؟ کارِت جرم بوده است؟
همه‌ی این‌ها مانع نمی‌شود که خدا با رحمت و مغفرت و گذشت به تو رو نکند.

۱. زمر ۵۳. یا عِبَادِیَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً

۲. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۳۹. کَمْ قَدْ شِمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ

۳. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۷۱. فَأَنْتَ لَطِيفٌ تَجُودُ عَلَى الْمُسْرِفِينَ بِرَحْمَتِكَ

۴. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۳۰۸. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى تَزَلَّ أَخْذًا بِالصَّفْحِ وَالْفَضْلِ عَلَى الْمُسْرِفِينَ مِمَّنْ وَجَبَ لَهُ بِأَجْرَائِهِ عَلَى الْأَنَامِ خُلُولُ دَارِ الْبَوَارِ

۵. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۴۶. جِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

۶. بحارالأنوار ج ۲ ص ۴. عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ ع. أَوْخَى اللَّهُ تَعَالَى... فَلَنْ تَرُدَّ أَبْقَاً عَنْ بَابِي أَوْ ضَالًّا عَنْ فَنَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةٍ [مِائَةً] سَنَةٍ بِصِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا

۷. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۴۶. سَتُّكَ الْإِثْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ

این عین کلام بازمانده‌ی کربلاست که خطاب به خدای من و تو می‌گوید:

اشتغال طولانی‌مدت مجرمان به جرم‌های بزرگ هم مانع

نمی‌شود که تو با رحمت و مهربانی و گذشت با آنان رفتار نکنی.^۱

چه بسیار که رحمت خدا بدکاران را فراگرفته باشد.^۲

به این خطاب‌هایی که امامان معصوم (ع) با خدا داشته‌اند دقت کنید:

ای آن‌که بدکاران را عفو می‌کنی^۳

ای آن‌که از بدکاران درمی‌گذری^۴

ای آن‌که با بدکاران با کرامت و بزرگواری رفتار می‌کنی^۵

ای خدا، عادت همیشگی تو نیکی کردن به بدکاران است^۶

از این تعابیر چه برداشتی می‌کنید؟

این خدای ماست، خدای تو، خدای من، خدای همه.

گناه چطور؟ گناه کبیره چطور؟

در توبه برای گناه‌کار باز^۷ و سفره‌ی گذشت، پهن و گسترده است.^۸

خدایی که تو را دوست دارد و عاشق توست نسبت به گناه‌کاران، بردبار^۹،

توبه‌پذیر^{۱۰}، بخشنده^{۱۱} بلکه بخشنده‌ترین^{۱۲}، عیب‌پوش^{۱۳} و اهل گذشت^{۱۴} است.

۱. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۴۸. لَمْ يَمْنَعْ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُذَّتْ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

۲. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۳۹. فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتَكَ بِالْمُسِيئِينَ

۳. إقبال‌الأعمال ص ۱۱۹. يَا مَنْ يَغْفُو عَنِ الْمُسِيئِينَ

۴. بحار‌الأنوار ج ۹۲ ص ۲۸۱. يَا مُتَجَاوِزًا عَنِ الْمُسِيئِينَ

۵. إقبال‌الأعمال ص ۲۳۵. يَا مَنْ... يَتَكْرَمُ عَلَى الْمُسِيئِينَ

۶. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۴۶. عَادَتْكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ

۷. شرح‌الکافی للمولی صالح‌المازندرانی ج ۹ ص ۳۳۵. أَنْ بَابُ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ لِلْمُذْنِبِينَ

۸. شرح‌الکافی للمولی صالح‌المازندرانی ج ۱۰ ص ۴۰۳. جَوَانِ مَغْفِرَتِهِ مَبْسُوطٌ لِلْمُذْنِبِينَ

۹. بحار‌الأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۶. الْوَاقِعُ (ع): اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَحْلُمُ عَنِ الْمُذْنِبِينَ

۱۰. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۳۱. إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

۱۱. إقبال‌الأعمال ص ۲۳۵. يَا مَنْ... يَغْفُو عَنِ الْمُذْنِبِينَ

۱۲. بحار‌الأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. اللَّهُمَّ أَنْتَ... أَرْحَمُ مَنْ اسْتَرْجِمَ فِي تَجَاوُزِكَ الْمُذْنِبِينَ

۱۳. بحار‌الأنوار ج ۹۲ ص ۳۷۴. النَّبِيُّ صَهُوَ الْأَوَّلِ... يَسْتَرْ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

۱۴. بحار‌الأنوار ج ۸۷ ص ۱۹۳. يَا مُتَطَوِّلًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِالْعَفْوِ وَالصَّفْحِ

گناهشان را می‌ریزد^۱، کارشان را اصلاح می‌کند^۲ و به آبرومندانی که اجازه‌ی شفاعت و میانجی‌گری داده است الهام کرده که برای من و تو گناه‌کار میانجی‌گری کنند و شفاعت را برای بخشیدن گناهان بزرگ و کبیره قرار داده است. حضرت ابراهیم (ع) برای گناه‌کاران دعا می‌کرد^۳ و موسی (ع) نیز برای آنان درخواست مغفرت می‌نمود و خداوند نیز رضایت خود را از این عمل پیامبرش اعلام می‌کند^۴ و سرور پیامبران نیز روز قیامت با دامن‌ی از عفو و رحمت الهی به سراغ گناه‌کاران می‌رود و آنان را خلاص می‌کند^۵. این نوع رفتار با گناه‌کاران، سنت دیرین خدای ماست^۶؛ او اهل این نوع سخاوت و لطف است^۷ و نگران تمام‌شدن و کم‌آمدن سخاوت خدای بخشنده نباشید؛ رحمت او گسترده‌تر از همه‌ی گناهان همه‌ی گناه‌کاران است^۸.

و اما عصیان، نافرمانی، سرکشی

اولاً خیلی واضح و روشن بدانید این حرف‌ها عقیده‌ی شخصی نیست، خودِ خدا به پیامبرانش مأموریت داده است که بروید و نگذارید معصیت‌کاران، نافرمانان و سرکشان ناامید شوند^۹ و ما هم فکر می‌کنیم در این کتاب همان فرمایش خدا را اجرا می‌کنیم. بنابراین خیالتان جمع باشد این‌ها توهّمات و آرزوهای من نویسنده نیست،

-
۱. القصص للراوندى ص ۲۶۷. حُطِّتِ الْخَطَايَا عَنْ الْمُذْنِبِينَ
 ۲. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۱۶. إِنَّمَا أُوتِجُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ
 ۳. بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۳۹۳. الشَّفَاعَةُ لِلْمُذْنِبِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْكِتَابِ
 ۴. الکافی ج ۸ ص ۳۹. الباقر (ع): فَقَالَ الرَّجُلُ فِيمَ نَدْعُو اللَّهَ؟ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَ لِلْمُذْنِبِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 ۵. الکافی ج ۸ ص ۴۷. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى (ع): طُوبَى لَكَ يَا مُوسَى كَيْفَ الْخَاطِئِينَ وَ جَلِيسُ الْمُضْطَرِّينَ وَ مُسْتَغْفِرُ الْمُذْنِبِينَ إِنَّكَ مِنِّي بِالْمَكَانِ الرَّضِيِّ
 ۶. بحار الأنوار ج ۷ ص ۲۳۱. أَنَّهُ (ع) يَأْتِي مَعَ الرَّحْمَةِ وَ الْعَفْوِ فَيَشْفَعُ لِلْمُذْنِبِينَ وَ يُخَلِّصُهُمْ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الدِّينِ
 ۷. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. يَا وَهَّابُ فَقَدِيمًا جُدْتَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِالْمَغْفِرَةِ
 ۸. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴. الْعُسْكُرِيُّ ع. فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِسَعَةِ
 ۹. البلد الأمين ص ۲۰۶. كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسَّعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ
 ۱۰. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴. الْعُسْكُرِيُّ (ع): فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

فرمایشات خود آن کسی است که دوستان دارد، حتی اگر عصیان گر و نافرمان و سرکش باشید.

به پیامبران مأموریت داده که به نافرمانان بگو: اولاً: اصلاً از رحمت خدا مأیوس و ناامید نباشید. ثانیاً: بدانید که شما، آری شمای عصیان گر، اگر مریض شوی طبیعت منم و اگر توبه کنی حبیب من^۱. اولیای دین ما به ما این چنین آموخته‌اند که خدا را «پناه عصیان‌گران»^۲ بخوانیم و او را کسی بدانیم که با لطف و نعمت رو به آنان برمی‌گردد^۳ و عفو و رحمتش برای گناه‌کاران عصیان‌گر است^۴، -حتی اگر در گناه غرق شده باشند^۵-؛ آموزه‌های دین ما می‌گوید: باید به خدایت حسن‌ظن داشته باشی که از نافرمانان درمی‌گذرد^۶. خدای ما خود گفته است: "من جواد و کریم و باسخاوتم؛ و نیز فرموده است: "با سرکش و نافرمان آن‌چنان برخورد می‌کنم که گویی گناهی نکرده است"^۷؛ و این خدای عاشق، برای بازگرداندن عصیان‌گر سرکش به آغوش پرمهر خود، جایزه‌ی بی‌نظیری تعیین می‌کند^۸. پیامبر عظیم‌الشان(ص) بهترین و ارجمندترین سوگندهایش را برای دعایی به کار می‌گیرد که

-
۱. جامع‌الآخبار ص ۱۲۷. النبى(ص): أَهْلُ مَعْصِيَتِي لَمْ أَقْطَعْهُمْ مِنْ رَحْمَتِي فَإِنْ مَرَضُوا فَأَنَا طَبِيبُهُمْ وَإِنْ تَابُوا فَأَنَا خَبِيبُهُمْ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۶. النَّبِيُّ صَيَّا مَلَجًا الْعَاصِينَ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۷۴. النَّبِيُّ صَانَتِ الْعَائِدُ عَلَى الْعَاصِينَ بِالنِّعَمِ وَ الْأَخِذُ عَلَى الْمُسِيئِينَ بِالْإِحْسَانِ وَ الْأَمْنِ
 ۴. مفتاح‌الصلاح ص ۳۱۰. النبى(ص): ثُمَّ تَرَاخَفْتُ رَبِّي إِلَى جِلْمِكَ عَنِ الْخَاطِئِينَ وَ عَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَ رَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۷۴. النَّبِيُّ(ص): أَنْتَ الَّذِي تَعْفُو عَنِ الْعَاصِي بَعْدَ أَنْ يُعْرِقَ فِي الذُّنُوبِ
 ۶. مفتاح‌الصلاح ص ۱۳۲. أَنْ حُسْنُ ظَنِّي بِعَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَ صَفْحِكَ عَنِ الْعَاصِينَ وَ إِنْ غَطَمْتُ ذُنُوبَهُمْ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۰. أَنْتَ الَّذِي قُلْتَ أَنَا الْجَوَادُ وَ مِنِّي الْجَوْدُ وَ أَنَا الْكَرِيمُ وَ مِنِّي الْكَرَمُ وَ مِنِّي كَرَمِي فِي الْعَاصِينَ أَنْ أَكْلَاهُمْ فِي مَضَاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُونِي وَ أَتَوَلَّى حِفْظَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُونِي
 ۸. مستدرک‌الوسائل ج ۱۷ ص ۳۱۹. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ(ع): فَلَا تَرُدُّ أَبَقًا عَنْ يَابِي أَوْ ضَالًّا عَنْ فِتَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ مِائَةِ سَنَةٍ بِصِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامٍ لَيْلَهَا قَالَ مُوسَى ع وَ مَنْ هَذَا الْعَبْدُ الْأَبْقَى مِنْكَ قَالَ الْعَاصِي الْمُتَمَرِّدُ

چون که صد آید... ۲۱

در آن برای عصیان‌گران درخواست آمرزش می‌شود^۱، شما نیز حتی اگر اهل عصیان و نافرمانی بوده باشید، اگر از راهش دعا کنید پاسختان را می‌دهد^۲.
این خدا فراتر از شایستگی پرستیدن، سزاوار آن است که دوستش داشته باشی.

۱. البرهان فی تفسیر القرآن ج ۵ ص ۱۴۶. اللَّهُمَّ بِحُرْمَةِ عِبْرِكَ عَلَيَّ اغْفِرْ لِلْعَاصِينَ مِنْ أُمَّتِي
۲. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۱۲. الصادق(ع): لَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدَّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ

فصل ۲

خشم، غضب، قهر، عذاب و عقاب خدا چه می‌شود؟

اندرآ کآزاد کردت فضل حق
زانکه رحمت داشت بر خشمش سبق
اندرآ اکنون که رستی از خطر
سنگ بودی کیمیا کردت گهر
(مثنوی مولوی)

آیا نویسنده دچار یک‌سویه‌نگری شده و همه‌ی آیات و روایات درباره‌ی غضب و قهر و عذاب خدا را کنار گذاشته است؟ آیا می‌توان چنین کاری کرد؟
کسی که اندک آشنایی با قرآن داشته باشد آیات عذاب، اوصاف جهنم و صفات قهر و غضب الهی را در کمتر سوره مشاهده نمی‌کند. چگونه خدایی که این همه از خشم

۲۴ عاشق تو

و غضب و عذاب‌های گوناگون خود داد سخن داده است عاشق همه‌ی ماست؟ و اگر این‌طور که این کتاب ادعا دارد واقعاً عاشق ماست پس آن خشم و غضب‌ها و آن عذاب و عقاب‌ها چه می‌شود؟

ما منکر وجود قهر و خشم و عذاب نیستیم ولی می‌خواهیم با آیات و روایات پرتعداد شما را به این حقیقت یادآور شویم که:

صفات مهر همیشه و همه‌جا از صفات قهر

پیش‌تر

بیش‌تر

وسیع‌تر

مسلط‌تر

سریع‌تر

و...

هستند و چنین برتری‌ای واقعاً یک‌سویه است و هیچ‌گاه یکی از صفات قهر بر صفات خانوادگی مهر غلبه نمی‌کند.

الف: تقدم زمانی

شک نداشته باشید قبل از آنکه ما پا به عالم وجود بگذاریم مورد رحمت و لطف خدا قرار گرفته‌ایم که اراده کرده است به ما وجود ببخشد؛ و بنابراین واقعیت است که امام (ع) به عنوان یک سوگند محکم و قابل اتکا، خدا را به رحمتی قسم می‌دهد که قبل از خلقتمان نصیب ما شده است.

" خدا یا به آن رحمت و لطف تو را سوگند می‌دهم و

خواسته‌هایم را به واسطه‌ی آن از تو می‌طلبم که قبل از اینکه

به وجود آمده باشم و قبل از اینکه چیزی باشم شامل حال
من کرده‌ای^۱"

پس وقتی قبل از آنکه چیزی باشیم مهر و لطف او شامل حال ما شده است، شک نیست که این دسته صفات خدای عاشق من و تو قبل از هر دسته صفات دیگری است.

خداوند خود را چنین معرفی می‌کند:

" ای آدم، منم خدای صاحب کرامت و سخاوت، نیکی را
قبل از بدی، مهر و رحمت را قبل از خشم؛ و لطف و
گرامی‌داشتن را قبل از تصمیم به تنبیه و کاستن از لطف و
دست‌برد داشتن از حمایت آفریده‌ام^۲"

و امام باقر(ع) در روایتی دیگر خداوند را با آفرینش رحمت قبل از خشم و آفریدن خوبی‌ها قبل از بدی‌ها به ما معرفی می‌کند^۳. و خود خداوند تصمیم خود را بر جاری کردن عفو و گذشت قبل از عقوبت و تنبیه، به وضوح تمام اعلام می‌دارد^۴.

ب: تقدم مکانی، جلود بودن صفات رحمت از غضب

امام سجّاد(ع) خدا را برای ما چنین ترسیم می‌کند:

" خدایا، تو آن خدایی هستی که مهر و رحمت پیشاپیش
خشم، با شتاب به سوی ما در حرکت است^۵"

۱. إقبال الأعمال ص ۱۱۵. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالرَّحْمَةِ الَّتِي سَبَقَتْ غَضَبَكَ وَ بِالرَّحْمَةِ الَّتِي ذَكَرْتَنِي بِهَا وَ لَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً

۲. بحار الأنوار ج ۱۱ ص ۱۸۲. النبی(ص): يَا آدَمُ أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ خَلَقْتُ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ وَ خَلَقْتُ رَحْمَتِي قَبْلَ غَضَبِي وَ قَدَّمْتُ بِكَرَامَتِي قَبْلَ هَوَانِي

۳. بحار الأنوار ج ۵۴ ص ۹۸. الباقر(ع): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ... خَلَقَ الرَّحْمَةَ قَبْلَ الْغَضَبِ وَ خَلَقَ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ

۴. بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۳۴۰. الرضا(ع): إِنَّ قَضَائِي عَلَيْكُمْ أَنْ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي

۵. صحیفه‌ی سجّادیه دعای ۱۶. أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ

خودتان تصور کنید دو دسته صفات مهر و قهر هر دو به سوی ما در حرکت باشند ولی دسته‌ی مهر جلو افتاده و با سرعت بیشتری با شتاب می‌خواهند خود را به ما برسانند و ما را در خود غرق کنند، اگر ما لجبازی نکنیم و جاخالی ندهیم، فرصتی برای دسته‌ی دوّم باقی می‌ماند!!

ج: سبقت و پیشی گرفتن

شک نیست خدا هم رحمت دارد هم غضب، هم لطف دارد هم عذاب، هم گذشت دارد هم کيفر، هم خير را آفریده است و هم شر را؛ ولی به تعابیر پرتعداد زیر دقت کنید؛ همه‌جا دسته‌ی اوّل بر دسته‌ی دوّم سبقت می‌گیرند و زودتر خود را به تو - هر که باشی - می‌رسانند. چرا؟ چون دوست دارد، عاشق توست.

ج-۱- پیشی گرفتن مهر بر خشم

" ای آن که مهر و رحمت بر خشم سبقت می‌گیرد " ^۱

" منم پروردگار فرشتگان و روح، مهرم بر خشمم و

گذشتم بر کيفرم سبقت می‌گیرد " ^۲

" خدا را ستایش می‌کنیم به خاطر رحمت و مهرش که بر

خشمش پیشی گرفته است " ^۳

" منم که مهرم بر خشمم پیشی گرفته، بنابراین هیچ

گناهی برای آمرزیدن نزد من بزرگ نیست " ^۴

این سبقت و پیشی گرفتن صفات رحمت بر خشم نه تنها شک و شبهه بر نمی‌دارد بلکه حتّی در تعارض احتمالی با برداشت‌های دیگر از آیات و روایات نیز خدشه ناپذیر

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۳۹. الصادق(ع): يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ
 ۲. بحارالکافی ج ۱ ص ۴۴۳. أَنَا رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۳۴. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى رَحْمَتِهِ الَّتِي سَبَقَتْ غَضَبِهِ
 ۴. الکافی ج ۲ ص ۲۷۴. الصادق(ع): إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي فَلَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاطَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ أَغْفِرُهُ

است؛ زیرا از طرف پروردگار بر خود حتم و واجب شده است. دقت کنید، خداوند می‌فرماید:

" بر خودم چنین حتم و واجب کردم که مهرم بر خشم
پیشی گیرد ^۱ "

" خدایا تو را به آن رحمت و مهری سوگند می‌دهیم که
بر خشمتم پیشی گرفته است ^۲ "

آری، این رحمت سبقت گرفته، آن قدر مهم و دارای اعتبار است که برای اجابت دعا، باید دست به دامن آن شد و خدا را به آن سوگند داد.

" مهرم بر خشمم پیشی گرفته است ^۳ " .

" خدایا، تواز هر نسبتی پاکی، تو دارای قداست و طهارت
وصف ناپذیری، ای پروردگار فرشتگان و روح، مهر تو بر
خشمتم پیشی گرفته است ^۴ " .

" پاک و منزّه است خداوندی که مهرش بر خشمش
پیشی گرفته است ^۵ " .

" اوست خدایی که مهرش بر خشمش پیشی گرفته است ^۶
" .

" خدایا، تویی که مهتر بر خشمتم پیشی گرفته است ^۷ " .

۱. الکافی ج ۸ ص ۵۲. کَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ فَسَبَقَتْ قِتْلَ الْغَضَبِ

۲. إقبال الأعمال ص ۱۱۵. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِالرَّحْمَةِ الَّتِیْ سَبَقَتْ غَضَبَکَ

۳. بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۳۰۶. سَبَقَتْ رَحْمَتِیْ غَضَبِیْ

۴. الکافی ج ۲ ص ۵۲۸. سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ اَنَا رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتِیْ غَضَبِیْ

۵. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۱۵۷. سُبْحَانَ الَّذِیْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ

۶. عدة الداعی ص ۲۲. فَإِنَّهُ هُوَ الَّذِیْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ

۷. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۰۴. فَإِنْ رَحْمَتُکَ سَبَقَتْ غَضَبَکَ

"خدایا به واسطه‌ی مهرت که بر خشمت پیشی گرفته
است از تو درخواست می‌کنیم"^۱.
"پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم که از آن مهری که
بر خشمت پیشی گرفته است برای ما در نظر بگیری و اوضاع
ما را با آن به سامان آوری"^۲.

ج-۲- پیشی گرفتن مهر بر عذاب

"خدایا، تو آن بردباری هستی که از خطاهای بسیاری
درمی‌گذری تا اینکه گذشت و مهر و رحمت تو بر عذابت
سبقت می‌گیرند"^۳.

ج-۳- پیشی گرفتن گذشت بر عذاب و کیفر

"منم پروردگار فرشتگان و روح، گذشتم بر کیفرم پیشی
گرفته است"^۴.

د- وسعت و دامنه‌ی پوشش

خیالتان راحت، شما اگر کوچک‌ترین "چیزی" باشید، رحمت خدا آن قدر گسترده
است که آن "چیز" را در بر می‌گیرد. در عبارات پایانی دعای نسبتاً طولانی "علوی
مصری" از زبان حضرت بقیةالله الاعظم (عج) چنین آمده است:
"خدایا ما معتقدیم که رحمت تو همه "چیز" را دربر می‌گیرد و من آن "ذره"
و آن "چیز" هستم پس باید مرا هم در بر بگیرد"^۵.

۱. شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۱۳۵. أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ غَضَبَكَ
۲. بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۸۸. فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ أَنْ تُدَارِكَنِي سَعَةُ رَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ غَضَبَكَ
۳. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۲۷۰. أَنْتَ خَلِيمٌ ذُو أَنْةٍ تَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّى يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَ رَحْمَتُكَ عَذَابَكَ
۴. الکافی ج ۲ ص ۵۲۸. سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ أَنَا رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي
۵. تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۷۲. وَ قُلْتُ "وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا شَيْءٌ" فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ

صریح آیهی قرآن، رحمت خدا را به گستردگی همه چیز می‌داند.^۱ و آیا شما می‌توانید خود را از دایره‌ی همه چیز و "چیز" بودن خارج کنید؟ شما نیز زیر چتر رحمتید؛ هر که باشید او با شما مهربان است؛/ندکی، دُره‌ای قدرش را بدانید. خدای ما خدایی است که رحمت و مهرش "همه چیز" را در بر می‌گیرد.^۲ خدای ما خدایی است که همه‌ی آفریدگان در دایره‌ی مهرش می‌گنجند، و به خاطر این گستردگی مهر است که این صفت را بر خود پسندیده و خود را با آن نامیده است.^۳

خدایا، هیچ گناه بزرگی برای بخشیده شدن نزد تو بزرگ نیست^۴ و آمرزش و مهر تو از آن گسترده تر و بزرگ تر است؛ زیرا مهرت همه چیز را در بر گرفته است. هرکسی، هر گناهی مرتکب شده باشد، دامنه‌ی آمرزش خداوند از محدوده‌ی کیفر او وسیع تر است.^۵

ه - اشراف، احاطه و تفوق صفات مهر بر صفات قهر

خدایا تویی که گذشتت بالاتر از کیفرت است.^۶

و- بزرگ تر

صفات گروه مهر بزرگ تر و عظیم تر از گروه قهرند. خدایا، هیچ گناهی برای تو آن قدر بزرگ نیست که آن را نبخشی؛ پروردگارا، گذشت و مهر تو بزرگ تر و پر دامنه تر از هر گناهی است زیرا همه چیز را در بر می‌گیرد.^۷

۱. اعراف ۱۵۶. رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

۲. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۵۸. أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ

۳. صحیفه‌ی سجاده دعای ۱۶. وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ... أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ

۴. الکافی ج ۲ ص ۲۷۴. الصادق(ع): قُلْ لَهُمْ إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي فَلَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي فَإِنَّهُ لَا يَتَنَاطَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ أَغْفِرُهُ

۵. ریاض السالکین ج ۷ ص ۹۶. عَفْوُهُ أَكْثَرُ مِنْ عِقَابِهِ وَغُفْرَانُهُ أَوْسَعُ مِنْ انْتِقَامِهِ

۶. صحیفه‌ی سجاده دعای ۱۶. أَنْتَ الَّذِي عَفْوُهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

۷. مصباح الکفعمی ص ۷۶۷. مَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ يَا رَبُّ أَكْثَرُ وَأَوْسَعُ مِنْهَا لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

۳۰ عاشق تو

ز- لبریز تر

ای آن که میزان رضایت و خرسندی اش سرشارتر و لبریزتر از خشم اوست^۱.

ح- بیشتر

ای آن که گذشتش بیش از کيفرش است^۲.

گذشت پروردگارمان بیش از عقوبت و کيفر اوست^۳.

خدایا، تو آن خدایی که عطا کردن هایت بسیار بیشتر از رد کردن درخواست کننده است^۴.

ط- غلبه کننده

خداوند چیزی نیافرید مگر آنکه غلبه کننده و چیره شونده بر او را نیز آفرید؛ و خداوند مهر و رحمت را برای غلبه بر خشم خود آفرید^۵.

آن گاه که خداوند آفرینش را آغاز کرد، به دست خود چنین نوشت و بر خود چنین واجب کرد:

"مهرم بر خشمم غلبه کند"^۶.

ی- شبیه تر به خواست و اراده ی خدا

خدایا، شبیه ترین چیزها به خواست و اراده ی تو و سزاوارترین کارها برای نسبت دادنش به تو و متناسب ترین صفت با عظمت و بزرگی تو؛ مهرورزیدن با کسی است

۱. صحیفه ی سجادیه دعای ۱۲. يَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ

۲. صحیفه ی سجادیه دعای ۱۲. يَا مَنْ عَفْوُهُ أَكْثَرُ مِنْ نَقْمَتِهِ

۳. الجمل ص ۴۰۷. فَالْعَفْوُ أَحَبُّ إِلَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴. صحیفه ی سجادیه دعای ۱۶. أَنْتَ الَّذِي عَطَاوُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنْعِهِ

۵. نهج الفصاحه ص ۶۹۹ النبی (ص): مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ قَدْ خَلَقَ لَهُ مَا يَغْلِبُهُ وَ خَلَقَ رَحْمَتَهُ تَغْلِبُ غَضَبَهُ

۶. نهج الفصاحه ص ۳۰۱. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ كَتَبَ بِيَدِهِ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي

که از تو درخواست رحمت و مهر دارد، و فریادرسی کردن از کسی که از تو می‌خواهد به فریادش برسی.^۱

ک- شایسته‌تر

خدایا، سزاوارتر آن است که تو با لطف و فضل خود با آفریدگان روبه‌رو شوی.^۲
خدایا، تو به اینکه عفو کنی و درگذری شایسته‌تری تا اینکه کیفر کنی و نبخشی.^۳
خدایا، تو بیش از صفات دیگر عادت داری که احسان و لطف کنی.^۴

ل- محبوب‌تر

خدایا، تو عفو کردن مرا از کیفر کردنم بیشتر دوست داری.^۵
گذشت نزد پروردگار عالمیان از هر فعلی دوست‌داشتنی‌تر است.^۶
خدایا، اگر مرا به جهنم ببری شیطان شادمان می‌شود و اگر مرا به بهشت ببری پیامبرت (ص) شادمان خواهد شد؛ و به خداوندی‌ات سوگند، من می‌دانم که تو شادمانی پیامبرت (بر بهشت رفتن من) را بر شادمانی شیطان (به خاطر جهنم رفتن من) بیشتر می‌پسندی و آن را بیشتر دوست داری.^۷

ن- نزدیک‌تر

خدایا، پوشاندن گناهانم به تو و به صفات تو نزدیک‌تر است تا اینکه آن را برملا کرده و مرا رسوا کنی.^۸

۱. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۱۰. أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِنْ اسْتَرْحَمَكَ ، وَ غَوْثٍ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ
۲. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۴۷. اللَّهُمَّ... أَنْتَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ
۳. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۴۷. اللَّهُمَّ... أَنْتَ بَأْنِ تَغْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ
۴. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۴۷. اللَّهُمَّ... أَنْتَ... أَغْوَدُ بِالْإِحْسَانِ
۵. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۱۶. يَا إِلَهِي... لِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي
۶. الجمل ص ۴۰۷. فَالْعَفْوُ أَحَبُّ إِلَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ
۷. مصباح‌الکفعمی ص ۵۹۹. إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ عَدُوُّكَ وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ نَبِيُّكَ وَ أَنَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُورُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُورِ عَدُوِّكَ
۸. صحیفه‌ی سجاده‌ی دعای ۴۷. اللَّهُمَّ... أَنْتَ بَأْنِ تَسْتَرُ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تُشْهَرَ

ن- خاموش شدن آتش قهر توسط صفات گروه مهر

خدایا، به من رحم کن و بر من مهر بورز، از آن مهری که خشم را خاموش می‌کند و فرو می‌نشاند^۱.

ولی بالاخره صفات گروه مهر هستند یا نیستند؟ و اگر هستند کجا می‌روند؟ و بالاخره چه زمانی و کجا سر بر می‌آورند؟

این روایت را با دقت مضاعف از نظر بگذرانید:

" خداوند بر کسی خشم می‌گیرد که رحمت و مهر به این

گستردگی را ندیده بگیرد و بازهم ناامید شود و خود را از

شمول نسیم مهر و رحمت خدا مأیوس بداند^۲."

این تویی که می‌توانی با این همه مهر، قهر را انتخاب کنی!

۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۵۵. يَا اللَّهُ... اَرْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ
۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. السَّخِطُ عَلَى مَنْ قَنَطَ مِنْ وَاسِعِ رَحْمَتِهِ وَ يَيْسَ مِنْ عَاجِلِ رَوْحِهِ

فصل ۳

عاشق همیشه حاضر

عاشق باید همیشه در دسترس باشد، نزدیک، نزدیک‌تر از هر کس، حضور و گرمای وجودش باید همیشه حس شود و آلا عشق و گرمای عشق او را قبول نداریم. با کلام امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه شروع می‌کنیم که می‌فرماید:

"او آن‌قدر مهربان و بزرگواریست که از طرف او هیچ

مانع و حجاب و سدّ و دیواری ایجاد نشده است، به عبارتی:

همه‌ی فاصله‌ها را برداشته است^۱"

تو دیوار نکش، مطمئن باش او دیوار نساخته و پرده‌ای نیاویخته است.

۱. بحارالأنوار ج ۷۴ ص ۲۰۵. الباقی (ع): هُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مِنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ

یقین داشته باش هر مانع و حجاب و عامل دوری هست، از طرف توست، درهای او باز و آغوشش بازتر است، حاجب و دربان ندارد، وقت نمی شناسد، همیشه و همه جا آغوشش برای آرمیدن تو، گوشش برای شنیدن نجوای تو باز است، باز باز. حافظ شیراز، او که عشق خدا را به خوبی شناخته بود و خود نیز عاشق او بود به زیبایی سراییده است:

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست
تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

اگر تو عاشقی و خدا معشوق تو، بدان که سدّ و مانع و حجابی نیست و اگر خدا عاشق است و تو معشوق باز هم بدان که جناب عاشق همین نزدیکی هاست، همیشه هم همین نزدیکی ها بوده است و هیچ حجاب و مانعی برای رفتن به نزد او، درددل کردن با او و آرمیدن در آغوش او وجود ندارد.

الف-خدای تو نزدیک است

بیدلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد
(حافظ)

راه خانه ی او دور نیست، مسافت و فاصله بسیار اندک است^۱. او خیلی نزدیک است، آن قدر که امام معصوم با تعجب بگوید: "چه قدر نزدیک!!"^۲. ممکن است بگویی شاید منظور امام(ع) خودش بوده و خدا به امام نزدیک است؛ خیر، امام می گوید: چه قدر به بنده ها نزدیکی!!

۱. بحارالانوار ج ۹۱ ص ۲۷۶. الرَّاحِلُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ
۲. بحارالانوار ج ۹۵ ص ۲۲۵. الْحُسَيْنِ(ع): إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي

عاشق همیشه حاضر ۳۵

ممکن است بگویی ما که بنده نبوده‌ایم! امام می‌گوید: "چه قدر به آفریده‌ها
نزدیکی!!"

او نزدیک است، نزدیک‌تر از هر نزدیک.

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وین عجب‌تر که من از وی دورم

(گلستان سعدی)

بیش از هر چیز و هر کسی به تو نزدیک است.

نزدیک‌تر از همسایه^۱

نزدیک‌تر از همسر و همنشین^۲

نزدیک‌تر از رگ قلب^۳

نزدیک‌تر از خود قلب^۴

نزدیک‌تر از هر نزدیک^۵

نزدیک‌ترین چیزی که وجود دارد^۶

نزدیک‌تر از هر چیزی که فکر می‌کنی به تو نزدیک است^۷

ب- برای چه این قدر نزدیک است؟ برای لطف و مهر یا برای قدرت‌نمایی و

پرونده‌سازی؟

نزدیک است برای رحمت و مهر^۸

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۱. السجاد(ع): يَا مَنْ... أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الْبَحَارِ اللَّصِيقِ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۷. السجاد(ع): يَا مَنْ... أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الصَّاحِبِ الْكَزِيقِ
 ۳. سوره ی ق ۱۶. أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
 ۴. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۲۸۱. أَذْنِي خَفِيفٌ خُلَّتْ دُونَ الْقُلُوبِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۳ ص ۱۴۸. هُوَ... أَقْرَبُ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۳۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ... أَقْرَبَ مَوْجُودٍ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۶۸. يَا قَرِيبُ الْمُجِيبِ الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۹. يَا قَرِيبَ الرَّحْمَةِ

نزدیک است برای شنیدن^۱، شنیدن نجوای تو^۲، برای شنیدن خواسته‌های تو^۳، و از همه‌ی آن‌ها که می‌توانی صدایشان بزنی نزدیک‌تر^۴

نزدیک است برای پاسخ‌دادن^۵، و از هر پاسخ‌دهنده‌ای نزدیک‌تر^۶

نزدیک است برای مراقبت از تو^۷، و از هر محافظی نزدیک‌تر^۸

نزدیک است برای حل مشکلات تو^۹، و از هر فریادرسی نزدیک‌تر^{۱۰}، حتی اگر فریب خورده باشی بازهم به تو نزدیک است^{۱۱}.

و البته خدای تو، ناتوان نیست که فقط نزدیک باشد و کاری از دستش بر نیاید؛ در عین نزدیکی تواناست، توانایی‌هایش را هم با خود به نزدیکی تو آورده است^{۱۲}. خدای تو، نزدیک به توسست و نزدیکی‌اش دائمی و همیشگی است.

هیچ‌گاه حتی یک لحظه نه از تو دور می‌شود^{۱۳} و نه نسبت به تو بی‌توجه^{۱۴}.

نزدیک‌بودن بیش از حد خدا به ما، به عظمت و حشمت و جلال و شکوه او لطمه نمی‌زند.

-
۱. سوره‌ی سبأ ۵۰. إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۹. يَا أَقْرَبَ مَنْ نُوحِيْ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۸ ص ۳۴۷. اَللّٰهُمَّ ... قَرِيبٌ اِذَا دُعِيْتُ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۲. اَللّٰهُمَّ اِنْكَ اَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ
 ۵. سوره‌ی هود ۶۱. اِنْ رَبِّيْ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۸۲. يَا اَقْرَبَ الْمُجِيبِيْنَ
 ۷. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۰. فَاِنْكَ...رَقِيبٌ قَرِيبٌ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۴۱. الصّادِقُ(ع): اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَقْرَبُ حَفِيْظِ
 ۹. العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة ص ۱۰۵. سُبْحَانَكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْقَرِيبُ الْفَتّٰحُ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۳۳. (ع): يَا...اَقْرَبَ مُسْتَعِيْثٍ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۹۸. يَا قَرِيْبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهٖ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۰. فَاِنْكَ...قَرِيبٌ قَادِرٌ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۸۸. (ع): اَللّٰهُمَّ اِنْكَ...قَرِيبٌ لَا يَبْعُدُ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۴. يَا قَرِيْبًا لَا يَغْفُلُ

خدای ما در عین نزدیکی، جایگاه عالی و متعالی خود را از دست نداده است^۱ و در همان اوج و بلندای پرشکوه خود قرار دارد^۲؛ و عجیب آن که با وجود نزدیکی چه بلندمرتبه^۳ و باشکوه است^۴.

تناقض نیست، باید نحوه‌ی نگاهمان به خدا را از قوانین مادی بالاتر ببریم. در نظام مادی آن چه دور است نزدیک نیست و آن چه نزدیک است دور نیست. خدای ما از منظر عظمت و کبریا با ما و توانایی‌های ما بسیار فاصله دارد، پس دور است؛ ولی از نظر لطف و رحمت از رگ جان هم به ما نزدیک‌تر است؛ البته نه با قوانین حاکم بر اجسام، زیرا که خدا جسم نیست. دقت کنید؛ امام (ع) خطاب به خدا می‌گوید:

"تویی نزدیک، تویی دور"^۵

"ای عالی‌ترین عالی‌ها، در کمال نزدیکی"^۶

آری، خدای تو در عین نزدیکی دور است و در عین دوری بسیار نزدیک^۷. خدای تو علیرغم نزدیکی قابل لمس نیست^۸، و هم‌زمان که نمی‌توانی لمسش کنی، هیچ فاصله‌ای با تو ندارد^۹ و در کمال نزدیکی در پس پرده‌ی عظمت و شکوه قرار دارد و با چشم‌ها قابل دیدن نیست^{۱۰}. البته بحث معرفت خدا و چیستی او نه در حد بضاعت نویسنده است نه در گنجایش این کتاب؛ دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه خصوصاً دعا‌های ۱، ۳۲، ۴۷، خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه، هم‌چنین احادیث فراوان

۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۶۸. يَا قَرِيبُ الْمُتَعَالَى

۲. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. يَا اللَّهُ الْقَرِيبُ فِي ارْتِفَاعِهِ

۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۳. سُبْحَانَهُ مِنْ... قَرِيبٌ مَا أَرْفَعَهُ

۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ

۵. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۴۰. أَنْتَ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ الْبَعِيدُ

۶. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۶۱. يَا أَعْلَى الْأَعْلَى فِي أَقْرَبِ الْقُرْبِ

۷. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۷. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّائِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ

۸. بحارالأنوار ج ۴ ص ۲۶۴. الْحَمْدُ لِلَّهِ... بَلَا تَبَاغِدُ الْقَرِيبَ مِنْهُمْ بَلَا مَلَامَسَةَ مِنْهُ لَهُمْ

۹. بحارالأنوار ج ۴ ص ۵۲. قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ غَيْرَ مَلَامَسٍ بَعِيدٌ مِنْهَا غَيْرَ مُبَايِنٍ

۱۰. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۴۱. (ع): أَقْرَبُ... مِنْ أَنْ تُذَرَكَ الْعَيْنُ عَظَمَتِكَ

در کتاب التوحید اصول کافی و کتاب توحید صدوق و بالاتر از آن خود کلام الهی و آیات پر تعداد توحیدی زنگار را از خداشناسی ما می‌زداید و خدایی را که می‌خواهیم بپرستیم و دوستش بداریم، به خدایی که خود خدا و برگزیدگان او معرفی می‌کنند نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند. شک نداشته باشید عالی‌ترین، واجب‌ترین و مهم‌ترین دانشی که باید فرا بگیرید این است که خدای خود را بشناسید همان‌گونه که خودش خود را معرفی می‌کند نه با توهّمات و خدای‌ناکرده با تلقین شیطان و نفس. عاشق خودتان را هرچه بیشتر و بهتر بشناسید. اصلاً آمدن ما به دنیا و وضع ادیان و بایدها و نبایدها همه و همه وسایلی است برای شناخت هرچه بیشتر و هرچه بهتر او.

ب- عاشق تو حاضر است

گفتم که به انبوهی شهرم که بیاید

آن کس که در انبوهی اسرار مرا یافت

(مولوی)

خدای ما حاضر است^۱، همه‌جا و در هر جمعی^۲ و مراقب توست^۳، در هر جای پنهانی حاضر است^۴، نزد اسرار و رازهای آفریدگان نیز حاضر است^۵ و به پنهانی‌ترین آنچه در تصور می‌گنجد نیز احاطه‌ی کامل دارد^۶. حضور او از حضور همه‌چیز و همه‌کس پررنگ‌تر و از هرآن‌چه بتوانی وجودش را تصور کنی و او را بشمارای حاضرتر و

۱. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۴۰۲. یا حَاضِرُ

۲. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۲۲۶. سُبْحَانَكَ حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ

۳. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۶. أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ

۴. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۱. يَا حَاضِرُ كُلِّ غَيْبٍ

۵. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۲۸. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ حَاضِرُ اسْرَارِ خَلْقِكَ

۶. مصباح‌الکفعمی ص ۲۰۴. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَاضِرُ الْمُحِيطُ بِمَكْنُونَاتِ السَّرَائِرِ وَ الضَّمَائِرِ

عاشق همیشه حاضر ۳۹

نزدیک‌تر است^۱ و البته از هر دوست و مونس و یار و غمخواری نیز حضورش جدی‌تر،
نزدیک‌تر و پررنگ‌تر است؛
قدمی برداری او را می‌یابی.^۲

حاضر است تا مهر بورزد، حاضر است که لطفش، دوست‌داشتنش و عظمتش را به
تو عرضه کند.^۳ اندکی از مباحث صفحات قبل را در مورد هم‌زمانی نزدیکی و مقام
بلند او این‌جا تکرار کنیم. در هر مکانی حاضر است ولی دیده نمی‌شود.^۴
چشم برهم زدن از هیچ مکانی بیرون نیست، یعنی حاضر بودن او مشروط و محدود
نیست. البته هم‌زمان دور است و رتبه و مقامش با ما فاصله‌ای ژرف دارد، ولی از
دست‌مان نرفته و گم نشده و نیست و نابود نشده است.^۵
هرچند در همه‌ی مکان‌ها حاضر است ولی قابل لمس نیست^۶، و با چشم سر دیده
نمی‌شود.^۷

ج: حضور خدای تو با چشم باز و نظارت کامل و تمام عیار است

تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد
دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی
(حافظ)

عرض کردیم خدای تو حضوری همراه توانایی دارد، حضوری همراه فایده‌ی تمام و
خیلی صریح و کوتاه با یک لحن بسیار دوستانه به تو می‌گوید: "جلوی چشمم

۱. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۱۸. النَّبِيُّ (ص): أَنْتَ... أَخْضَرُ مِنْ عَدِيدِي

۲. بحارالأنوار ج ۱۳ ص ۲۵۸. أَنْتَ لَوْ تَبَيَّنْتَ إِلَى اللَّهِ لَوَجَدْتَهُ عِنْدَ أَوَّلِ قَدَمٍ تَرْجِعُ بِهَا إِلَيْهِ

۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۲۵۲. يَا... خَاضِرًا خَفِيًّا بَارَأَ

۴. مهج الدعوات و منهج العبادات ۵۴ قنوت الإمام موسى بن جعفر (ع) ص ۵۴. يَا... خَاضِرَ كُلِّ مَكَانٍ يَا ذَكَرَ وَ لَا عَيَانَ

۵. بحارالأنوار ج ۴ ص ۲۶۳. النَّبِيُّ (ص): لَمْ يَخْلُ عَنْهُ مَكَانٌ طَرَفَةَ عَيْنٍ خَاضِرٌ غَيْرُ مَخْذُودٍ وَ غَائِبٌ غَيْرُ مَقْشُودٍ

۶. بحارالأنوار ج ۳ ص ۳۰۹. هُوَ فِي كُلِّ مَكَانٍ بِغَيْرِ مُمَاسَةٍ وَ لَا مُجَاوَرَةٍ

۷. انعام ۱۰۳. لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ

هستی^۱، یعنی تو را می‌بینم و هوایت را دارم. خدای ما بیناست^۲ بیناترین^۳ و بزرگوارترین^۴ و نزدیک‌ترین کسی که بر ما ناظر و بر کارهایمان گواه است؛^۵ از هر ناظری و از هر گواهی بهتر.^۶

او مشاهده کننده‌ی ما و اعمال ماست، نظارتی بدون لحظه‌ای غیبت^۷، حتی اگر ظاهراً در مقابل چشمان ما نباشد؛^۸ شاهدی شنوا^۹، آگاه^{۱۰} و آماده^{۱۱}.

هرجا باشیم^{۱۲}، حتی به اندازه‌ی وزن ذره‌ای -چه در آسمان و چه در زمین- از او پنهان نیست^{۱۳} و بر همه چیز ناظر و شاهد است^{۱۴}، به هرچه انجام‌دهی^{۱۵} هرچه بگویی^{۱۶}. خدا ناظر و شاهد است؛ بر من، بر تو^{۱۷}، و بر همه‌ی آفریدگان^{۱۸}، بر همه‌ی

-
۱. بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۲۶. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى... فَأَنْتَ بَعِيْنِي
 ۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۹. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ... يَا نَاطِرَ
 ۳. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۹۱. يَا أَنْظِرَ النَّاطِرِينَ
 ۴. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۷۸. يَا... أَكْرَمَ النَّاطِرِينَ
 ۵. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۳. السَّجَادُ (ع): اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأَنْتَ أَقْرَبُ الشَّاهِدِينَ
 ۶. مصباح الكفعمي ص ۳۵۱. يَا أُشْهِدُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ
 ۷. بحار الأنوار ج ۸۸ ص ۱۸۷. يَا شَهِيدُ غَيْرِ غَائِبٍ
 ۸. الكافي ج ۲ ص ۵۸۳. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ
 ۹. بحار الأنوار ج ۴۷ ص ۳۳۰. وَاللَّهُ فِيهِمْ شَهِيدٌ يَسْمَعُ
 ۱۰. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۱۱۴. إِنَّ اللَّهَ... شَهِيدٌ خَبِيرٌ
 ۱۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۶. هُوَ عَلَيْنَا شَهِيدٌ عَتِيدٌ
 ۱۲. بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۲۷. أَنْتَ شَهِيدُهُمْ حَيْثُ كَانُوا
 ۱۳. عدة الداعی ص ۳۲۴. شَهِيدٌ عَلَى خَلْقِهِ بِمَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنْ قَوْلٍ وَفَعْلٍ وَإِذْ لَا يَغِيبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
 ۱۴. حج ۱۷. إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
 ۱۵. آل عمران ۹۸. شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ
 ۱۶. مشکاة الأنوار ص ۱۹۹. وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَقُولُونَ
 ۱۷. بحار الأنوار ج ۴۱ ص ۱۱۹. اللَّهُمَّ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى وَ عَلَيْنَهُمْ
 ۱۸. المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۳۱۸. وَ مَهْمِنَا عَلَيْهِ أَيْ شَهِيداً فَهُوَ تَعَالَى الشَّاهِدُ عَلَى خَلْقِهِ بِمَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ

عاشق همیشه حاضر ۴۱

گروه‌ها و اجتماعات^۱، بر هر آنچه دیدنی باشد^۲ و حتی هر آنچه نادیدنی^۳ و مخفی بوده باشد^۴، حتی ناظر و شاهد کوچک‌ترین چشم به هم‌زدنمان^۵، آهسته‌ترین نجواهایمان^۶، حتی آنچه بر خاطرمان بگذرد^۷. ناظر بر ما و کارها و نیازهایمان^۸.
حال جا دارد که بگوییم: "عجب نظارت‌کننده‌ی تمام عیاری^۹!!" و حق است که هم‌زبان با خدا بگوییم: با این ناظر و شاهد، همه‌ی نیازهایمان رفع می‌شود و الحق و الانصاف احتیاج به هیچ ناظر و شاهد دیگری نداریم^{۱۰}.
البته یادمان نرود این شاهد و ناظر، قابل لمس^{۱۱} و قابل رؤیت با چشم سر^{۱۲} و با حواس جسمانی نیست.

د: خدای تو همراه و همنشین است

خدایی که خود خدا و اولیای او و به تبع آنان، این کتاب به تو معرفی می‌کند واقعاً تو را دوست دارد و همچنان که تو انتظار داری که یک علاقمند، دوستدار و عاشق، همه‌جا همراه و همنشین تو باشد این چنین است. ما می‌توانیم او را همراه گرفتاری‌ها^{۱۳} و هم‌صحبت دوران سختی^{۱۴} و هم‌نشینی دلسوز بخوانیم^{۱۵}، زیرا او تنها همراه همیشگی ماست.

۱. الکافی ج ۲ ص ۵۶۰. السجاده (ع): يَا... شَاهِدٌ كُلُّ مَلَأٍ

۲. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۹۲. يَا... شَاهِدٌ كُلُّ مَشْهُودٍ

۳. بحار الأنوار ج ۸۸ ص ۱۸۹. يَا شَاهِدٌ كُلُّ غَائِبٍ

۴. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ج ۲ ص ۸۴۹. الشَّاهِدُ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

۵. بحار الأنوار ج ۴۹ ص ۸۲. يَا شَاهِدٌ لِحَفَظَاتِ الْبَصَارِ الْبَاطِنِينَ

۶. الکافی ج ۴ ص ۷۲. الْكَاطِمُ (ع): يَا شَاهِدٌ كُلِّ نَجْوَى

۷. مهجالدعوات و منهج العبادات ص ۵۸. أَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ

۸. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۸. أَنْتَ الْبَاطِرُ فِي خَوَائِجِهِمْ

۹. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ مَا أَشْهَدُهُ

۱۰. احقاف ۸. كَفَى بِهِ شَهِيداً

۱۱. الکافی ج ۱ ص ۱۳۹. الشَّاهِدُ لَا يُمَمَّاسُهُ

۱۲. اقبال الاعمال ج ۱ ص ۲۱۱. يَا شَاهِدُ غَيْرَ مَشْهُودٍ

۱۳. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ج ۱ ص ۷۰. يَا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ

۱۴. تفسیر القمی ج ۲ ص ۵۶. يَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي

۱۵. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۴۸. يَا صَاحِبِي الشَّقِيقِ

بهترین همنشین^۱، همراه همراهان^۲، همراه همه‌ی رازهای درونی^۳ و نجوای عاشقانه است^۴ همراه و همنشین تنهایی‌هایت^۵، همراه همه‌ی آنان که تنها نیستند^۶.
همراه^۷ و همنشین همه‌ی غریبان^۸ مسافران^۹ و دورافتادگان^{۱۰}. بسیاری از عاشق‌نمایان دنیایی همچون مگسان گرد شیرینی^{۱۱} فقط در ایام جوانی، شادابی، دارایی و راحتی در کنار تو هستند، ولی عاشق واقعی تو در تنهایی و غربت^{۱۲}، به‌هنگام سفر و دوربودن از نزدیکان^{۱۳} و در زمان گرفتاری^{۱۴} و نیاز^{۱۵} همراه و همنشین توست. عاشق تو، حاضر، ناظر، شاهد، همراه و همنشینی بسیار نزدیک است. حضورش برای کمک به تو و نظارتش برای حفظ و حراست توست. —هرچند نمی‌توانیم— ولی باید حداقل امکان قدر او را دانست^{۱۶}، اگر پا در راه بگذاریم هرروز و هر لحظه الطاف پایان‌ناپذیر او را بیشتر و بیشتر درک می‌کنیم.

-
۱. البلد الأمين و الدرع الحصین ص ۴۱۰. يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَ جَلِيسٍ
 ۲. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۸. سُبْحَانَ اللَّهِ... صَاحِبِ الْأَصْحَابِ
 ۳. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۷۰. لَا خَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَاحِبِ كُلِّ سَرِيرَةٍ
 ۴. بحار الأنوار ج ۸۴ ص ۸۰. يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى
 ۵. المجتنب من الدعاء المجتنبی ص ۷. يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي
 ۶. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۴۱. يَا صَاحِبَ كُلِّ وَحِيدٍ
 ۷. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۴. يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ
 ۸. مصباح الكفعمی ص ۱۷۸. أَنْتَ... جَلِيسُ كُلِّ غَرِيبٍ
 ۹. إقبال الأعمال ص ۳۲۷. يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ
 ۱۰. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۶. يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ
 ۱۱. این دغل دوستان که می‌بینی مگسانند گرد شیرینی (سعدی)
 ۱۲. البلد الأمين و الدرع الحصین ص ۳۳۸. يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ
 ۱۳. إقبال الأعمال ص ۳۲۷. يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ
 ۱۴. الکافی ج ۲ ص ۵۹۰. الصادق (ع): يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي
 ۱۵. مهج الدعوات و منهج العبادات ص ۱۰۰. يَا صَاحِبِي فِي حَاجَتِي
 ۱۶. انعام ۹۱. وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

فصل ۴

عاشقِ مشتاق

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد
ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود
(حافظ)

عاشق باید معشوق و محبوب خود را دوست داشته باشد، با او انس بگیرد، مشتاق او، مشتاق صدا و دیدار او باشد به او توجه کند و به او علاقمند باشد.

حب

خدای ما به من و تو اجازه داده که او را "حبیب" بخوانیم. و "حبیب"، لطیف‌ترین و خودمانی‌ترین اسمی است که می‌توان به یک دوست خودمانی خطاب

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۹. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ

کرد، "حبیب" از رفیق و دوست و یار و خلیل و... نزدیک‌تر و خودمانی‌تر است.^۱
عاشق تو، حبیب است^۲ حبیبی خوب^۳ بهترین حبیب^۴ حبیبی بهتر از همه‌ی حبیب‌ها.^۵
او بسیار با محبت است، یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی او "ودود"^۶ به معنی "بسیار
دوستدار و مهربان" است، بسیار با محبت است و می‌خواهد که لطف و احسان کند^۷،
به تو، به من، به همه، حتی به آنان که از یاد او غافلند.^۸

انیس

یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم
دولت صحبت آن مونس جان ما را بس
(حافظ)

خداوند انیس دوست^۹ و مونس تو^{۱۰}، هر که باشی می‌توانی او را انیس و مونس خود
بدانی و او را با این نام‌های خودمانی صدا بزنی^{۱۱}. بهترین انیس، بهترین مونس^{۱۲}، و
بهترین کسی که می‌توان به او انس گرفت و در آغوشش آرمید^{۱۳}، آن که از هر

۱. الهدایة الكبرى ۶۷ دلائله و براهینه ص ۴۱. الْحَبِيبُ أَقْرَبُ مِنَ الْخَلِيلِ إِلَى خَلِيلِهِ

۲. البلد الأمين و الدرع الحصين ص ۴۰۶. يَا حَبِيبَنَا يَا حَبِيبَنَا

۳. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۶. يَا خَيْرَ حَبِيبٍ

۴. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۰. يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ

۵. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۰. يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ

۶. عدة الداعي و نجاح الساعي ص ۳۱۷. إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا مَائَةً... الْوُدُودُ

۷. مصباح الكفعمی ص ۲۶۱. یا متوددا یا احسانه

۸. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. مُنَاجَاةُ الْمُزِيدِينَ. فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَ بِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ

وَ بِالْعَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَعُوفٌ وَ يَجْذِبُهُمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ غَطُوفٌ

۹. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. النبی (ص): يَا أَنِيسُ

۱۰. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۱۳. الصادق (ع): يَا مُونِسُ

۱۱. مصباح الكفعمی ص ۲۶۸. سُبْحَانَكَ يَا أَنِيسُ تَعَالَيْتَ يَا مُونِسُ

۱۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۶. يَا خَيْرَ مُونِسٍ وَ أَنِيسٍ

۱۳. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۹. يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسِينَ

انس دهنده‌ای بهتر و آرامش دهنده‌تر است.^۱ خدای تو دقیقاً آن‌جا که که نیاز داری، آن‌جا که احساس تنهایی و غربت می‌کنی، آن‌جا که به وحشت افتاده‌ای به تو نزدیک می‌شود و تو را آرام می‌کند، آخر او انیس‌القلوب یا آرام‌دهنده‌ی دل‌ها است.^۲ او همدم هر تنهامانده‌ای است،^۳ دلارام همه‌ی تنهامانندگان^۴ همدم هر غریب تنها،^۵ تنها، آرامش دل همه‌ی تنهایی‌ها.^۶ فکر می‌کنی یاری، یاور، همراهی، همدمی نداری؟ او مونس توست، انیس تو که هیچ همدم و انیسی نداری.^۷

خداوندا به فریاد دلم رس
تو یار بی‌کسان مو مانده بی‌کس
همه گویند طاهر کس نداره
خدا یار مو چه حاجت کس
(بابا طاهر)

خدایی که این صفحات معرفی می‌کند همدم همه‌ی نیازمندان،^۸ همه‌ی پناهجویان^۹ پناهجویان^۹ و همه‌ی به‌وحشت‌افتادگان^{۱۰} است.

۱. مهج الدعوات ص ۱۸۱. أَنْتَ أَنْسُ الْأَنْسِينَ
۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. يَا أَنْسِي الْقُلُوبِ
۳. البلد الأمين ص ۳۷۲. يَا أَنْسِي كُلَّ مُتَقَرِّدٍ
۴. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۴۲. أَنْتَ أَنْسُ كُلِّ وَجِيدٍ
۵. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۷. السَّجَادُ (ع): يَا أَنْسُ كُلَّ غَرِيبٍ مُقَرَّدٍ
۶. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۹. السَّجَادُ (ع): أَنْسِي فِي كُلِّ خَلْوَةٍ وَوَحْدَةٍ
۷. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النَّبِيُّ (ص): يَا أَنْسِي مَنْ لَا أَنْسِي لَهُ
۸. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۹۱. النَّبِيُّ (ص): يَا أَنْسُ كُلَّ فَقِيرٍ
۹. بحار الأنوار ج ۸۶ ص ۲۸۹. يَا أَنْسُ كُلَّ مُسْتَجِيرٍ
۱۰. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۶. يَا أَنْسُ كُلَّ مُسْتَوْجِسٍ غَرِيبٍ

مونس من و تو در وحشت^۱، در تنهایی و وحشت قبر^۲ و در هر وحشت و ترس دیگر^۳، در همه‌ی راه‌ها^۴ و در همه‌ی مراحل وحشت‌خیز عالم^۵.

اشتیاق

خدای ما مشتاق ماست، حتّی نگاه من و تو به مرگ باید عوض شود و آن را پنجره و دریچه‌ای بدانیم که خدای دوستدار و عاشق ما، آن‌سوی پنجره، مشتاقانه انتظار ورود محبوب خود را می‌کشد^۶.

روکردن

چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی

دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را

(حافظ)

خدا رو به توست، به تو توجه دارد حتّی اگر تو متوجّه نباشی^۷، حتّی اگر تو به او پشت کرده‌باشی^۸. خدای ما به همه‌ی آفریدگان^۹، به همه‌ی اهل آسمان و زمین توجه دارد^{۱۰} و تو از اهل آسمان و زمین بیرون نیستی. غافل و بی‌توجه بوده‌ای؟ خدا برای جذب و کشیدن تو به دروازه‌های مهر خود به تو مهربانانه توجه می‌کند^{۱۱}؛ گناه‌کاری؟ او با لطف سخاوتمندانه‌ی خود به تو توجه

۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۸۵. النبی(ص): يَا مُوسَى عِنْدَ وَخْشَتِي
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۰. السجاد(ع): يَا مُوسَى فِي خَفَرَتِي
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۳۰. السجاد(ع): يَا أَنَسِي فِي كُلِّ وَخْشَةٍ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۴۴۸. الصادق(ع): يَا مُوسَى فِي كُلِّ طَرِيقٍ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۶. السجاد(ع): أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْخَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ
 ۶. مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۵۰۰. النبی(ص): إِذَا كَانَ الْعَبْدُ فِي خَالَةِ الْمَوْتِ ... وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا مُشْتَاقٌ
 ۷. بحارالأنوار ج ۸۱ ص ۲۶۱. النبی(ص): إِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ
 ۸. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُقْبِلُ عَلَى مَنْ أَعْرَضَ
 ۹. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص ۳۴. الْعَاطِفُ عَلَى خَلْقِهِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۵. يَا مَنْ هُوَ مُتَعَطِّفٌ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. مُنَاجَاةُ الْمُزِيدِينَ. فَيَا مَنْ هُوَ ... بِالْعَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَعُوفٌ وَ يَجْذِبُهُمْ إِلَى بَابِهِ وَدَوْدُ عَطُوفٌ

می‌کند.^۱ خدای ما به من و تو توجه دارد به حدی که او را می‌توان صاحب توجه مهربانانه^۲، بلکه صاحب بیشترین توجهات مهربانانه^۳ نامید. هر که از دیگران جدا شود، تنها ماند و به آغوش او پناه برد مورد توجه مهربانانه‌ی او قرار گیرد^۴، توجهی بیش از توجه هر کس دیگری که تصور توجه و عطوفت و مهر او را داری^۵. توجهات سراسر لطف و مهر خدای من و تو گسترده و اعجاب‌آور است^۶ و البته در کمال فراگیری عادلانه^۷.

۱. مصباح‌المتبهجد و سلاح‌المتعبد ج ۱ ص ۳۱۲. فَكُنْتُ عَلَيْهِمُ (الْمَذْنِبِينَ) عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ

۲. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۴. یا عاطف

۳. بحار‌الأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۳. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ الرَّبُّ الرَّؤُوفُ الْمَلِكُ الْعَطُوفُ الْمُتَخَنُّ

۴. بحار‌الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۹. مُنَاجَاةُ الْمُتَوَسِّلِينَ. يَا اَعْطَفَ مَنْ اَوْى اِلَيْهِ طَرِيْدُ

۵. المقام‌الأسنى ص ۸۶. يا اَعْطَفُ مِنْ كُلِّ مُعْطِفٍ

۶. البلد‌الأمین ص ۳۶۸. النبی(ص): سُبْحَانَهُ مِنْ رُشِيْدٍ مَا اَعْطَفَهُ

۷. البلد‌الأمین ص ۲۷۰. سُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطِفٍ مَا اَعْدَلَهُ

فصل ۵

عاشقِ مهربان

ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ
که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند
(حافظ)

عاشق باید مهربان باشد

خدای ما دارای اسامی و صفات بسیار زیادی است اما همچنان که خودتان بهتر می‌دانید در ابتدای یک صدوسیزده سوره از یکصدو چهارده سوره‌ی قرآن، آن‌جا که خواسته خود را معرفی کند دو اسم مشتق شده از صفت رحمت و مهربانی را برای خود برگزیده است و در آن سوره‌ی یکصدو چهاردهم هم صفت و اسم دیگری ذکر نکرده است. یعنی دویست و بیست و شش بار در تابلوهای آیات کتاب جاوید خود، خود را "مهربان" نامیده است. دلیلی واضح‌تر و شفاف‌تر از این وجود ندارد که خودِ خدا هیچ

صفت دیگر خود را به اندازه‌ی "مهربان" برای معرفی خود شایسته ندیده است و آلا چندبار هم آن‌ها را در ویتترین یا قاب قرار می‌داد. یعنی می‌توان به‌صراحت گفت که خدا، خودش را "مهربان" می‌نامد.^۱

خدا رحمان است^۲، یعنی بسیار مهربان، مهرپیشه و مهرورز؛ و ما نیازمند و علاقمند به دریافت این رحمت^۳.

خدای ما رحیم است یعنی دارای مهربانی و توجهات ویژه‌ای هم هست که آن‌ها را با آموزش^۴ و مودت^۵ و رأفت^۶ و سخاوت^۷ درهم آمیخته و ما را بدان می‌نوازد، رحمتی نه از روی ضعف، بلکه درعین توانایی^۸.

خدای ما، صاحب رحمت^۹، اهل رحمت^{۱۰}، عمل‌کننده بر مبنای رحمت^{۱۱}، و قرار دهنده‌ی رحمت در دل‌های مردمان مهربان است؛ یعنی هر مهر و رحمتی، حتی مهر مادری توسط او نهاده شده است^{۱۲}. اوست که هر دو دستش را برای تقدیم مهر و رحمت خود گشاده است^{۱۳}. اوست که مهر را از جایگاه اصلی‌اش بلند می‌کند و به حرکت درمی‌آورد^{۱۴} و از معدنش به نزد تو فرومی‌فرستد^{۱۵}، آن را می‌گسترده^{۱۶} و به

۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۶. أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ
 ۲. الکافی ج ۲ ص ۵۲۴. الصادق(ع): يَا رَحْمَانُ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۲. أمير المؤمنين (ع): أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ
 ۴. سبأ ۲. هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ
 ۵. بروج ۱۴. هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ
 ۶. نور ۲۰. أَنْ اللَّهَ رَوْفٌ رَحِيمٌ
 ۷. بحارالأنوار ج ۷۴ ص ۲۰۵. الباقر (ع): هُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ
 ۸. مصباح‌الکفعمی ص ۱۵۳. الباقر(ع): إِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ
 ۹. کهف ۵۸. وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۹۴. النبی(ص): فَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الرَّحْمَةِ
 ۱۱. من‌لايحضره‌الفقيه ص ۲ ج ۱۶۳. الصادق(ع): يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ
 ۱۲. المقنعة ص ۱۸۸. يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۱۲۹. الصادق(ع): يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ
 ۱۴. دلائل‌الإمامة ص ۲۴۳. أمير المؤمنين(ع): يَا مُبْعِثَ الرَّحْمَةِ
 ۱۵. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۲۲۵. يَا ... مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا
 ۱۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۶۵. أمير المؤمنين (ع): يَا مُشِيرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا

وسعت همه‌ی موجودات آن را می‌پراکند^۱، بین همه تقسیم می‌کند^۲ تا همه را بپوشاند^۳ و همه‌ی آفریدگان را در خود غرق کند^۴.

هرچند او صدها و هزاران صفت دارد ولی به مهر و رحمت شناخته می‌شود و شبیه‌ترین فعل او به مشیت و خواسته‌اش و با اولویت‌ترین کارها در هماهنگی با عظمت و بزرگی‌اش، مهربانی است و بس^۵. رحمت و مهر او گسترده است^۶، به گستردگی همه چیز^۷ و تو از همه چیز خارج نیستی، پس زیر چتر اوایی.

آن قدر گسترده که خشم و غضب خود را هم در بر می‌گیرد و خاموش می‌کند^۸. مهر و رحمت خدا بزرگ و عظیم است^۹ آن قدر بزرگ که بخشیدن هر گناه بزرگی نزد او بزرگ به نظر نمی‌آید^{۱۰}. رحمتی که هیچ‌گاه کاهش نمی‌یابد^{۱۱} و دائماً سرشار و لبریز است و هیچ‌کس و هیچ‌چیزی از زیر چتر آن خارج نمی‌شود^{۱۲}. ممکن است شیطان جنی، شیطان انسی یا شیطان نفس، در گوش دلت زمزمه کند که این‌ها همه مربوط به آدم‌های خودی است و منظور تو نیستی. ولی مگر تو که هستی که فکر می‌کنی رحمت به این گستردگی تو را دربر نمی‌گیرد؟
خطاکاری؟ او به خطاکاران مهربان است^{۱۳}.

۱. المقام‌الأسنى ص ۹۷. يَا مُتَّسِعَ الرَّحْمَةِ

۲. بحارالأنوار ج ۹ ص ۲۷۳. أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ (ع): هُوَ الْقَاسِمُ لِلرَّحْمَاتِ

۳. مصباح‌الكفعمی ص ۳۶۱. يَا مَعْشِيَا بِرَحْمَتِهِ

۴. المقام‌الأسنى ص ۹۳. يَا غَامِرَ خَلْقِهِ بِرَحْمَتِهِ

۵. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۰. أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مَنِ اسْتَرْحَمَكَ

۶. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۵۱. يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

۷. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۲۲. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً

۸. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۳۵۵. الرضا(ع): اللَّهُمَّ ... ارْحَمْنِي رَحْمَةً تَطْفِي بِهَا عَنِّي غَضَبَكَ

۹. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۳۷. الصادق(ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ...عَظِيمِ الرَّحْمَةِ

۱۰. وسائل‌الشيعة ج ۱۵ ص ۳۰۶. الصادق(ع): فَلَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاظَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ أَغْفِرُهُ

۱۱. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۸۵. أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي...لَا تَقُلُ رَحْمَتُكَ

۱۲. مستدرک‌الوسائل ج ۵ ص ۲۴۵. جَفَّرَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ (ع): أَنَا اللَّهُ الَّذِي ...لَا يَنْقُصُ رَحْمَتِي شَيْءٌ

۱۳. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۱. إِنَّكَ أَنْتَ ...الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ

گناه‌کاری؟ او به گناه‌کاران مهربان است.^۱
 بی‌توجهی کرده‌ای؟ او به غافلان مهربان است.^۲
 به خودت ظلم کرده‌ای؟ او به ستمکاران و از حد درگذرندگان مهربان است.^۳
 رحمت خدا همچون علم و آگاهی او بر "همه‌چیز" گسترده است.^۴ و نزدیک،^۵
 لباس مهر او همه‌ی آفریدگان را می‌پوشاند.^۶ و آن قدر زیاد است که کنار گوشه‌های آن
 ما را هم -هرکه باشیم- در خود می‌گیرد.^۷ خدا با شما مهربان است،^۸ با آفریده‌های
 خود،^۹ هرکه در آسمان و زمین است،^{۱۰} همه‌ی آفریدگان،^{۱۱} همه‌ی عالم،^{۱۲} همه‌چیز و
 همه کس.^{۱۳}

غریب و تنهایی؟ او رحمتش برای تقدیم به تو آماده است.^{۱۴}
 ناتوانی؟^{۱۵} زمین‌گیر شده‌ای؟^{۱۶} سال‌های آخر عمرت را می‌گذرانی؟^{۱۷}

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۷. يَا رَاحِمَ الْمُذْنِبِينَ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. مُنَاجَاةُ الْمُؤْمِنِينَ. فَيَا مَنْ هُوَ... عَنْ ذِكْرِ رَحِيمٍ رَّءُوفٍ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۹۶. فَأَنْتَ لَطِيفٌ تَجُودُ بِرَحْمَتِكَ عَلَى الْمُسْرِفِينَ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالرَّءُوفُ بِهِ وَرَحِيمُهُ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۹. يَا قَرِيبَ الرَّحْمَةِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۶۱. أَنْتَ أَهْلُهُ الْمُجَلَّلُ رِذَاءَ الرَّحْمَةِ خَلَقَهُ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۰۶. أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع): يَا مَلْبَسَنَا فَضْلَ رَحْمَتِهِ
 ۸. نساء ۲۹. إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا
 ۹. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۶ آنک... رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۴. يَا رَحِيمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۵۱. الصَّادِقُ (ع): وَاللَّهُ... الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۸۹ ص ۲۳۱. الصَّادِقُ (ع): وَاللَّهُ... الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۲۲. أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع): يَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي
 ۱۵. محاسبة النفس ص ۲۳. يَا رَاحِمَ الضَّعِيفِ الْهَالِكِ
 ۱۶. الکافی ج ۲ ص ۵۵۲. الصَّادِقُ (ع): يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ
 ۱۷. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۱۷۵. الْهَادِي (ع): يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ

غمگینی^۱؟ دردمندی^۲؟ گرفتاری؟ فریادرس می‌خواهی^۳؟ به دنبال مهر و محبت می‌گرددی^۴؟ هیچ‌کسی نیست به تو محبت کند^۵؟ در همه‌ی این حالات او آماده‌ی مهرورزی به توست، با آغوش باز و با دو دست گشاده^۶. هرکه هستی^۷ هر بلایی بر تو نازل شده و گرفتار هر ناهنجاری هستی رحمت او برای تو آماده است^۸.

البته ممکن است بعضی از ما تصویری ناقص از برخی عشق‌ها و محبت‌های زمینی داشته باشیم و محبت و مهربانی را پرکننده‌ی خلأ زندگی مان ندانیم، ولی همچنان که هیچ صفت خدا با آن صفت در آفریدگان برابر و حتی مشابه نیست^۹. مهربانی و رحمت خدا هم با آنچه دیده‌ایم و شنیده‌ایم متفاوت است، او مهربان‌ترین مهربانان است^{۱۰}، بهترین مهربان^{۱۱}، آن‌که در مهرورزیدن بی‌همتاست^{۱۲}، برتر از هر مهربانی که بتوانی تصوّر کنی^{۱۳}. مهربان‌تر از هر کس و هر چیز^{۱۴}، مهربان‌ترین کسی که می‌توان به او امید بست و به سوی او گردن کشید^{۱۵}، مهربان‌تر از پدری دلسوز^{۱۶} و مادری

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۱۸. فَاطِمَةُ(س): يَا رَاجِمٌ كُلُّ خَزِينٍ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۱۶. السَّجَّاد(ع): هُوَ... رَاجِمٌ كُلُّ ضَارِعٍ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۹۸. يَا رَحْمَانُ وَ رَاجِمٌ كُلُّ صَرِيحٍ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النَّبِيُّ(ص): يَا رَاجِمٌ كُلُّ مَرْخُومٍ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النَّبِيُّ(ص): يَا رَاجِمٌ مَنْ لَّا رَاجِمٌ لَهُ
 ۶. التهذيب ج ۳ ص ۸۴. الصَّادِق(ع): يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۹۸. يَا رَحْمَانُ كُلُّ شَيْءٍ وَ رَاجِمُهُ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۱۴. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع): يَا مُفْرَجَ [مُفْرَجًا] عَنْ أَهْلِ الْبَلَاءِ بَلَاءَنَا هُمْ بِجَلِيلِ رَحْمَتِهِ
 ۹. الكافي ج ۱ ص ۹۲. الصَّادِق(ع): لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
 ۱۰. يوسف ۶۴ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
 ۱۱. المؤمنون ۱۰۹. أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۸ ص ۳۲۶. فَيَا مَنْ هُوَ أَوْخَذَ فِي رَحْمَتِهِ
 ۱۳. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۶ أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۳۷. الصَّادِق(ع): الْخَمْدُ لِلَّهِ... أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
 ۱۵. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۵۵. يَا أَرْحَمَ مَنْ مَدَدَتْ إِلَيْهِ عُنُقِي
 ۱۶. الصراط المستقیم ج ۳ ص ۶۸. فَاللَّهُ أَرْحَمُ لِعِبَادِهِ مِنْهَا يُولِّدُهُ

مهربان^۱، مهربان‌تر از همه‌ی نزدیکان^۲ و حتی مهربان‌تر از خودمان نسبت به خودمان^۳. مهربانی که امام را در وصف مهرش به شگفتی واداشته است، سبحان‌الله چه قدر نسبت به آفریدگانش مهربان است^۴!! مهربان در دنیا و آخرت^۵. اوست که قبل از آغاز خلقت، مهربانی را بر خود واجب و آن را در صدر صفات خود ثبت و بعد از آن آفرینش را آغاز کرد^۶. پس ما قبل از آفریده‌شدنمان و حتی قبل از آنکه چیزی باشیم مورد لطف او بوده‌ایم^۷، بنابراین آفرینش هم از سر لطف و مهر و رحمت بوده است، با آن که او اصلاً به آفریدن ما و دیگران کوچک‌ترین نیازی نداشت^۸.

آری، سزااست که مهر و رحمت این خدای مهربان بر خشمش پیشی بگیرد^۹ و شایسته است که هر دستی را که به سویش بلند شود از رحمت و مهر لبریز کند^{۱۰}. خدایی که آفرینش را با لطف می‌آغازد، در ادامه نیز سایه‌ی مهر خود را با بارشی هرچه فراوان‌تر بر همه‌ی آفریدگان می‌گستراند^{۱۱} و در نهایت هم امید ما بیش از به اعمال خودمان باشد به همین رحمت بی‌منتهای اوست^{۱۲}.

۱. روضة الواعظین ج ۲ ص ۵۰۳. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْحَمُ بِعَبْدِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الْمُشْفِقَةِ بِوَلَدِهِ

۲. بحارالأنوار ج ۸۹ ص ۲۴۹. الباقِر(ع): أَنْتَ أَرْحَمُ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي

۳. إرشادالقلوب ج ۱ ص ۸۶. النبى(ص): إِنِّي أَرْحَمُ بِعَبْدِي الْمَذْنِبِ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ

۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ

۵. الكافي ج ۲ ص ۵۵۷. الصادق(ع): يَا رَحْمَانُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَحِيمَهُمَا

۶. بحارالأنوار ج ۹۹ ص ۱۱۵. سُبحَانُ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ انْتِدَاءِ خَلْقِهِ

۷. الإقبال ص ۱۱۵. اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِالرَّحْمَةِ الَّتِي ذَكَرْتَنِي بِهَا وَلَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً

۸. الكافي ج ۲ ص ۳۲۵. يَا بَارِئُ خَلَقْتَ رَحْمَةً بِي وَقَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً

۹. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۵۷. سُبحَانُ الَّذِي سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ

۱۰. وسائلالشيعه ج ۶ ص ۲۹۲. أَنْ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَجَلٌ مِنْ أَنْ يَرُدَّ يَدَيَّ عَبْدٍ صِفْراً بَلْ يَمْلُؤُهُمَا مِنْ رَحْمَتِهِ

۱۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۴۵۳. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ابْتَدَأَ خَلْقَهُ بِرَحْمَتِهِ وَاسْتَبْعَ عَلَيْهِمْ ظِلَالَ رَحْمَتِهِ

۱۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۰۹. سُبحَانَ اللَّهِ رَبَّنَا الَّذِي رَحْمَتُهُ أُنْفَعُ لَنَا مِنْ أَعْمَالِنَا

در زنجیره‌ی صفات پر تعداد خداوند مهربان، تعبیر دیگری نیز وجود دارد که با تفاوت در لفظ، بازهم بر مهر و محبت و دلسوزی و نرمش و لطف نسبت به آفریده دلالت دارد. در ترجمه برخی از آن تعابیر به فارسی، باز هم در فرهنگ‌های لغات و ترجمه‌های قرآن و احادیث به همان مهر و محبت و لطف می‌رسیم، هرچند در پی بررسی و کاوش عمیق لغت‌شناسانه تفاوت‌هایی ظریف بین رأفت و رحمت و مودت و تحنن یافت می‌شود ولی برای مخاطب ما که می‌خواهد باور کند خدایش او را دوست دارد و دوست‌داشتنش با مهر و محبت و لطف و دلسوزی همراه است از رأفت همان معنای رحمت را درمی‌یابد یکی فراگیرتر و یکی محدودتر.

در روایتی برای خداوند نودونه اسم ذکر می‌کند که یکی از آن نام‌ها "حَفَى" است؛^۱ ما برای آن معنایی جز آن که بسیار مهربان است و لطف می‌کند، تعبیر دیگری نیافتیم. و او نسبت به ما^۲ و مهربان نیکوکار است و چنین است نام دیگر پروردگار "حنان" که آن نیز لفظی دیگر برای نمایش مهر و عطوفت و رحمت حضرت احدیت است. خدای ما در عبارت پرتعداد، "حنان" و "متحنن" معرفی شده است.^۳ خدایی که با همه‌ی اهل مملکت خود با این صفت سرشار از مهر روبه‌رو می‌شود.^۴

خدای ما رؤوف و دل‌رحم و بسیار مهربان است.^۵ او با همه‌ی ما رؤوف است.^۶ رأفتی در نهایت قدرت^۷ و شوکت^۸؛ حتی رحمت و مهربانی خداوند نیز با رأفت آمیخته است،^۹

۱. بحارالأنوار ج ۴ ص ۱۸۶. النبى(ص): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا...الْحَفَى

۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۵. السجادة(ع): أَنْتَ الْحَفَى بِي

۳. الکافی ج ۳ ص ۳۲۷. الصادق(ع): يَا حَنَّانُ. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۳. اللَّهُمَّ إِنَّكَ... الْمُتَحَنِّنُ الْمَأْلُوفُ

۴. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۸۲. أَنْتَ...الْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنُنٍ رَأْفَتِكَ

۵. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۲۱۳. اللَّهُمَّ إِنَّكَ الرَّبُّ الرَّؤُوفُ

۶. دیوان علی(ع) ص ۳۹۰. تَبَارَكَتَ مِنْ لَطِيفٍ رَحِيمٍ بِنَا رَءُوفُ

۷. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۳۰۲. النبى(ص): أَنْتَ إِلَهِي... قَادِرٌ رَءُوفٌ

۸. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۳. اللَّهُمَّ إِنَّكَ الرَّبُّ الرَّؤُوفُ الْمَلِكُ

۹. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۷۴. يَا رَءُوفًا فِي رَحْمَتِهِ

او صاحب و اهل رأفت است^۱؛ بیشترین^۲ و شگفت‌آورترین و بی‌نظیرترین آن^۳. رأفت و مهری که با آن از هر مهر دیگری بی‌نیاز خواهیم بود^۴. رأفت و مهربانی خداوند ما غیر قابل مقایسه با دیگران است. او از پدر و مادر^۵ و از هر مهربان و دلسوز دیگر رأفت و مهرش افزون‌تر است^۶. رأفت و مهر او فراگیر است؛ بندگان را^۷، آفریدگان را^۸، اهل آسمان را^۹ و خلاصه همه‌چیز را^{۱۰} در بر می‌گیرد. هیچ‌کس از آن بیرون نمی‌ماند، نه گناه‌کاران^{۱۱} نه غافلان^{۱۲} و نه...

حال اگر به دنبال مهر می‌گردی، مهربان‌ترین و رؤوف‌ترین اوست^{۱۳}. اگر فریادرس می‌خواهی، پرمهرترین اوست^{۱۴} و اگر گرفتاری و می‌خواهی برای رفع آن به کسی ببندی رؤوف‌تر و مهربان‌تر از او نخواهی یافت^{۱۵}.

رفیق شفیق

در زبان فارسی وقتی می‌خواهیم نزدیکی بیش از حد یک دوست و یک همراه را مثال بزنیم می‌گوییم "رفیق شفیق"، رفیق، یعنی همراه مهربان اهل مدارا و کنارآمدن با بالا و پایین دوست خود، و شفیق یعنی دلسوز، کسی که درد ما را درد خود

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۶. النبی(ص): يَا ذَا الرَّأْفَةِ
۲. دیوان علی(ع) ص ۲۸۸. اللَّهُ ذِي الرَّأْفَةِ الْأَرَّافِ
۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ مَاجِدٍ مَا أَرَّافُهُ
۴. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۴. حَسْبِيَ اللَّهُ الرَّؤُوفُ
۵. الإقبال ص ۵۲۱. يَا رَعُوفُ أَنْتَ أَرَّافٌ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي
۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۰. النبی(ص): يَا أَرَّافٌ مِنْ كُلِّ رَعُوفٍ
۷. بقره ۲۰۷. وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ
۸. مصباح‌المتجهج ص ۲۴۵. أَنْتَ... رَعُوفًا بِالْخَلْقِ
۹. البلد الأمين و الدرع الحصين ص ۴۲۰. يَا رَعُوفًا بِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ
۱۰. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ يَكُلُ شَيْءٌ وَ الرَّعُوفُ بِهِ
۱۱. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۵۳. الصادق(ع): سُبْحَانَ مَنْ... وَسِعَ الْمَدِينِينَ رَأْفَةً
۱۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. مُنَاجَاةُ الْمُزِيدِينَ. قَبِيَا مِنْ هُوَ... بِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَجِيمٌ رَعُوفٌ
۱۳. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۲. أَنْتَ... أَرَّافٌ مَنْ اسْتَرْجَمَ
۱۴. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۵. الصادق(ع): يَا أَرَّافٌ مَنْ اسْتَفِيتَ
۱۵. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۳۸. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... الرَّعُوفُ بِمَنْ رَجَاهُ لِيَقْرِجَهُمَهُ

بداند و به دنبال شادمانی و سعادت همراه خود باشد؛ و خدای ما هم رفیق است^۱ و هم هم شفیق^۲، همراهی دلسوز^۳، رفیقی است که رفق و مدارا و مهربانی^۴ و نیز اهل رفق رفق و مهربانی را دوست دارد^۵. گستره‌ی رفاقت خداوند عالم، همه‌ی ساکنان آسمان و زمین - و از جمله تو و من - را دربر می‌گیرد^۶ و درجه‌ی دلسوزی‌اش از مهربانی و دلسوزی خودمان نسبت به خودمان بیشتر و فراتر است^۷.

هرکه هستی ناامیدی جایز نیست، حتی اگر یک رفیق و یک دلسوز نداری؛ رفیق بی‌رفیقان^۸ و شفیق بی‌شفیقان اوست^۹؛ و اگر او رفیق تو و شفیق و دلسوز تو باشد هیچ احتیاجی به رفاقت و دلسوزی دیگری نخواهی داشت. او همین‌جاست، در قلب تو، در را باز کن، او را پاسخ بده.

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۳. النبى(ص): يَا رَفِيقُ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۳. النبى(ص): يَا شَفِيقُ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۴۴۸. الکاظم (ع): يَا صَاحِبِی الشَّفِیقِ
 ۴. بحارالأنوار ج ۷۲ ص ۵۶. النبى(ص): إِنَّ اللَّهَ رَفِیقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ
 ۵. بحارالأنوار ج ۷۲ ص ۵۴. النبى(ص): إِنَّ اللَّهَ رَفِیقٌ...يُحِبُّ كُلَّ رَفِیقٍ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۵. يَا رَفِیقاً بِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۷۶. إِلَهَی أَنْتَ...أَشْفَقُ مِنْهُ عَلَى نَفْسِی
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبى(ص): يَا رَفِیقَ مَنْ لَا رَفِیقَ لَهُ
 ۹. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبى(ص): يَا شَفِیقَ مَنْ لَا شَفِیقَ لَهُ

فصل ۶

عاشق سخاوتمند

از برای لطف عالم را بساخت
ذره‌ها را آفتاب او نواخت
(مولوی)

خدایی که این کتاب از زبان خود او و از زبان بندگان برگزیده‌اش معرفی می‌کند
خدایی است: نیکوکار و خیرخواه^۱، نه فقط خیرخواه که او خود خیر است^۲، اهل خیر^۳،

۱. بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۴۰. الصادق (ع): أَنْتَ الْبَارِ
۲. بقره ۶۱ هُوَ خَيْرٌ
۳. بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۸۲. النبی (ص): يَا أَهْلَ الْخَيْرِ

۶۰ عاشق تو

آفریننده‌ی خیر^۱، عمل‌کننده بر مبنای خیر^۲، صاحب خیر^۳، دهنده‌ی خیر^۴، بخشنده‌ی خیر^۵ و... و اصلاً خیر جز در دستان او جای دیگری نیست^۶ و اگر از کسی هم بخواهد خیری صادر شود اوست که باید آن شخص را به خیر یادآور شود^۷ و تحریک کند. خدای تو صاحب لطف است^۸، و آن‌گاه که به تو لطف می‌کند بسیار نزدیک است^۹ و لطف کردن را بسیار دوست دارد^{۱۰} و یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی او در حدیث مشهور "لطیف" است^{۱۱}.

رزق و روزی و برکت را فقط به مال و نعمت‌های دنیوی محدود نکنید، یکی از بهترین روزی‌ها "علم" و "معرفت" است و دیگری نعمت "هدایت" و "پیدا کردن راه درست"؛ با همه‌ی این معانی خدایی که تو را دوست دارد، روزی‌دهنده است^{۱۲} و همه-جز او- روزی‌خوار و بهره‌مند از روزی‌های اویند^{۱۳}. روزی‌دهنده‌ای که روزی‌دادنش با مهر^{۱۴} و سخاوت^{۱۵} آمیخته است، اوست که به روزی‌ای که دریافت کرده‌ای برکت می‌دهد، چراکه او صاحب برکت^{۱۶} و به‌وجود آورنده‌ی برکت^{۱۷} است.

-
۱. الکافی ج ۱ ص ۱۵۴. الصادق(ع): أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَالِقُ الْخَيْرِ
 ۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۳۳. يَا فَتَّالُ الْخَيْرِ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۴۵. أَنْتَ مَالِكُ الْخَيْرِ
 ۴. مصباح‌المتجهد ص ۸۳۳. أَنْتَ... رَازِقُ الْخَيْرِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۸۸. هُوَ...وَاهِبُ الْخَيْرِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۴۶. إِلَهِي بِيَدِكَ الْخَيْرُ وَأَنْتَ وَلِيُّهُ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۳۹. الصادق(ع): يَا مُذَكِّرُ الْخَيْرِ
 ۸. بحارالأنوار ج ۷۴ ص ۳۴۲. هُوَ... ذُو لُطْفٍ
 ۹. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۵۳. الصادق(ع): سُبْحَانَ مَنْ...وَدَنَا فِي اللُّطْفِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۳. النَّبِيُّ(ص): اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَطِيفٌ تُحِبُّ اللُّطْفَ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۴ ص ۱۸۶. النَّبِيُّ(ص): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا... اللطيفُ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۷۴. سُبْحَانَ اللَّهِ...رَازِقِ الْأَرْزَاقِ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۲۱۸. مهدی(عج): أَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمُرْزُوقُونَ
 ۱۴. الإقبال ص ۲۴۱. النَّبِيُّ(ص): إِنَّكَ أَنْتَ الْمُعْطِي الرَّازِقُ الْخَنَّانُ
 ۱۵. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۳. السَّجَّاد(ع): اللَّهُمَّ أَنْتَ...الرَّازِقُ الْكَرِيمُ
 ۱۶. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۸۵. سُبْحَانَ ذِي الْأَيَادِي وَ الْبَرَكَاتِ
 ۱۷. الإقبال ص ۶۵۷. الصادق(ع): يَا... منشئ البركة

خدای ما صاحب نعمت است^۱، یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی او "مَنَّان" است^۲ "مَنَّان" نه به معنای اینکه بر ما مَنّت می‌گذارد، بلکه به این معنا که بر ما مَنّت دارد؛ زیرا بدون اینکه برای او کاری کرده باشیم به ما نعمت داده است^۳ و ما در پاسخ لطف او نمی‌توانیم کاری برایش انجام دهیم که کمبودی از او را برطرف کند یا نفعی به او برساند چون او نه کمبودی دارد و نه نیازی به سود و نفع؛ و اگر هم از ما کاری یا پاسخی خواسته است فقط و فقط برای خودمان است و بس.

هرچه نعمت است^۴ و هرچه در مسیر زندگی دنیوی و اخروی ما به کار می‌آید، صاحبش^۵، پرورنده‌اش^۶، فاعلش^۷، مالک و صاحب اختیارش^۸ اوست. او نعمت‌دهنده^۹، بلکه بسیار نعمت‌دهنده است^{۱۰}، در یک کلام نعمت واقعی خود اوست^{۱۱} و همه‌ی نعمت‌ها ترشحاتی از آن نعمت تام و تمام است و جز او هیچ‌کس در رسیدن نعمت به ما سهم مستقل ندارد^{۱۲}.

بخشش و دهش

اصل نقدش داد و لطف و بخشش است

قهر بر وی چون غباری از غشست

-
۱. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۱۰۲. الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي... النِّعْمَةِ
 ۲. بحارالأنوار ج ۴ ص ۱۸۶. النبی(ص): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا... المَنَّان
 ۳. المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية) ص ۱۴۵. الْمُتَبَدِّي بِالطَّوْلِ وَ الْإِثْنَانِ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۳۰. السجادة(ع): يَا وَلِيِّي فِي كُلِّ نِعْمَةٍ
 ۵. بحارالأنوار ج ۴۶ ص ۱۲۲. السجادة(ع): يَا ذَا النِّعْمَاءِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۲۵. مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى(ع): فَأَنْتَ رَبُّ... النِّعْمَاءِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۴۶ ص ۱۲۲. يَا فَعَالَ... النِّعْمَاءِ
 ۸. وسائل الشیعة ج ۸ ص ۱۲۱. الصادق(ع): اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي
 ۹. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۳۷۹. عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ(ع): يَا مُنْعِمُ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۵۴. يَا اللَّهُ يَا مُنْعِمًا
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۷. يَا نَبِيْمِي
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۶. الصادق(ع): أَنْتَ اللَّهُ الْمُنْعِمُ عَلَى لَّا غَيْرِكَ

(مولوی)

خدای ما بخشنده است^۱، بسیار بخشنده^۲، صاحب و مالک همه‌ی بخشش‌ها
اوست^۳.

فضل

وقت طفلی‌ام که بودم شیرجو
گاوهارم را کی جنبانید او
از کی خوردم شیر غیر شیر او
کی مرا پرورد جز تدبیر او
(مولوی)

فضل، لطف و بخشش یک‌جانبه و فراتر از عدالت است؟ بخششی نه در مقابل
لطف دریافت‌شده، بلکه بخششی که شروع بخشش است و خدای تو نعمت‌دهنده‌ای
است که نعمتش را نه بر مبنای پاسخی بر اعمال من و تو، بلکه بر مبنای فضل روانه
می‌کند^۴. او صاحب فضل است^۵ و آن را در حد کمال داراست و در حق من و تو جاری
می‌کند^۶.

سخاوت و خیرخواهی

من نکردم امر تا سودی کنم
بلکه تا بر بندگان جودی کنم
(مثنوی مولوی)

۱. بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۲. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْوَاهِبِ الْمُؤْتِيبِ

۲. آل عمران ۸. إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

۳. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۷۴. النَّبِيُّ (ص): هُوَ...صَاحِبُ الْعَطَايَا

۴. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۴۰. سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُنِيعُ الْمُتَفَضِّلُ

۵. غرر الحکم ص ۳۸۵. ذُو الْأَفْضَالِ

۶. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَعْمَهُ

عاشق سخاوتمند ۶۳

خدای تو سخاوتمند است^۱، معدن کرم و سخاوت^۲، صاحب^۳، اهل^۴، گشاینده^۵ و درجه‌ی پایانی^۶ آن.

بهترین، بیشترین، بالاترین

گفتیم خدای ما صاحب خیر و برکت و لطف و سخاوت است. در این بخش می‌خواهیم اشاره کنیم که خیر و لطف و کرم خدای تو با هیچ خیر و نعمت و برکت دیگری قابل مقایسه نیست.

در یک نگاه اجمالی به اطراف، مهربان‌تر و خیرخواه‌تر از پدر و مادر نمی‌یابیم. خدای تو از پدر^۷، از مادر^۸ و از همه‌ی آفریدگان^۹ به تو مهربان‌تر است.

خدای تو فقط سخاوتمند نیست، سخاوتمندترین است^{۱۰}، سخاوتمندترین سخاوتمندان^{۱۱}، سخاوتمندتر از هر سخاوتمند^{۱۲}، دارای سخاوتی گسترده^{۱۳}، کان و سخاوت^{۱۴}.

-
۱. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۲. أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ
 ۲. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۹۶. النَّبِيُّ (ص): أَنْتَ وَلِيُّ الصَّفْحِ وَ مَاوَى الْكَرَمِ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۸۵. سُبْحَانَ ذِي الْكَرَمِ
 ۴. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۳۲. المهدی (عج): أَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۵۵. يَا فَتَّاحَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۳۴ ص ۲۰۳. الْحَمْدُ لِلَّهِ...مُنْتَهَى الْكَرَمِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۲۴ ص ۹۴. أَنَا أَبْرُّ بِكَ وَ أَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنَ الْوَالِدِ الْبَرِّ الرَّحِيمِ
 ۸. الکافی ج ۲ ص ۵۴۵. الصادق (ع): أَنْتَ أَبْرُّ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي
 ۹. من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۲۵. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): أَنْتَ أَبْرُّ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۲. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْجَوَادِ الْأَجْوَدِ
 ۱۱. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۴۲۸. النَّبِيُّ (ص): أَنَا أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَ أَجْوَدُ الْأَجْوَدِينَ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۰. النَّبِيُّ (ص): يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعِ مَا أَجْوَدُهُ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۸۴ ص ۲۱۱. يَا مَعْلِنَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ

کَرَم

خدای تو نه فقط صاحب کرم بلکه کریم‌ترین^۱ و دارای بیشترین کرم و بخشش است، کریم‌ترین کریمان^۲، کریم‌تر از هر کریم دیگر^۳، بخشنده‌ترین صاحب قدرت^۴، بخشنده‌ترین دهنده‌ی نعمت^۵، بخشنده‌ترین ناظر^۶ و بخشنده‌ترین مهربان^۷، بخشنده‌ترین درگذرنده^۸، بخشنده‌ترین کسی که می‌توان به او پناه برد^۹، بخشنده‌ترین کسی که می‌توان در مقابل او دست دراز کرد^{۱۰} و یا گردن کشید^{۱۱}. سبحان‌الله، عجب بخشنده‌ای^{۱۲}، بخشنده‌ای متعالی^{۱۳}، دارای بخشش‌هایی بزرگ^{۱۴}، بهترین بخشنده و صاحب کرمی که می‌توان او را خواند و از او درخواست کرد^{۱۵} و عذر تقصیر به پیشگاه او برد^{۱۶}.

خیر و لطف خدای تو را نیز حدی نیست، لطف او همه را^{۱۷} و حتماً تو را نیز شامل می‌شود^{۱۸}؛ او از هر لطف‌کننده‌ای دارای لطف بیشتر^{۱۹} و نسبت به آفریدگان بسیار لطف‌کننده^{۲۰} و خیررساننده است، خیر بسیار^{۲۱} و لطف دیرین^{۲۲}.

۱. علق ۳. وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ
۲. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۱۴۱. الصادق(ع): يَا أَكْرَمَ مَنْ جَاءَ بِالْعَطَايَا
۳. بحار الأنوار ج ۸۶ ص ۳۷۴. يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ
۴. بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۳۶. أَنَا أَكْرَمُ الْفَادِرِينَ
۵. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۵۱. التَّسْكِينُ (ع): يَا أَكْرَمَ الْمُتَمِيمِينَ
۶. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۷۸. يَا... أَكْرَمَ النَّاطِرِينَ
۷. الإقبال ص ۴۷۱. يَا خَيْرَ عَاصِمٍ وَأَكْرَمَ رَاحِمٍ
۸. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۷۸. سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَا أَكْرَمَ عَفْوِكَ
۹. بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۴۲۴. يَا أَكْرَمَ مَنْ اسْتَجَارَ بِهِ الْمُسْتَجِيرُونَ
۱۰. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۵۵. الصادق(ع): يَا أَكْرَمَ مَنْ يَسْتَطِيعُ إِلَيْهِ يَدِي
۱۱. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۲۳۱. يَا أَكْرَمَ مَنْ مِدَّتْ إِلَيْهِ أَعْنَاقُ الرَّاعِيِينَ
۱۲. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ خَيْرِ مَا أَكْرَمَهُ
۱۳. نهج البلاغة ص ۳۴۴. فَتَنَالِي مِنْ قُوَى مَا أَكْرَمَهُ
۱۴. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۱۳۷. الصادق(ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ... عَظِيمِ الْكَرَامَةِ
۱۵. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۷. يَا أَكْرَمَ مَنْ دُعِيَ
۱۶. الإقبال ج ۲ ص ۶۸۶. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع): يَا أَكْرَمَ مَنْ اغْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ
۱۷. بحار الأنوار ج ۴ ص ۳۹. أَنْتَ أَهْلُ كُلِّ خَيْرٍ
۱۸. مصباح الكفعمي ص ۳۵۴. يَا شَامِلَ اللَّطْفِ
۱۹. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النَّبِيُّ(ص): يَا أَلْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ
۲۰. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۴۱. الصادق(ع): مَا أَقْرَبَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ
۲۱. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النَّبِيُّ(ص): يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ
۲۲. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۳۰۸. النَّبِيُّ(ص): أَنْتَ... أَلْطَفُ لِي يَا رَبِّ فَقَدِيمًا لَطَفْتَ

گفتیم خدای ما وهاب و دارای بخشش است، بخشنده‌گی او نیز شگفت‌آور^۱ و غیر قابل مقایسه با بخشش دیگر بخشنده‌گان است.^۲ او دارای بخششی بزرگ^۳ و صاحب بخشش‌های با عظمت^۴ و گسترده^۵ و سریع است.^۶ بخشش‌هایی که از خزانه‌اش کاسته نمی‌شود^۷ و بخشنده‌اش در نمی‌ماند و به خستگی نمی‌افتد.^۸

رزق

خدای ما نه فقط رازق بلکه بسیار روزی‌رسان است^۹، بهترین روزی‌رسان^{۱۰}، بهتر از هر روزی‌رسان دیگر^{۱۱}، آن‌که با روزی‌رسانی‌اش ما را از روزی دیگران بی‌نیاز می‌کند^{۱۲}، سبحان‌الله عجب روزی‌دهنده‌ای^{۱۳}!!

اگر بر رفیقان نباشی شفیق
به فرسنگ بگریزد از تو رفیق
ولیکن خداوند بالا و پست
به عصیان در رزق بر کس نبست
(سعدی)

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا أَوْسَعُهُ
 ۲. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. يَا أَوْهَبُ مِنْ كُلِّ وَهَّابٍ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۸ ص ۲۳۹. جَزِيلُ الْمَوَاهِبِ
 ۴. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۶. إِنَّكَ... الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النِّعَمِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۳۹. أَنْتَ وَاسِعٌ وَهَّابٌ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۱۸. فَاطِمَةُ (س): يَا... أَسْرَعُهُ إِعْطَاءً
 ۷. بحارالأنوار ج ۴ ص ۲۷۴. الصَّادِقُ (ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَنْقُصُهُ الْمَوَاهِبُ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۷. النَّبِيُّ (ص): يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُ
 ۹. الکافی ج ۱ ص ۱۱۲. الصَّادِقُ (ع): هُوَ... الرَّازِقُ
 ۱۰. مائده ۱۱۴. أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
 ۱۱. مصباح‌الکفعمی ص ۳۴۹. يَا أَرْزَقِي مِنْ كُلِّ رَازِقٍ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. يَا اللَّهُ الْكَافِي الرَّازِقُ
 ۱۳. البلد‌الأمین ص ۳۶۴. سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَرْزَقُهُ

احسان، برکت

گفت پیغمبر که حق فرموده است
قصد من از خلق احسان بوده است
(مثنوی کاشفی)

خدای ما لطف و احسانش بزرگ و با جلال^۱ و برکت ارسالی اش با عظمت است^۲،
بهترین^۳ و برترین^۴، سخاوتمندانه ترین^۵ و نزدیک ترین^۶ احسان کننده، خیر و احسانی
بهتر از آنچه ما به عنوان خیر و احسان به یکدیگر ارائه می دهیم^۷. احسانی در نهایت
زیبایی و تناسب^۸.

نعمت های پروردگار ما نیز بزرگ^۹، عظیم^{۱۰}، دیرپا^{۱۱}، خارج از شمارش^{۱۲}، شگفت آور
است^{۱۳}. او بهترین نعمت دهنده و صاحب لطف و منت است^{۱۴}، بهتر از هر نعمت
دهنده ی دیگر^{۱۵}.

-
۱. بحار الأنوار ج ۸۸ ص ۸۲. يَا ذَا الْإِحْسَانِ الْجَلِيلِ
 ۲. مصباح الکفعمی ص ۳۵۹. يَا مُعْظِمَ الْبَرَكَةِ
 ۳. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۴. النَّبِيُّ (ص): يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ۴. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۵۱. الْهَادِي (ع): يَا أَكْرَمَ الْمُتَعَمِّينَ وَأَفْضَلَ الْمُحْسِنِينَ
 ۵. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۱۷. يَا كَرِيمَ الْإِحْسَانِ
 ۶. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۴۳. يَا أَقْرَبَ الْمُحْسِنِينَ
 ۷. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۲۰۹. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبَّنَا الَّذِي إِحْسَانُهُ خَيْرٌ مِنْ إِحْسَانِنَا
 ۸. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ مُخْسِنٍ مَا أَجْمَلُهُ
 ۹. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۰۶. أَنْتَ... الْمَنَّانُ بِالْجَزِيلِ
 ۱۰. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۱۳۷. الصَّادِقُ (ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ... عَظِيمِ النِّعْمَةِ
 ۱۱. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۷۷. يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْمِنْنِ الْقَدِيمِ
 ۱۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۳. السَّجَادُ (ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ... ذِي الْمِنْنِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَالَمُونَ
 ۱۳. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أَفْضَلُهُ
 ۱۴. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۲۹۸. أَنْتَ خَيْرَ الْمُفْضِلِينَ
 ۱۵. مصباح الکفعمی ص ۳۴۹. يَا أَفْضَلَ مِنْ كُلِّ مُفْضِلٍ

دیگر مشخصات الطاف خدای تو

- الطافش غیر قابل مقایسه است^۱
پیوسته و بی‌وقفه است^۲
اصرارها او را خسته نمی‌کند^۳
او دست‌بردار نیست^۴
هرچه ببخشد خزانهاش کاستی نمی‌پذیرد^۵
کامل است و احتیاج به لطف دیگری نیست^۶
پایان‌ناپذیر است^۷
در پاسخ اعمال ما نیست و در مقابل از فرد پاداش نمی‌خواهد^۸
مخفیانه است، دیگران آگاه نمی‌شوند^۹
در نهایت تناسب است^{۱۰}
سخاوتمندانه است^{۱۱}
گواراست^{۱۲}

۱. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۸. يَا بَارُّ فَلَا شَيْءَ كُفُّهُ
۲. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۴۶. يَا دَائِمَ الْخُودِ وَالْكَرَمِ
۳. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۷. النَّبِيُّ (ص): يَا وَهَّابُ لَا يَمَلُ
۴. الإقبال ص ۵۲۲. أَنْتَ... الْمُعْطَى الَّذِي لَا تَنْكَلُ
۵. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۵. أَنْتَ الْخَوَادُّ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَ لَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَ لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ
۶. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۰۱. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ السَّابِغُ النِّعْمَةِ
۷. بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۳۶۹. يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَفْنَى أَبَدًا
۸. بحار الأنوار ج ۲۱ ص ۳۱۱. فَيَا ذَا... الْإِحْسَانِ الَّذِي لَا يُجَازَى
۹. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۲۵۲. اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ اغْنِنِي وَ أَدْرِ كُنِّي بِحَقِّ لَطْفِكَ الْخَفِيِّ
۱۰. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۴۲. يَا حَسَنَ الْمَنِّ
۱۱. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۰۴. إِنَّكَ وَاسِعُ الْحَيَاءِ كَرِيمُ الْعَطَاءِ
۱۲. المقام الأسنى ص ۱۰۰. يَا هَنِيءَ الْعَطَاءِ

رحمت اندر رحمت آمد تا به سر
بر یکی رحمت فرو ما ای پسر
(مولوی)

آیا این الطاف ما را هم در برمی‌گیرد؟ دایره و خطاب بسیاری از آنچه نقل کردیم
نوع بشر بود،^۱ من،^۲ تو،^۳ ما.^۴

در موارد بسیاری نیکی، کرامت، رأفت، لطف، عطا، رزق، نعمت و لطف خدا به
گسترده‌گی بندگان بیان می‌شود.^۵ و در دایره‌ای گسترده‌تر، آفریدگان،^۶ همه و یکایک
آن‌ها؛^۷ تا بدانجا که خداوند همه‌ی خلق را خانواده‌ی خود می‌خواند و به دیگران
سفارش می‌کند که در نثار لطف و رفع نیازهای ایشان بکوشند تا محبوب خدا شوند.^۸
دایره‌ی کسانی که همه‌ی خیرات و لطف‌های خدای عاشق او را نیز در برمی‌گیرد از
نوع بشر-همه‌ی انسان‌ها- فراتر می‌رود و همه‌ی اهل آسمان و زمین^۹ و به عبارتی
عالمین^{۱۰}، بلکه همه‌چیز و همه‌کس^{۱۱} را دربر می‌گیرد و هیچ چیز و هیچ کس از آن
بیرون نمی‌ماند.

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۵. النبی (ص): يَا رَازِقُ الْبَشَرِ
۲. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۷۰. علی (ع): أَنْتَ أَهْرَبُ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي (وَمِنْ النَّاسِ أَجْمَعِينَ)
۳. کنز الفوائد ج ۱ ص ۳۵۰. اتَّخَبْتُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَتَبَيَّضْتُ إِلَيْكَ بِالنِّعَاصِ خَيْرِي إِلَيْكَ نَازِلٌ وَشَرَكِي إِلَيَّ صَاعِدٌ
۴. دیوان علی (ع) ص ۳۹۰. تَبَارَكْتَ مِنْ لَطِيفٍ رَحِيمٍ بِنَا
۵. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۰۳. أَنْتَ...اللطيفُ بعباده على غناه عنهم
۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۷. السجادة (ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ...الجوادِ على الخلق
۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۶۸. يَا حَمِيدُ الْفَعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ يَلْطِفُهُ
۸. الكافي ج ۲ ص ۱۹۹. الصادق (ع): قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْبِبْهُمْ إِلَيَّ أَلْطَفُهُمْ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي خَوَائِجِهِمْ
۹. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۵. يَا مَنْ هُوَ مُنْعِمٌ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
۱۰. الإقبال ص ۲۰۶. السجادة (ع): يَا وَلِيَّ النِّعْمَةِ عَلَى الْعَالَمِينَ
۱۱. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۰۸. أَنْتَ...الرَّازِقُ لِكُلِّ شَيْءٍ

لطف بجا و کمک به موقع

هرچند ما در تمامی لحظات زندگی نیازمند توجه یک مقام توانا و بی نیاز هستیم، ولی به عینه می بینیم که در بعضی شرایط و در لحظات و حالاتی خاص نیازمان به کمک حیاتی تر است؛ مثلاً فوریت های پزشکی در لحظات و دقایق ابتدای حادثه بسیار بسیار حیاتی تر است تا ساعاتی بعد از حادثه.

خدای تو دقیقاً آن جا که لازم داری و در شرایطی که نیازت شدیدتر و حیاتی تر است به کمکت می شتابد. یکی از بحرانی ترین و سخت ترین مراحل، هنگام محاسبه ی اعمال است؛ اینجاست که کمی گذشت، کمی تخفیف، سرنوشت آینده و مسیر پیش روی آدمی را عوض می کند و خدای تو به هنگام حساب کردن با تو سخاوتمندانه و کریمانه وارد عمل می شود؛^۱ هنگام مرگ، آنجا که هیچ کس نمی تواند به یاری انسان بشتابد خدای تو اینجا تنها کسی است که می تواند به داد تو برسد و اینجا نیز نه برای گرفتن انتقام، نه بر مبنای عدالت و معامله به مثل، بلکه بر مبنای لطف و کرامت و سخاوت با تو روبه رو می شود.^۲

در زندگی من و تو بارها حرمت شکنی نسبت به فرامین حضرت حق اتفاق افتاده است و او توانایی دارد که به هنگام ارتکاب اولین نافرمانی بر مبنای حق و عدل ما را عقوبت کند و اگر چنین کند و اگر چنین می کرد همه سزاوار آن بوده ایم که عقوبت شویم یعنی دیگر فرصتی برای جبران باقی نمی ماند. ولی خدای تو، چون دوست دارد و می خواهد که به خوشبختی و سعادت برسی، آنجا که مرتکب حرمت شکنی و انجام ناپایدها می شوی با آن که می تواند و حق و عدالت هم به او اجازه می دهد به محض ارتکاب گناه در عقوبت تو تعجیل نمی کند. سخاوت و کرم خود را برای موارد کم اهمیت نگاه نداشته است، همین جا که مستحق عقوبتی و در صورت عقوبت شدن

۱. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۴. حَسْبِيَ اللَّهُ الْكَرِيمُ عِنْدَ الْحِسَابِ

۲. بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۴. حَسْبِيَ اللَّهُ الْكَرِيمُ عِنْدَ الْمَوْتِ

۷۰ عاشق تو

فرستی برای جبران و کسب استحقاق پاداش پیدا نخواهی کرد، همین جا که تو لازم داری، با تو سخاوتمندانه و فوق عدالت رفتار می کند.^۱

پس خدای تو سخاوتمند و بزرگواری است و دقیقاً لطف و کرم و بخشش خود را در حیاتی ترین و بحرانی ترین لحظات زندگی دنیا و آخرت تو، ارزانیات می کند چون تو را دوست دارد.

در فصل آغازین نوشتار ذکر کردیم که "بدها" را هم دوست دارد، در انتهای این فصل که سراسر بیان نیکی و لطف و احسان و بخشش خدای دوستدار تو بود. اشاره ی دوباره ای می کنیم که این الطاف و نیکی ها فقط مخصوص آدم خوبها نیست. خدا با "بدکاران" هم با احسان و لطف و نعمت برخورد می کند،^۲ به نافرمان^۳ و فاجر^۴ هم روزی می دهد و بر مسرف^۵ و از حد درگذرنده^۶ و آن که در دریای گناهان غرق شده است^۷ نیز با "لطف" روبه رو می شود. به خود خدا قسم این خدا دوست داشتنی است.

سؤالی مطرح می شود که این همه که از لطف و سخاوت و بخشش خداوند می گوئید به واقع جایی برای قهر و خشم و رد کردن و برآورده نکردن حاجات نباید بماند. ولی در عمل چنین نیست و کم و بیش یافته ایم که مورد کم لطفی و قهر و رها کردن و پاسخ ندادن و... نیز هستیم.

پاسخ: در فصل دوم همین نوشتار اشاره ای داشتیم که مهر بر قهر اولویت دارد، سریع تر، شدیدتر، فراگیرتر و... است ولی اگر آدم صاحب اختیار بر اثر جهل و نادانی و

۱. بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۵۵. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ
۲. بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۴۲. أَنْتَ... الْأَخْذُ عَلَى الْمُسِيئِينَ بِالْإِحْسَانِ وَالْمِنَّةِ
۳. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۵۵. يَا... رَازِقَ الْعَاصِي
۴. دیوان علی (ع) ص ۱۹۳. سُبْحَانَ رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْوَبَرَةِ وَ رَازِقَ الْمُتَّقِينَ وَالْفَجَرَةِ
۵. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۲۹۶. النَّبِيُّ (ص): فَأَنْتَ لَطِيفٌ تَجُودُ بِرَحْمَتِكَ عَلَى الْمُسْرِفِينَ
۶. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۱۷۱. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّطِيفُ بِمَنْ شَرَّدَ عَنْهُ مِنْ مُسْرِفِي عِبَادِهِ
۷. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۳۰۸. النَّبِيُّ (ص): يَا رَبِّ فَقَدْ يَمَّا لَطَفْتَ لِمُسْرِفٍ عَلَى نَفْسِهِ غَرِيقٍ فِي بِحُورِ حَطِيبَتِهِ

یا لجبازی خود بخواهد از باران رحمت خود را مخفی کند و یا جاخالی بدهد و خود را در معرض تیرهای غضب و قهر که کم‌دامنه‌تر و کندتر و بعد از رحمت فرصت بروز می‌یابند، قرار دهد. تقصیر با خدا نیست، البته همیشه هم اینچنین نیست که ما می‌پنداریم و چه بسیار مواردی را که قهر و غضب و بی‌توجهی می‌پنداریم ولی آن هم در اصل لطف و خیرخواهی بوده است و ما به دلیل جهل و یا سطحی‌نگری، خیرخواهی خداوند سخاوتمند و صاحب لطف را برای خودمان بدخواهی تفسیر می‌کنیم. خداوند صریحاً به من و تو می‌گوید:

ای فرزند آدم، ممکن است چیزهایی از من بخواهی و من چون نفع و فایده و صلاح تو را بهتر از خودت می‌دانم و رسیدن تو را به آن خواسته به ضررت می‌بینم، آن را از تو باز می‌دارم و به تو نمی‌دهم؛ نه به خاطر بخل و تنگ چشمی‌ام، نه؛ فقط به خاطر آن که دوستت دارم و بهتر از تو می‌دانم منافع تو در کدام جهت است. به خاطر رساندن تو به منافع بلندمدت و پایدار و اساسی‌تر، بعضاً خواسته‌های گذرا، که در ظاهر به نفع تو و در باطن به زیان توست، از تو باز می‌دارم و ادا نمی‌کنم.^۱

و حضرت بقية الله (عج) نیز در دعای افتتاح و در تایید این نوع عملکرد، با خدای خود چنین می‌گوید:

خدایا، بعضی مواقع خواسته‌ای دارم که آن را نمی‌دهی و یا با تاخیر روانه می‌کنی و من به خاطر نادانی‌ام-حتی در تشخیص خیر و شر خودم- از تو دلگیر می‌شوم و اعتراض

۱. وسائل الشیعة ج ۷ ص ۶۰ قَالَ وَ فِي زُبُورِ دَاوُدَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ تَسْأَلْنِي وَ أَمْنُكَ لِيَلْمِي بِمَا يَنْفَعُكَ

۷۲ عاشق تو

می‌کنم. در صورتی که آنچه برایم به تاخیر انداختی و انجام
ندادی " به نفع من " بود؛ چون تو به عاقبت کارها آگاهی و
من ناآگاه!

آری عزیزان من؛ خدا خیر محض و خیرخواه تو است؛ هر که باشی، حتی اگر خیر و
صلاح خودت را هم تشخیص ندهی باز هم او به نفع تو کار می‌کند. قدر این خدا را
باید دانست.

۱. التهذیب ج ۳ ص ۸۸. الحجة (ع): فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَثَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ

فصل ۷

عاشق همراه و کمک‌رسان

در عمل باید عشق‌ورزیدن

گفتگو را بیا تمام کنیم

مجتبی کاشانی (سالک)

درست است که عشق و محبت یک انگیزش و تمایل درونی و قلبی است ولی همین که آدمی بداند طرف مقابل او را دوست دارد، آرامش و لذت درونی به او دست می‌دهد؛ ولی به اصطلاح خودمانی "بی مایه فطیر است" و "عشق خشک و خالی نان و آب نمی‌شود"؛ هرچند عشق و عاشقی را با معیارهای کاسبکارانه نباید سنجید ولی واقعیت حتی در عشق همسران، مادر و فرزند و حتی خدا و بنده نیز خالی از نفع و فایده متصور نیست. همسری که فقط دوستت دارم و عاشقتم و برایت میمیرم به همسرش تحویل دهد و برای رفاه و خوشبختی دنیا و آخرت همسر خود کوچک‌ترین

زحمتی به خود ندهد عشقش پذیرفته نیست و معشوقی که بر انجام خواسته‌ها و رفع گرفتاری‌هایش کمکی از جانب عاشق دریافت نمی‌کند کم‌کم احساس خوب خود را به او از دست می‌دهد و در صداقت گفتارهای عاشقانه‌ی او شک و تردید روا می‌دارد. البته باید دقت کرد و توقعات خارج از توان عاشق را از این دایره خارج نمود؛ حتی خدای عاشق ما که خود می‌تواند نقش معشوق را ایفا کند از من و تو - اگر ادعای عاشق بودن داریم - فقط به ادای الفاظ "دوستت دارم، عاشقتم، قربانت شوم" رضایت نمی‌دهد و به طرق مختلف شرط پذیرش این ادعا را بیان کرده است که محل بحث اینجا و این نوشتار نیست، در این کتاب خدا عاشق است و ما معشوق؛ ما در فصل سوم کتاب "عاشق شو" ^۱ که خدا معشوق است و ما را به عاشق بودن فرا می‌خواند به تفصیل بیان کرده‌ایم که اگر می‌خواهی ادعای عاشق بودن را خدا بپذیرد باید این‌گونه صفات را داشته باشی. و اما به بحث خودمان برگردیم. در این فصل می‌خواهیم بگوییم اگر انتظار داری که "عاشق تو" در موارد لزوم به یاریات بشتابد انتظار حقی است که بسیاری از عاشق نمایان ادا نمی‌کنند و برخی از عاشقان دیگر - غیر خدا - که عشقشان هم غیر واقعی نیست نمی‌توانند آن‌چنان که تو می‌خواهی و آن‌جا که تو لازم داری به کمکت بشتابند و درجه‌ی کمال به کمک‌شتافتن و توانایی بر آن فقط در عاشق یگانه، عاشقی که این کتاب معرفی می‌کند وجود دارد و بس. خدای عاشق تو یار و یاور و یاری‌دهنده است ^۲، یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی او "ناصر" ^۳ است؛ بلکه خود "یاری" ^۴ است و صاحب آن؛ همان که باید از او یاری خواست، یاری‌دهنده‌ی من و تو ^۵.

۱. عاشق شو، علیرضا برازش، انتشارات امیر کبیر
 ۲. البلدالأمین ص ۳۶۳. النبى(ص): سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ
 ۳. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۶۴. النبى(ص): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا... النَّاصِر
 ۴. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۱. أَنْتَ... الْعَوْنُ
 ۵. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۳۳۳. الرضا(ع): يَا ذَا النِّفْعِ وَ النَّصْرِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۳۳۳. الرضا(ع): يَا مُعِينًا

ممکن است عاشق بخواهد کمک کند اما نتواند یا کمکش کافی نباشد، اما خدای تو آن عاشقی است که بجا به کمکت می‌شتابد و آن قدر توانایی و اراده دارد که تو را از غیر بی‌نیاز کند^۱، یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی او " کافی " است^۲ یعنی کمک او تو را بس است، به غیر نیازی نخواهی داشت^۳. همچنان که درباره‌ی صفات دیگر نیز گفتیم همان طور که خود خدا مانند هیچ چیز و هیچ کس نیست^۴ صفات او نیز قابل مقایسه با آن صفت در انسان‌ها و سایر موجودات نیست؛ یاری او نیز فوق تصور^۵ و او بهترین یاری‌کننده است^۶ بهتر از هر یاری‌رسان دیگر^۷. یاری او ما را از هر یاری‌کننده‌ی دیگری بی‌نیاز می‌کند^۸ زیرا او تواناترین^۹ و سخاوتمندترین یاری‌رسان است^{۱۰} و دارای بیشترین یاری^{۱۱}. در یاری کردن و دریافت کمک، آنچه بیش از خود کمک اهمیت دارد بجا و به موقع بودن کمک است. چه بسا نوشداروهایی که بعد از مرگ سهراب رسیده باشد که از دست دادن زمان مناسب آن را بی‌ارزش کرده است. آن گاه که گرفتاریم، آن گاه که آنان را که انتظار داریم به کمکمان بشتابند نمی‌آیند، آن گاه که تنهای تنهایییم، کمک و یاری در این مواقع به درد ما می‌خورد نه آن گاه که از هر طرف با نیت‌های گوناگون در معرض دریافت کمک قرار گرفته‌ایم. به هر صورت عاشق معرفی شده در این نوشتار، یار گرفتاران است^{۱۲}، یاور مستضعفین،

۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۹۹. الحسین(ع): يَا كَافِي

۲. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۶۴. النبی(ص): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا... الْكَافِي

۳. نساء ۴۵. كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا

۴. شوری ۱۱. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

۵. البلدالأمين ص ۳۶۴. النبی(ص): سُبْحَانَهُ مِنْ رَاعٍ مَا أَغْوَنَهُ

۶. بحارالأنوار ج ۴۶ ص ۱۷۲. هُوَ خَيْرُ مُسْتَعَانٍ

۷. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. يَا أَعْوَنَ مِنْ كُلِّ مُعِينٍ

۸. بحارالأنوار ج ۷۴ ص ۲۱۸. الْبَاقِر(ع): فَإِنَّهُ أَكْفَى مُعِينٍ

۹. غررالحکم ص ۶۹ فَإِنَّ الْحَقَّ أَقْوَى مُعِينٍ

۱۰. بحارالأنوار ج ۱۲ ص ۲۴۴. الْبَاقِر(ع): يَا كَرِيمَ الْمُعَوْنَةِ

۱۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۹۵. الْبَاقِر(ع): يَا كَثِيرَ الْمُعَوْنَةِ

۱۲. بحارالأنوار ج ۸۴ ص ۲۵۷. يَا عَوْنَ أَهْلِ الْبَلَاءِ

آنان که در ضعف و ناتوانی نگاه داشته شده‌اند^۱، یار شکست‌خوردگان بی‌یاور^۲، آنان که مورد ستم واقع شده‌اند^۳ آنان که یارانشان واگذارشان کرده و به یاری‌شان نشناخته‌اند^۴، یار تنهاماندگان^۵، یار آنان که هیچ یاری ندارند^۶ و فریادرس می‌طلبند^۷.
عاشق تو آن توانای وقت‌شناسی است که دقیقاً به هنگام گرفتاری، آن‌گاه که دغل دوستان گرد شیرینی ترک می‌کنند به یاری‌ات می‌شتابد^۸ و تو را از هر کس و هر چیز دیگر بی‌نیاز می‌کند^۹، بی‌نیاز کردنی که هیچ‌کس جز او نمی‌تواند چنین لطفی در حق تو بکند^{۱۰}.

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۲. مُنَاجَاةُ الْمُتَضَمِّينَ. يَا نَاصِرَ الْمُسْتَضَعِّفِينَ
 ۲. بحارالأنوار ج ۸۴ ص ۲۳۹. يَا... مُعِينَ الْمُغْلُوبِينَ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۲۲. الكاظم (ع): يَا نَاصِرَ الْمُظْلُومِينَ الْمُبْعَى عَلَيْهِم
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی (ص): يَا نَاصِرَ كُلِّ مُخْذُولٍ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۶۹. يَا عَوْنَ كُلِّ ضَعِيفٍ قَرِيبٍ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. النبی (ص): يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۳۳. يَا عَوْنَ الْمُسْتَغِيثِينَ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۷ ص ۳۰۸. الصادق (ع): يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ
 ۹. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۹۳. اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ مَنْ كُلِّ شَيْءٍ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۷ ص ۳۰۹. الصادق (ع): يَا كَافِيَ مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ

فصل ۸

عاشقِ راهنما

رحمت جزوی به کل پیوسته شو
رحمت کل را تو هادی بین و رو
(مولوی)

هرقدر ما حیران و سرگشته‌ایم و هرقدر بین راه‌های متنوع و مدعیان پر تعداد هدایت سرگردانیم، عاشق تو، همان یگانه عاشق واقعی بی‌تزلزل و بر راه راست است، راه‌شناس و بر طریق راست و درست. او تنها شایسته‌ای است که باید راه را از او پرسید، چراکه یکی از نام‌ها و صفات همیشگی او هدایت‌گر است^۱، بهترین هدایت‌گر^۲. هدایت‌کننده‌تر

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النبى (ص): یا هادی
۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۲. أنت... یغمر الدلیل

از هر هدایت‌کننده‌ای^۱ هدایت‌گرترین کسی که می‌توان به سوی او رفت^۲ هدایت‌گری شگفت^۳. هدایت‌گریِ خدای تو نیز همچون خیر رسانی‌اش به‌موقع و بجا و درست در هنگامه‌ی نیاز توست، در کوران سرگردانی و سرگشتگی^۴، در اوج تاریکی^۵ و گم‌کردن راه^۶، نه فقط تو بلکه هر راه‌گم‌کرده‌ای را او، و فقط او راهنماست؛ زیرا در واقع او هدایت‌گر همه‌ی ره‌گم‌کردگان^۷، بلکه هدایت‌گر همه‌چیز است^۸.
 خدای تو راهنمایی‌اش به سوی خیر است^۹ آن‌جا که امیدت از همه‌جا بریده شد^{۱۰} و حس کردی هیچ راهنمایی نیست که تو را از سرگردانی برهاند^{۱۱} حاضر می‌شود و دست تو را می‌گیرد، درست به‌موقع.

-
۱. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. یا أَهْدِي مِنْ كُلِّ هَادٍ
 ۲. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۲۴. یا أَهْدِي مَنْ رُجِبَ إِلَيْهِ
 ۳. مصباح‌الکفعمی ص ۲۷۰. سُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَهْدَاهُ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی(ص): یا ذَلِيلِي عِنْدَ خَيْرَتِي
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۳۰. یا ذَلِيلِي فِي الظَّلَامِ
 ۶. الکافی ج ۲ ص ۵۹۵. الصادق(ع): یا ذَلِيلِي فِي الضَّلَالَةِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۲۱ ص ۸۷. یا هَادِي كُلِّ ضَالٍّ
 ۸. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۶۹. أَسْأَلُكَ يَا نُورُ كُلَّ شَيْءٍ وَهَدَى كُلَّ شَيْءٍ
 ۹. مستدرک‌الوسائل ج ۸ ص ۲۱۴. یا دَالًّا عَلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۹. السجاد(ع): أَنْتَ ذَلِيلٌ مَنْ انْقَطَعَ ذَلِيلُهُ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبی(ص): یا ذَلِيلٌ مَنْ لَا ذَلِيلَ لَهُ

فصل ۹

عاشقِ نگاهبان

نه طفلی کز آتش ندارد خبر

نگه داردش مادر مهرور؟

نگه دارد از تاب آتش خلیل

چو تابوت موسی ز غرقاب نیل

(سعدی)

خدای تو حافظ^۱ است و حفیظ^۲، حفظ‌کننده‌ی من و تو^۳ نگهبان و نگاه‌دارنده از درافتادن به بدی‌ها^۴. مانعی در مقابل بدی‌هایی که در سر راه تو قرار می‌گیرند یا خود آن‌ها را می‌آفرینی^۵ و نیز دفع‌کننده‌ی آن^۶.

۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النبی (ص): یا حافظُ

۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۳. النبی (ص): یا حفیظُ

۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبی (ص): یا حافظُنَا

۴. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۸۴. النبی (ص): سُبْحَانَ اللَّهِ حِرْزِي

۵. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۲۹. اللَّهُمَّ أَنْتَ... مَانِعٌ مُعِزٌّ

۶. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی (ص): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ... يَا دَافِعُ

او برتر از همه چیز و همه کس است، برتر از آنچه بتوان توصیف کرد؛ بنابراین نحوه و درجه‌ی حفظ‌کردنش نیز غیر قابل مقایسه است^۲، حفظ‌کننده‌ای که خود نیازمند حفظ دیگری نیست^۳، نزدیک‌ترین^۴ و بهترین^۵ حافظ و نگهدارنده، بهتر از هر حفظ‌کننده‌ی دیگر^۶. حفظ‌کردن او در نهایت کمال^۷ و بی‌نیازکننده از هر حفظ دیگری است^۸، چراکه او بهترین^۹ و در واقع تنها و تنها حفظ‌کننده‌ی واقعی است^{۱۰}. یکی از شعبات توحید، یگانه‌دانستن نگهبان و حافظ است و اوست یگانه نگهبان تو، از هر خطری، از هر بدی و از هر شری در امان مانده‌ای و می‌مانی، دست با کفایت اوست که تو را نگاه می‌دارد، او که دوست دارد. نگهبانی دانا^{۱۱}، مراقب با چشمانی باز^{۱۲}، که لحظه‌ای و ذره‌ای غفلت و فراموشی در او راه ندارد^{۱۳}. او همچنان که خود نامحدود است دایره‌ی قدرت و دامنه‌ی حفظ‌کردنش نیز نامحدود است و حتماً تو را دربر می‌گیرد. هر پناه‌جو^{۱۴}، همه‌ی آفریدگان^{۱۵}، همه‌ی ساکنان آسمان‌ها و زمین^{۱۶}، همه‌چیز و همه کس^{۱۷}.

۱. الکافی ج ۱ ص ۱۱۷. الصادق(ع): أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ
۲. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا أَحْفَظُهُ
۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۰. النبی(ص): يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ
۴. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۴۱. الصادق(ع): اللَّهُمَّ أَنْتَ أَقْرَبُ حَفِيفٍ
۵. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۲۷. اسْتَحْفَظْتُ بِاللَّهِ خَيْرَ الْخَافِظِينَ
۶. مصباح‌الکفعمی ص ۳۴۹. يَا أَحْفَظُ مِنْ كُلِّ حَفِيفٍ
۷. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۲۲. عَلِي(ع): يَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ
۸. بحارالأنوار ج ۸۴ ص ۱۱. اللَّهُمَّ... فَكُفِّي بِكَ غَاصِمًا
۹. الإقبال ص ۴۷۱. يَا خَيْرَ عَاصِمٍ
۱۰. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۵. الصادق(ع): فَإِنَّكَ... لَيْسَ لِي مُعْتَصِمٌ إِلَّا أَنْتَ
۱۱. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۱۳۲. هُوَ الْحَفِيفُ الْعَلِيمُ
۱۲. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۸۸. الْحَمْدُ لِلَّهِ... الْحَفِيفِ الرَّقِيبِ
۱۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۰۶. سُبحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا يَنْسَى
۱۴. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النبی(ص): يَا عَاصِمَ مَنْ اسْتَعَصَمَهُ
۱۵. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۵۶. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ خَلْقِكَ... الدَّافِعُ عَنْهُمْ
۱۶. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۵. يَا مَنْ هُوَ جَرُّ لَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
۱۷. هود ۵۷. إِنْ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ

در فصل قبل اشاره کردیم که به بعضی صفات دوستدارمان در مواقع گرفتاری نیاز بیشتری داریم و تمایل داریم آن که ادعای دوستی و محبت می‌کند دقیقاً آنجا که لازم داریم به یاری‌مان بشتابد و خدای تو دقیقاً چنین است؛ او در دوران غربت و تنهایی محافظ‌تر است^۱ و اگر بخواهیم منافع و متعلقاتمان در غیاب ما نیز از دستبرد حوادث مصون بماند و حفظ شود، اوست حافظ ما در غیاب ما؛ هر ضعیف^۲ و درمانده‌ای^۳ را او حافظ است؛ هر ره‌گم‌کرده^۴ و ترسان^۵ و فراری^۶ را او پناه‌دهنده و برای آن که هیچ پناه‌دهنده‌ای برای خود نمی‌یابد او پناه است^۷. همه‌ی امور تو را^۸ و خودت را از هر آنچه محل سقوط و نابودی باشد محافظت می‌کند^۹، در مقابل همه‌کس و همه‌چیز^{۱۰}، هر بلا و گرفتاری^{۱۱}، هرگونه غم و ناراحتی^{۱۲}، هرآنچه از آن می‌ترسیم و واهمه داریم^{۱۳}، کلید حفظ‌شدن از همه‌ی آنها فقط در دست اوست^{۱۴} و او تو را دوست دارد و از همه‌ی این‌ها حفظ می‌کند^{۱۵}.

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۹۹. الحسين (ع): يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي
 ۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۲۹۱. يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۴ ص ۲۵۷. يَا جِرِّزُ الضُّعْفَاءِ
 ۴. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۷۳. أَنْتَ... جِرِّزُ كُلِّ ذَلِيلٍ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۹۹. الحسين (ع): يَا حَافِظُ كُلِّ ضَّالَّةٍ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۱۹۳. الصادق (ع): يَا عِصْمَةَ الْمُضْطَرِّ الضَّرِيرِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۱۱۵. أَنْتَ... جِرِّزُ الْهَارِبِينَ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. النبی (ص): يَا جِرِّزْ مَنْ لَا جِرِّزَ لَهُ
 ۹. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۳۷۰. اللَّهُمَّ أَصْلَحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۶۴. اللَّهُمَّ... عِصْمَتِي عِنْدَ كُلِّ هَلَكَةٍ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۵۵. أَنْتَ لِي جِرِّزٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۱۴. يَا دَافِعَ الْبَلَوَى
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۰۱. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ السَّابِقُ النِّعْمَةُ الدَّافِعُ النِّقْمَةُ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۳۲۵. اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعَزُّ وَ أَجَلُّ وَ أَمْنَعُ مِمَّا أَخَافُ
 ۱۵. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۲۲. أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): يَا قَابِضاً عَلَى الْمُلْكِ لِمَا دُونَهُ وَ مَانِعاً مَنْ دُونَهُ
 ۱۶. الكافي ج ۲ ص ۵۷۸. أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ... مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

فصل ۱۰

عاشق منجی

چو کودک به دست شناور برست
نترسد وگر دجله پهناور است
(سعدی)

خدای ما را صفات بسیاری است و در مشیت و خواست او افعال ظاهراً پرتعداد و متنوعی می‌گنجد-هرچند همه‌ی صفات به علم و قدرت و حیات او برمی‌گردند- ولی به هر صورت در میان همه‌ی صفات و همه‌ی افعال او آنچه وقوعش از همه به اراده‌ی او نزدیک‌تر و بیش از بقیه سزاوار انطباق بر عظمت غیر متناهی اوست،

فریادرسی او و نجات دادن آفریدگان از ناملايمات و مفسده‌هاست.^۱ یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی خدای تو " فریادرس " است^۲ و یکی از زوایای توحید آنکه: فریادرسی جز او ندانی و نخوانی^۳؛ گشاینده‌ی راه برون‌رفت از پلیدی‌ها و ناملايمات^۴، برطرف‌کننده‌ی هرگونه ناراحتی، درد و همه‌ی موانع رشد و تکامل^۵؛ یگانه برطرف‌کننده^۶؛ خدای تو درمان‌کننده است^۷، درمان همه‌ی دردها^۸ فقط در دستان اوست^۹ که او خود درمان است و از نام‌های مبارکش " دوا " ^{۱۰}؛ فروآورنده‌ی آن^{۱۱}، درمانی که جز آن درمان دیگری نباشد^{۱۲}، درمانی که با یاد او آمیخته است ای آن که یادت شفاست^{۱۳}. اوست نجات‌دهنده^{۱۴}، تنها نجات‌دهنده^{۱۵} بلکه خود نجات و رهایی^{۱۶} آن که نجات‌دهنده‌ای جز او متصور نیست^{۱۷}. همچون دیگر صفات، فریادرسی و نجات‌دهندگی خدای تو فراتر و برتر از فریادرسی دیگران است؛ و در یک نگاه

-
۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۰. أَشْبَهَ الْأَشْيَاءَ بِمَشِيئَتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ... وَ غَوَّثُ مَنْ اسْتَغَاثَ بِكَ
 ۲. مستدرک‌الوسائل ج ۵ ص ۲۶۴. رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ لَهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْمًا... الْغِيَاثُ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۰۹. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْغِيَاثُ الْمُغِيثُ
 ۴. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۵۴. يَا فَارِجَ
 ۵. الکافی ج ۳ ص ۳۲۵. يَا كَاشِفَ
 ۶. انعام ۱۷. فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ
 ۷. الکافی ج ۲ ص ۵۶۷. يَا شَافِيَ
 ۸. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۶۸. يَا... مُدَاوِيَ الْقُلُوبِ الْخَرِيجِ
 ۹. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۲۲۲. عَلِي (ع): أَنْتَ الشَّافِي وَ لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۶۱. يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءُ
 ۱۱. الکافی ج ۲ ص ۵۶۷. الصَّادِق (ع): يَا مَنْزِلَ الشِّفَاءِ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۵۹ ص ۳۰۱. النَّبِيُّ (ص): لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۶۱. يَا مَنْ... ذِكْرُهُ شِفَاءُ
 ۱۴. التهذيب ج ۳ ص ۹۶. يَا مُنْجِيَ
 ۱۵. الإقبال ص ۳۲۹. سُبْحَانَ مَنْ لَا مُنْجَى مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ
 ۱۶. الإقبال ص ۶۷۶. يَا نِجَاتِي
 ۱۷. بحارالأنوار ج ۱۴ ص ۱۳۷. الْمُسَكَّرِيُّ (ع): هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنْجَاءِ حِينَ لَا مُنْجَى

توحیدی همچنان که در روایات همین بخش آورده‌یم فریادرسی، شفا، درمان و نجاتی جز از جانب او متصور نیست و اگر درمان و نجاتی توسط آفریدگان صورت می‌پذیرد فقط در حد وسیله و واسطه است و بس.

به هر صورت بهترین فریادرس^۱، نجات‌دهنده‌ای برتر از همه‌ی نجات‌دهندگان^۲ و شفا‌دهنده‌ای فراتر از دیگر شفا‌دهندگان^۳ فقط اوست. اوست که درمان و شفایش شگفت‌آور^۴ و تنها اوست که گرفتاری‌های عظیم را از سر راه من و تو به کنار می‌زند^۵. وسعت دایره‌ی گره‌گشایی و نجات‌دهندگی خدای تو " همه " را دربر می‌گیرد^۶، همه‌ی آسمانیان و زمینیان را^۷. البته در میان این همه که اگر آگاه باشند در تمامی لحظات و اوقات نیازمند اویند، گرفتاران بلا این نیاز را ملموس‌تر درک می‌کنند و خدای تو که برای رفع گرفتاری " همه " اعلام آمادگی کرده است، بر رفع گرفتاری گرفتاران آماده‌تر است^۸. اوست راحتی‌بخش هر غم‌زده^۹ و اندوهگین^{۱۰}؛ اوست فریادرس در هر گرفتاری^{۱۱} و هر سختی^{۱۲} و به هنگام هر درد و ناراحتی^{۱۳}، فریادرسی بی‌وقفه، دائم و همیشگی^{۱۴}.

۱. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۸۰ السجاد(ع): لَنِعْمَ الْمُسْتَعَاثُ أَنْتَ
۲. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. یا اَنْجِیْ مِنْ کُلِّ مُنْجٍ
۳. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. یا اَشْفِیْ مِنْ کُلِّ شَافٍ
۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ مَا اَنْجَاهُ
۵. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۸. یا کَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ
۶. بحارالأنوار ج ۲۱ ص ۸۷. یا مُفَرِّجَ کُلِّ مُعْصُومٍ
۷. البلد‌الأمین ص ۳۵۶. النبی(ص): یا غِیَاثَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
۸. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۵۴. الصادق(ع): یا کَاشِفَ الْبَلَاءِ
۹. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۳۳۱. یا مُرَوِّحَ عَنِ الْمُعْصُمِينَ
۱۰. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۶۴. الصادق(ع): یا رَاخَةَ کُلِّ مَخْزُونٍ
۱۱. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۱۰۰. یا غَوَّیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ
۱۲. بحارالأنوار ج ۴۷ ص ۱۷۴. یا غَوَّیْ فِی کُرْبَتِیْ
۱۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی(ص): یا مُعِیْثِیْ عِنْدَ مُقْزَعِیْ
۱۴. البلد‌الأمین ص ۳۵۱. النبی(ص): سُبْحَانَکَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُعِیْثُ الدَّائِمُ

بیماری؟ درمانت به دست اوست.^۱

دلت دردمند است؟ شفای سینه‌های دردمند در دستان اوست.^۲

در معرض هلاکت و سقوطی؟ سقوط کرده‌ای؟ نجات‌دهنده‌ی هلاک‌شدگان اوست.^۳

همان‌جا که لازم داری، در اوج نیاز، او آماده است؛ فریادرس هر دردمند زیان‌دیده^۴، فریادرس هر که گرفتار شده^۵، و فریادرس بطلبد^۶ و پناه بخواهد.^۷ هر که مورد ظلم و ستم واقع شده باشد^۸، هر که تنها مانده باشد^۹، هر که فریادرسی نداشته باشد^{۱۰}، او برای فریادرسی آماده است. درست به هنگام نیاز، او برای تو آماده است^{۱۱} در مقابل هر لغزش^{۱۲} و هر مهلکه^{۱۳}؛ بیرون‌برنده از هر تنگنا^{۱۴}، برطرف‌کننده‌ی هر گرفتاری^{۱۵}، غم^{۱۶}، سختی^{۱۷} و مهالک^{۱۸} ترسناک^{۱۹}؛ او همیشه آماده است.

-
۱. دیوان‌علی(ع) ص ۳۸۷. يَا شَافِيَ السَّقِيمِ
 ۲. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۱۷۵. الْعُسْكَرَى(ع): يَا شَافِيَ الصَّدُورِ
 ۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۲. يَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ
 ۴. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۳۱. الصَّادِق(ع): يَا مُعِثَ الْمَلْهُوفِ الضَّرِيرِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۷ ص ۳۷۵. يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ
 ۶. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۱۱۵. أَنْتَ... مُعِثُ الْمُسْتَغِيثِينَ
 ۷. بحارالأنوار ج ۸۲ ص ۲۱۸. يَا... جُنَّةَ الْعَائِدِ وَ غَوْثَ اللَّائِذِ
 ۸. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۲۳. النَّبِيُّ(ص): يَا مُعِثَ الْمَظْلُومِ الْحَقِيرِ
 ۹. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۴. يَا غَوْثَ كُلِّ طَرِيدٍ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۲۳. النَّبِيُّ(ص): يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۹. السَّجَّاد(ع): يَا كَاشِفَ الْفُسْرِ وَ الْبُؤْسِ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۱۳۷. أَنْتَ... مُنْجِي [مُنْجٍ] مِنْ كُلِّ عَثْرَةٍ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۰۹. الرِّضَا(ع): أَنْتَ الْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ
 ۱۴. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۷۸. يَا فَارِجَ الْمُضِيقِ
 ۱۵. مصباح‌الکفعمی ص ۲۹. يَا مُفَرِّجَ [فَارِجٍ] كُلِّ كَرْبَةٍ
 ۱۶. الکافی ج ۲ ص ۵۵۷. الصَّادِق(ع): يَا فَارِجَ الْهَمِّ
 ۱۷. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۵۰. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْمُلِمَّاتِ
 ۱. مستدرک‌الوسائل ج ۱۳ ص ۲۸۹. النَّبِيُّ(ص): يَا مُفَرِّجَ الْأَهْوَالِ

فصل ۱۱

عاشق پاسخگو

فروماندگان را به رحمت قریب
تضرع کنان را به زاری مجیب
(سعدی)

هیچ معشوقی عشق خشک و خالی و توقف کننده در حد شعار و ادعا را نمی پسندد و
چنین عاشقی را عاشق نمی داند، معشوق انتظار بحق دارد آن که ادعای عاشقی می کند
گوشی شنوا و اراده ای محکم برای انجام خواسته های معشوق داشته باشد.

مخصوصا اگر ما واقع‌بینانه به خودمان نگاه کنیم خود را سراپا نیاز می‌یابیم و این انسان نیازمند و محتاج^۱ و مضطر^۲ و هراسان و نگران از برآورده‌نشدن خواسته‌ها، دوستی می‌خواهد که محبتش فراتر از قول، بلکه عین عمل باشد، انتظار دارد مدعی عشق برای هر خواسته‌ای او پاسخی آماده داشته باشد؛ و البته فقط خداست که می‌تواند این‌چنین باشد.^۳ اوست که وعده‌ی پاسخ‌گویی به همه‌ی خواسته‌های ما را داده است؛^۴ و صد البته که خدای تو وفاکننده به تعهدات و وعده‌های خود است،^۵ زیرا او اهل وفا^۶ و صاحب وفا^۷ و پروردگار وفاست.^۸ سزاوارترین کسی که برای وفای به عهد می‌توانی تصور کنی.^۹ او وفاکننده‌ای است که هرگز خلف وعده نمی‌کند^{۱۰} و پاسخ‌دهنده‌ای نزدیک^{۱۱}، گوش‌به‌زنگ^{۱۲}، و خستگی‌ناپذیر^{۱۳}. آن‌که پاسخ‌هایش از سر لطف و کرامت و توجه بی‌مانند به درخواست‌کننده است^{۱۴}، به تو.

-
۱. الکافی ج ۲ ص ۵۴۵. الصادق(ع): أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ
 ۲. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۲. علی(ع): أَنْتَ الْمُجِيبُ وَ أَنَا الْمُضْطَرُّ
 ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۶۱. الباقر(ع): يَا مُجِيبُ
 ۴. غافر ۶۰ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۲۶. يَا مُوْفِي الْعَهْدِ
 ۶. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۲۶۹. يَا أَهْلَ الْوَفَاءِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النَّبِيُّ(ص): يَا ذَا الْعَهْدِ وَ الْوَفَاءِ
 ۸. مهج الدعوات و منهج العبادات ص ۵۹. فَأَنْتَ رَبُّ... الْإِنْجَازِ وَ الْوَفَاءِ
 ۹. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۸۲. النَّبِيُّ(ص): أَنَا أَحَقُّ مَنْ وَفَى بِالْعَهْدِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۶ ص ۲۸۹. أَنْتَ... الْوَفِيُّ لَا تُخْلِفُ
 ۱۱. هود ۶۱ إِنْ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ
 ۱۲. صحیفه‌ی سجاده دعای ۲۵. إِنَّكَ... مُجِيبُ سَمِيعٍ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۷۱. اللَّهُمَّ إِنَّكَ... مُجِيبُ لَا تَسَامُ
 ۱۴. المقام‌الأسنى ص ۹۹. يَا مُجِيبًا بِكَرَامَتِهِ

بهترین پاسخ دهنده^۱، شنواترین شنوها^۲، نزدیک ترین^۱ و شگفت آورترین پاسخگو^۲ و وفاکننده ترین متعهد^۳، دارای بیشترین وفای به عهد^۴، و کسی که پاسخگویی اش تو را از ابراز نیاز به غیر او بی نیاز می کند^۵ فقط و فقط خدای یگانه و بی همتاست. هر که او را بخواند پاسخش می دهد^۶، تنها شرطش این است که او را بخوانی^۷ او را صدا بزنی^۸. مخصوصاً اگر گرفتار باشی^۹.

برعکس ادعاهای ما زمینیان بر عشق و دوستی که همچون مگسائی گرد شیرینی تا یار سالم و زیبا و بی نیاز و داراست اطراف او می چرخیم ولی با اندکی کاسته شدن از دارایی ها و خواستنی های معشوق توجهمان به او رنگ می بازد، خدای عاشق اینچنین نیست؛ در گرفتاری و سختی حاضرتر از پیش است^{۱۰}. خصوصاً آنجا که تو هیچ پاسخ دهنده ای نیابی^{۱۱}.

از ابتدای فصل این پرسش در ذهن تو خواننده ی عزیز جوانه زد که پس درخواست های بی پاسخم چه می شود؟ دعا های اجابت نشده در زندگی همه ی ما زیاد به چشم می خورد، ولی سراپای این فصل خدای عاشق ما را پاسخ گویی معرفی

-
۱. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۶. النبى (ص): يَا خَيْرَ مُجِيبٍ
 ۲. الکافی ج ۴ ص ۴۶۳. الصادق (ع): يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ
 ۱. بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۲۴۰. فَإِنَّ اللَّهَ... أَقْرَبُ مُجِيبٍ
 ۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۵۳. السَّجَّاد (ع): سُبْحَانَهُ مِنْ... مُجِيبٍ مَا أَسْمَعُهُ
 ۳. بحار الأنوار ج ۴۹ ص ۳۱۹. اللَّهُ أَوْفَى ضَامِنٍ
 ۴. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۲. النبى (ص): يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ
 ۵. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۲۷. حَسْبِيَ اللَّهُ الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ
 ۶. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۱. السَّجَّاد (ع): فَأَنْتَ مُجِيبٌ مَنْ دَعَا
 ۷. غافر ۶۰. اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
 ۸. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۰۴. إِنَّكَ... مُجِيبُ الدَّاءِ
 ۹. البلد الأمين ص ۳۶۹. يَا مُجِيباً لِكُلِّ مُضْطَرٍّ
 ۱۰. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۲۹۱. يَا مُجِيبِي فِي حَاجَتِي
 ۱۱. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبى (ص): يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ

می‌کرد که " همه " ، آری همه‌ی حاجات را روا و همه‌ی دعاها را اجابت می‌کند، در صورتی که عملاً می‌بینیم اینچنین نیست.

بحث پیرامون دعا، اجابت و پاسخ مشروح این پرسش مهم را به کتاب‌های خاص دعا از جمله " قرآن صاعد " ^۱ از نوشته‌های مؤلف ارجاع می‌دهم ولی همین قدر بدانید خدا همچون مادر یا پدر مهربان و عاشقی است که عشقش به فرزند خود خالصانه و بدون انتظار؛ و ادعایش بر آماده‌بودن برای برآورده‌کردن نیازهای فرزند خود واقعاً صادقانه است- نه در حد لفظ- ، ولی همه‌ی ما به خوبی می‌دانیم و خود نیز چنین می‌کنیم و پدر و مادر مهربان و عاشق و عاقل نیز آن درخواست فرزند را که زبانی بر روح و جسم او وارد می‌کند اجابت نمی‌کنند و این عدم اجابت اگر با علم به زیانباربودن خواسته‌ی فرزند باشد به اصل " عشق " و به اصل پاسخگو بودن لطمه‌ای نمی‌زند. امام زمان ما مهدی موعود (عج) خطاب به خدایش چنین می‌گوید:

خدایا، گاه شود که در اجرای خواسته‌ی من تاخیر روا
می‌داری و من به خاطر نادانی‌ام بر تو معترض می‌شوم و
اصل پاسخگوبودن و وفاداری‌ات به وعده‌ی اجابت را زیر
سؤال می‌برم، حال آنکه عدم اجرای خواسته‌ی من و
به تاخیرافتادن آن به نفع من بوده است، زیرا تو که در
خیرخواه بودنت شک و تردیدی نیست، به عاقبت و نتایج
تحقق و یا عدم تحقق خواسته‌ی من آگاهی و من ناگاه ^۲.

و خداوند پاسخگو به صراحت بیان می‌دارد:

۱. قرآن صاعد، علی‌رضا برازش، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۲. التهذیب ج ۳ ص ۸۸، الحجة (عج): فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَثَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي
لِعَلِّمَكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُور

ای فرزند آدم، ممکن است تو چیزی بخواهی و من به
خاطر آگاهی ام به منافع تو و علم به اینکه تحقق خواسته ات،
منافع بلند مدت یا مهم تر تو را به خطر می اندازد، آن را به تو
نمی دهم. نه اینکه نمی شنوم، نه اینکه نمی توانم، نه اینکه
بخل می ورزم، نه؛ فقط به خاطر اینکه خیر تو را می خواهم.^۱
نمونه های درخواست های کودکانه که اگر عیناً آن را محقق کنیم به ضرر آن هاست
بسیار فراوان است و نیاز به ذکر نیست.

۱. وسائل الشیعة ج ۷ ص ۶۰ یا ابن آدم تَسْأَلُنِي وَ أَمْنَعُكَ لِإِلْمِي بِمَا يَنْفَعُكَ

فصل ۱۲

عاشقِ بردبار

این زمین از حلم حق دارد اثر
تا نجاست برد و گلها داد بر
تا بپوشد او پلیدی های ما
در عوض برروید از وی غنچه ها
(مولوی)

خودمان بهتر از هر کس می دانیم دارای حال یک نواختی نیستیم، بعضی مواقع با دلیل یا حتی بی دلیل خُلق و خویمان تنگ می شود و ممکن است افعالی از ما سر بزنند که در مواقع عادی انجام نمی دادیم ولی انتظار داریم آن که ما را دوست دارد و ادعای عشق خالصانه دارد زود از کوره در نرود؛ کژی های ما را تحمل کند؛ هر چند آن گاه که

خود نقش عاشق را بازی می‌کنیم اینچنین نباشیم. به هر صورت ممکن است ما خودمان عاشقی نازک‌نارنجی باشیم و فقط در ملایمات با معشوقمان همراهی کرده و هم‌دلی داشته‌باشیم ولی همین ما انتظار داریم و می‌گوییم عاشق باید صبور، بردبار، اهل تحمل و مدارا باشد؛ به عبارتی باید با معشوق راه بیاید. مگر عاشق من نمی‌گوید دوست دارم؟ پس تحولات مرا هم باید دوست داشته باشد. شک نداشته باشید این صفت در عاشق‌نمایان زمینی بسیار کم یافت می‌شود ولی نگران نباشید با اینکه خودمان این صفت را نداریم ولی عاشقی که این کتاب معرفی کرده است عاشقی همراه است، بردبار^۱، حتی اگر ما عجلول باشیم^۲.

بردباری به چه معناست؟ عدم عجله در واکنش منفی نسبت به کژی‌های ما^۳؟ درنگ کردن در مقابله به‌مثل و واکنش نامطلوب^۴؛ و الحق که چنین خدایی و چنین دوستداری جای سپاس و شکرگزاری دارد^۵. خدای تو، تو را دوست‌دارد و دائماً بر تو خیر جاری می‌کند حتی اگر از جانب تو جز شر و بدی به سوی او روانه نشود^۶. هرچند بسیار زشتی از تو صادر شده و می‌شود ولی در مقابل، خدایت جز خوبی و زیبایی نسبت به تو انجام نمی‌دهد^۷. حلم و بردباری خداوند نیز همچون دیگر صفات او غیر قابل مقایسه با این صفت در آفریدگان است^۸ و غیرقابل مقایسه با بزرگی خطاهایی که مرتکب شده‌ایم^۹ و غیرقابل مقایسه با هیچ‌یک از آفریدگان او^{۱۰}. بردباری او عظیم و

۱. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۳۸. النبى (ص): سُبْحَانَ اللَّهِ الْخَلِيمِ

۲. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۳۲. علی (ع): أَنْتَ الْخَلِيمُ وَأَنَا الْعَجُولُ

۳. بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۲۸۶. إِنْ اللَّهُ خَلِيمٌ كَرِيمٌ لَا يُعَجِّلُ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ فِي أَوَّلِ ذَنْبٍ

۴. بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۱۶۸. يَا خَلِيمُ ذَا الْأَنَاءَةِ

۵. بحار الأنوار ج ۳۷ ص ۲۰۴. الْبَاقِر (ع): الْخَمْدُ لِلَّهِ... خَلِيمٌ ذُو أَنَاءَةٍ

۶. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۵. اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنَّعَمِ وَتُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

۷. بحار الأنوار ج ۷۰ ص ۳۶۵. فَكَمْ مِنْ جَمِيلٍ أَصْنَعُ مَعَكَ وَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ تَصْنَعُ مَعِي

۸. مصباح الكفعمی ص ۳۴۹. يَا أَخْلَمَ مِنْ كُلِّ خَلِيمٍ

۹. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۵. أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً وَ أَكْثَرُ جِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي

۱۰. بحار الأنوار ج ۸۷ ص ۵۸. يَا خَلِيمًا ذَا أَنَاءَةٍ فَلَا شَيْءَ يُعَادِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ

گران قدر^۱، در نهایت درجه^۲؛ گسترده‌تر از همه‌ی آنان که به این گذشت و لطف نیازمندند^۳؛ بردباری‌ای غیر قابل وصف^۴. بعضاً عدم اطمینان و اعتراض، -البته اعتراضی بی‌جا- در ضمیر خطاکاران جولان می‌کند و آن اینکه صفات مهر خدا را مخصوص آدم‌های خوب می‌دانند و کم و بیش یک بی‌عدالتی یا کم‌لطفی به خدا منتسب می‌کنند که آدم خوب‌ها را دوست داشته و اول او بوده که به آن‌ها توجه کرده که آن‌ها خوب شده‌اند و همین خدا ما را رها کرده و گرنه ما هم خوب می‌شدیم.

در فصل یک به تفضیل از آیات و روایات استفاده کردیم که خدا بدها را هم دوست دارد ولی در این فصل و فصل آتی از یک منظر دیگر بیان می‌کنیم که عفو و گذشت و بردباری و امثال این صفات اصلاً جز بر بدها و خطاکارها محلی برای ثبوت و ورود ندارد.

اصلاً شما که جزو بدان نیستی، ولی اگر هم خود را خیلی خوب نمی‌دانی تلاش کن به عنوان قدردانی و سپاس از این خدای خوب و دوست‌داشتنی هم که شده کمی بهتر شوی. ولی خدای تو حتی اگر خطاکار باشی مهلت می‌دهد^۵، حتی اگر عصیان‌گر باشی با تو طرح دوستی می‌ریزد^۶، دشمنی هم کنی، با تو بردباری می‌کند^۷ از خطوط تعیین‌شده تجاوز کرده باشی، با تو مدارا می‌کند؛ و این سنت همیشگی اوست^۸. به او پشت کرده باشی تو را به خود می‌خواند^۹، حتی به مشرک^{۱۰} و ملحد و طغیان‌گر^{۱۱} هم

۱. بحارالانوار ج ۹۴ ص ۱۸۸. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ... اَلْحَمْدُ عَظِيمٌ

۲. المجتبی ص ۳۸. سُبْحَانَ اللَّهِ... مُنْتَهَى الْحَمْدِ

۳. بحارالانوار ج ۹۴ ص ۱۵۳. الصّادق. سُبْحَانَ مَنْ... وَسِعَ الْمُدُنِينَ رَأْفَةً وَ جُلْمًا

۴. بحارالانوار ج ۹۴ ص ۲۰۱. سُبْحَانَ مَنْ أَوَّلَهُ حِلْمٌ لَا يُوصَفُ

۵. الإقبال ص ۳۵۴. يَا مَنْ يُعِنُّ بِأَقَالَةِ الْعَاثِرِينَ وَ يُنْظَرُ أَوْ يُفَضَّلُ بِأَنْظَارِ الْخَاطِئِينَ

۶. بحارالانوار ج ۷۰۴ ص ۳۵۲. رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَتَجِبُ إِلَيْكَ بِالْغَنَمِ وَ تَتَمَقَّتُ إِلَيَّ بِالْمَعَاصِي

۷. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۶. حَلِمَكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

۸. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۶. سُنَّكَ الْإِثْقَاءُ عَلَيَّ الْمُعْتَدِينَ

۹. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۶. يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مِنْ أَدْبَرِ عَنَتِهِ

۱۰. بحارالانوار ج ۸۷ ص ۱۳۸. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الشَّاكِرُ لِلْمُطِيعِ لَهُ الْمَمْلُوكُ لِلْمُشْرِكِ بِهِ

۱۱. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۹. يَا مُمْلِكًا لِمَنْ لَجَفَى طَغْيَانِهِ

مهلت می‌دهد. گناه‌کار هم باشی مهر و بردباری‌اش تو را دربر می‌گیرد.^۱ ممکن است علی‌رغم وجود این همه آیه و روایت که دلالت بر لطف و مدارای خداوندگار با من و تو دارد عده‌ای به وسوسه شیطان درون و بیرون گوش فرادهند و بازهم بگویند ممکن است مدارای خدا را بپذیریم ولی نیت خیر او را نمی‌پذیریم، او به ما مهلت می‌دهد تا بیشتر گناه کنیم تا بیشتر عذابمان کند چون در معارف دینی چیزی به نام استدراج داریم. عزیزان من، استدراج هم قانون دارد و این چنین نیست که همه‌ی لطف‌های خداوند را به حساب مکر و بدجنسی او بگذاریم و بگوییم چون خداوند می‌خواهد بیشتر عذابمان کند چنین می‌کند، عرض کردم اصل بر استدراج نیست، استدراج و مهلت‌دادن برای سقوط بیشتر و عذاب غلیظ‌تر تابع قواعد استدراج است که مثلاً اگر فلان گناه را تا فلان درجه انجام دهی و ظرف فلان مدت در پی جبران نباشی شامل تو می‌شود و الاً اصل بر لطف و خوش‌جنسی است. برای دفع این شبهه و وسوسه‌ی شیطانی فصل را با دو روایت به پایان می‌برم: امام سجاده (ع) صریحاً می‌فرماید:

خدایا تو بردباری می‌کنی که خطاکار به سوی تو و به فرمان تو برگردد.^۲

و در روایت دیگری نیز ضمن شگفت‌آور توصیف کردن و صبر و بردباری خداوند و عدم عجله‌ی آن ذات یگانه در کیفر خطاکار می‌فرماید:

و این‌ها از مقام ارزشمندی نیست که من با اعمال خود کسب کرده باشم، بلکه لطف توست؛ آن هم با این نیت که

۱. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۱۵۳. الصادق. سُبْحَانَ مَنْ... وَسِعَ الْمُدْنَيْنِ رَأْفَةً وَ جِلْمًا

۲. صحیفه‌ی سجاده دعای ۴۶. إِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيُقْبِلُوا إِلَى أَمْرِكَ

عاشق بردبار ۹۷

ما دست از نافرمانی بکشیم و بدی‌ها و پلیدی‌ها را از خودمان
جدا کنیم^۱.

عزیزان من، خدای تو همه‌ی افعال و همه‌ی ترفندهایش را برای به‌سعدت‌رسیدن
تو به خدمت می‌گیرد؛ چون دوستت دارد.

۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۱۶. أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ غَنِيٌّ، وَ إِنِّطَاؤُكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنِّي أُرْتَدِعُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةِ، وَ أَقْلَعُ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُخْلِفَةِ

فصل ۱۳

عاشقِ عذرپذیر و بخشنده

عاشق باید عذر معشوق را بپذیرد، از کاستی‌های او بگذرد و او را ببخشد.
یکی از نام‌های نودونه‌گانه‌ی خدای تو "تَوَّاب" است، تَوَّاب یعنی "بسیار
توبه‌پذیر"

بازاً بازاً هرآنچه هستی باز آ
گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ
این درگه ما درگه نومیدی نیست
صدبار اگر توبه شکستی باز آ
(دیوان بابا افضل)

۱. حجرات ۱۲. إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

عذر موجه و چه بسا ناموجه تو را نه یک بار بلکه هزاران بار می‌پذیرد و تو را در آغوش می‌گیرد. توبه‌پذیری که توبه‌پذیری‌اش با مهر و حکمت و بخشش قرین است. از دیگر نام‌های خدای تو بسیار عفوکننده است^۲ صاحب عفو و گذشت^۳، کسی که عفو را دوست دارد^۴؛ و صد البته به آنچه دوست دارد خود زودتر و بهتر عمل می‌کند. گذشت خدای تو نه از سر ضعف و ناتوانی که در عین توانایی بر نبخشیدن و اعمال قدرت است^۵؛ ولی او از ابتدای خلقت، از قدیم‌الایام بنای خود را بر عفو و گذشت نهاده^۶، چراکه او صاحب^۷ و اهل آن است^۸. ولایت عفو از هر کس صادر شود متعلق به اوست^۹، زیرا معدن عفو جز او نیست^{۱۰}.

پروردگار تو اهل گذشت است، از بدی‌ها و لغزش‌ها می‌گذرد^{۱۱}، دید را ندید می‌کند، حتی به رویت نمی‌آورد؛ شاید این تعبیر مناسب‌تر باشد که اگر پشیمان شوی در قیامت خاطره‌ی آن بدی را حتی از حافظه‌ی خودت -علاوه بر حافظه‌ی آگاهان به آن- پاک می‌کند که هیچ سرزنش و ملامت بیرونی و حتی درونی متوجه تو نباشد^{۱۲}. او اصل آن بدی و خطا را نابود می‌کند که اثری از آن برای یادآوری و احیاناً شماتت تو باقی نماند^{۱۳}، این خدا دوست‌داشتنی است. هرچند اصل نیاز ما در جهان باقی و

۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۹۱. النبى (ص): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُو

۳. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۸۵. سُبحَانَ ذِي الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ

۴. مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۴۶۱. النبى (ص): اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ

۵. نساء ۱۴۹. فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا

۶. التهذيب ج ۳ ص ۷۷. يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ

۷. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۱۷. أَنْتَ... وَصَاحِبُ الْعَفْوِ

۸. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۰۱. فَإِنَّكَ أَهْلُ الْعَفْوِ

۹. بحارالأنوار ج ۳۲ ص ۶۲. وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُحْسِنِينَ وَالْعَفْوُ عَنْ هَفَوَاتِهِمْ

۱۰. مصباح‌الكفعمی ص ۳۵۹. يَا مَعْلِينَ الْعَفْوِ

۱۱. مصباح‌الكفعمی ص ۳۵۴. يَا صَافِحَ / التَّوْحِيدِ ص ۲۲۲. يَا مُقْبِلَ الْعَثَرَاتِ

۱۲. مجمع‌البحرین ج ۳ ص ۲۸۹. وَلَا تَغَيِّرْ أَخَذَ الْخَاطِئِينَ بَعْدَ النَّدَمِ

۱۳. مصباح‌الكفعمی ص ۳۵۹. يَا مُكَفِّرُ السَّيِّئَاتِ

عاشق عذرپذیرنده و بخشنده ۱۰۱

ابدی است، لکن ما انسان‌ها، چون به جهان ماده و همین دنیا چسبیده‌ایم و به آن تعلق بیشتر و ملموس‌تری حس می‌کنیم از صفت گذشت و عیب‌پوشی معشوق انتظار داریم که در مرحله‌ی اول در همین جا اجرایی شود؛ و خدای تو که عیب‌پوشی را دوست دارد^۱ خود در همین دنیا هم بدی‌های تو را از چشم دیگران می‌پوشاند^۲ و به ایمان‌آوردندگان نیز فرمان می‌دهد عیب بپوشند و خود او بهترین پوشاننده‌ی عیب‌ها، بدی‌ها و گناهان است.^۳

یکی از گسترده‌ترین و پرخواهان‌ترین صفات پروردگار مغفرت است. در اکثر قریب به اتفاق دعاها، چه برای خود یا دیگران، مغفرت و آمرزش درخواست دائمی است. "غفر" به معنای پوشاندن و آمرزش یعنی دفن کردن گناهان به نحوی که نه دیده‌شود، نه بوی نامطبوعش به مشام برسد، نه کسی آن را یادآوری و بر مبنای آن سرزنش کند و نه... .

خدای تو آمرزنده^۴ بلکه بسیار آمرزنده^۵ است. اهل آمرزش^۶ و صاحب آن^۷؛ بلکه او او خود آمرزش است.^۸

فراتر از گذشت و عفو و آمرزش، رضایت است؛ چه بسیار که آدمی به دلایلی مجبور به گذشت شود و یا حتی خود بدون اجبار بیرونی - ولی با کراهت - از خطای خطاکاری بگذرد ولی ته دل از او راضی نباشد. پس رضایت و خشنودی بسیار بالاتر از گذشت است و خدای تو اهل راضی‌شدن است^۹، صاحب رضایت^{۱۰}؛ ولایت همه‌ی

۱. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۲۴۳. لَکِنَّ اللَّهَ سَتَّارٌ يُحِبُّ السُّتْرَ

۲. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النَّبِيُّ (ص): يَا سَتَّارَ

۳. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۴. يَا رَبَّ خَيْرَ السَّاتِرِينَ

۴. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۶. النَّبِيُّ (ص): يَا غَافِرَ

۵. یونس ۱۰۷. هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ

۶. مدثر ۵۶. هُوَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

۷. بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۱۹۹. إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ

۸. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۴. النَّبِيُّ (ص): يَا غُفْرَانَ

۹. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النَّبِيُّ (ص): يَا رَاضِي

۱۰. بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النَّبِيُّ (ص): يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَا

رضایت‌ها در دست اوست^۱، اصلاً او خود رضایت است^۲، و البته رضایتش هم سریع به به دست می‌آید^۳؛ زود راضی می‌شود، زودتر از آنچه تصور کنی و به کمتر از آنچه فکر فکر کنی^۴. قدر این خدا را بدان.

باز هم بدبینی همیشگی، شاید از خواص در می‌گذرد و آنان را می‌بخشد و از آنان راضی می‌شود؛ ما باید به درد خود بسوزیم و بسازیم.

و این هم همان پاسخ تکراری؛ نه عزیزان من، خدا اگر عفو می‌کند مردم را، همه‌ی مردم را عفو می‌کند^۵ هر که آموزش بخواهد دریافت می‌کند^۶، دایره‌ی بخشش و آموزش گسترده است، به گستردگی همه‌ی ساکنان آسمان‌ها و زمین^۷، و تو از آن بیرون نیستی. نگران تمام‌شدن عفو و گذشت و آموزش خداوند نباشید، گذشت و عفو خداوند بزرگ^۸ و گسترده است^۹، به گستردگی همه‌چیز و همه‌کس^{۱۰}.

گذشت خداوند رفیع و بلندمرتبه^{۱۱} و عظیم است. حال که گذشت او عظیم است، پر واضح است گناهان عظیم هم در دایره‌ی آن قرار می‌گیرند^{۱۲}، زیرا هیچ گناهی بزرگ‌تر از عفو و بخشش او نیست که نتواند مورد بخشش قرار گیرد^{۱۳}. عفو و گذشت خدا از دیرباز بوده^{۱۴} و بی‌وقفه و دائمی است^{۱۵}، بنابراین نمی‌توان هیچ نقطه‌ای را خارج

۱. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۳۵. يَا رَبِّ وَلِيَّ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّضْوَانِ وَالتَّجَاوُزِ
۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۴. النَّبِيُّ (ص): يَا رَضْوَانُ
۳. البلدالأمين ص ۱۹۱. عَلِيٌّ (ع): يَا سَرِيعَ الرِّضَا
۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۴۴۳. الصَّادِقُ (ع): يَا اللَّهُ الرَّاضِيَ بِالْيُسْرِ
۵. رَعْدٌ ۶. إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ
۶. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۱۶. اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْمَغْفِرَةِ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ
۷. بحارالأنوار ج ۹۰ ص ۲۶۵. يَا مَنْ هُوَ غَافِرٌ لَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
۸. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. النَّبِيُّ (ص): يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ
۹. نجم ۳۲. إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ
۱۰. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۷۴. الْعَفْوُ الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ
۱۱. الإقبال ص ۷۱۶. أَنْتَ... ذُو الْعَفْوِ الرَّفِيعِ
۱۲. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۶. إِنَّكَ أَنْتَ... الْغَافِرُ الْعَظِيمُ
۱۳. وسائل الشیعة ج ۱۵ ص ۳۰۶. الصَّادِقُ (ع): فَإِنَّهُ لَا يَتَغَاظَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ أَغْفِرُهُ
۱۴. الإقبال ص ۳۸۷. إِنَّ تَرْخُمَنِي فَقَدِيمَا شِمْلِنِي عَفْوُكَ وَالتَّسْتَنِي
۱۵. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۳۹۰. يَا... سَائِرُ عَلَى الْمَعَاصِي ذَيْلُ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

عاشق عذرپذیرنده و بخشنده ۱۰۳

از پوشش آن تصور کرد. تو، هرکه هستی، هرجا هستی، هرچه کرده‌ای، در زیر این چتری، چتری زیبا^۱، کریمانه^۲، پرفایده و سودمند^۳، با بهترین شکل^۴ و سریع‌ترین حالت^۵.

خدای تو توبه‌پذیر است برتر از هر توبه‌پذیر^۶، بخشنده، عفوکننده‌ای برتر از هر عفوکننده^۷ و آمرزنده‌ای بهتر از هر آمرزنده‌ی دیگر^۸، آمرزنده‌ای بی‌مانند^۹، بهترین آمرزنده^{۱۰}؛ آن‌که عفو^{۱۱} و آمرزش^{۱۲} و توبه‌پذیری‌اش^{۱۳} شگفت‌آور است.

عفو کن زین بندگان تن‌پرست

عفو از دریای عفو اولی‌ترست

عفوها هرشب از این دل‌پاره

چون کبوترسوی تو آید شها

(مولوی)

باز هم آن سؤال یا بهتر بگوییم وسوسه‌ی همیشگی، پس عقاب و غضب و... چه می‌شود. ما به تفصیل در فصل دوم یادآور شدیم منکر غضب و کيفر و عقوبت و آیات و روایت تصریح‌کننده‌ی آن نمی‌شویم، ولی خارج از لطف نیست که تکرار کنیم خدای

-
۱. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۳۴۲. يَا حَسَنَ الْعَفْوِ
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۸. النبی (ص): يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ
 ۳. بحارالأنوار ج ۸۸ ص ۸۲. يَا ذَا الْمَغْفِرَةِ الْبَاقِيَةِ
 ۴. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. يَا خَيْرَ السَّاتِرِينَ
 ۵. البلداالأمين ص ۱۹۱. علی (ع): يَا سَرِيعَ الرِّضَا
 ۶. مصباح‌الکفعمی ص ۳۵۱. يَا أَتُوبَ مِنْ كُلِّ تَوَابٍ
 ۷. مصباح‌الکفعمی ص ۳۴۹. يَا أَغْفِي مِنْ كُلِّ عَفْوٍ
 ۸. مصباح‌الکفعمی ص ۳۴۹. يَا أَغْفِرُ مِنْ كُلِّ غَفْوٍ
 ۹. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۷۴. أَنْتَ الْغَفُورُ فَلَا شَيْهَ لَكَ
 ۱۰. اعراف ۱۵۵. أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۷. سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَغْفَاهُ
 ۱۲. مصباح‌الکفعمی ص ۲۷۲. سُبْحَانَهُ مِنْ شَكْرٍ مَا أَغْفَرَهُ
 ۱۳. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۳۶۸. سُبْحَانَهُ مِنْ وَهَابٍ مَا أَتُوبُهُ

تو که هر دو گروه صفات را داراست، صفات گروه عفو را بیشتر دوست دارد،^۱ او سزاوارترین و شایسته‌ترین کس برای عفو کردن^۲ و آمرزیدن^۳ است. در فصل اول ذکر کردیم که بدها، گناهکاران، خطاپیشگان را هم دوست دارد، و در فصول بعد یادآور شدیم که بسیاری از صفات دایره‌ی مهر پروردگار جز بر خطاکار و جفاپیشه محل ورود و اجرای دیگری ندارد، بنابراین اگر خود را گناه‌کار و ستم‌کار به خدای خود می‌دانی، نیک بدان که این دایره‌ی گسترده و پرتعداد صفات مهر اصلاً برای تو و امثال تو پدید آمده است. به تعبیر پرتعداد زیر که در لابلای آیات و روایات فراوان به چشم می‌خورد دقت کنید:

او از بدکاران در می‌گذرد^۴

او آمرزنده‌ی گناه‌کاران است^۵

و اوست که توبه‌ی گناه‌کاران را می‌پذیرد^۶

خدای تو با مسرفان که همان ظلم‌کنندگان به خود و درگذرندگان از حدود الهی‌اند با صفا و گذشت برخورد می‌کند^۷ و این روش دائمی اوست. او با خطاکاران و آنان که که از راه راست می‌لغزند نیز دائماً با لطف و گذشت روبه‌رو می‌شود^۸ از مجرمان می‌گذرد^۹ و بر گناه‌کاران عفو و گذشت ارزانی می‌دارد^{۱۰}.

۱. بحارالأنوار ج ۳۲ ص ۲۳۰. علی(ع): فَالْعَفْوُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۹۰. إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ
 ۳. إقبال الأعمال ج ۷۳. إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ
 ۴. بحارالأنوار ج ۹۲ ص ۲۸۱. يَا مُتَجَاوِزاً عَنِ الْمُسِيئِينَ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۲۸۶. النَّبِيُّ(ص): يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ
 ۶. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۳۱. إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ
 ۷. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۳۰۸. النَّبِيُّ(ص): يَا... فَلَمْ تَزَلْ أَخِذاً بِالصَّفْحِ وَالْفَضْلِ عَلَى الْمُسْرِفِينَ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۶۴. يَا... مُقْبِلَ غَثَرَاتِ الْعَاثِرِينَ
 ۹. المصباح‌للكفعمی ج ۶۱۲. النَّبِيُّ(ص): يَا عَافِيَا عَنِ الْمَجْرِمِينَ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۸۷ ص ۱۹۳. يَا مُتَطَوِّلًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِالْعَفْوِ وَالصَّفْحِ

عاشق عذری پذیرنده و بخشنده ۱۰۵

خطا کرده‌ای؟ او آمرزنده‌ی خطاست^۱؛ لغزیده‌ای؟ او آمرزنده‌ی لغزش‌هاست^۲؛
درگذرنده از همه‌ی لغزش‌ها^۳.

گناه کرده‌ای؟ گناه بزرگ؟ او آمرزنده‌ی گناه است^۴، آمرزنده‌ی گناه بزرگ^۵.
گفتیم که خدای تو عیب‌پوش است و عیب‌پوشی او جز بر صاحبان عیب محل
دیگری برای پیاده‌شدن ندارد^۶، اوست که بر نافرمانان پرده می‌کشد^۷ و عیب "هر"
صاحب عیبی را می‌پوشاند^۸ هر عیب^۹، هر معصیت^{۱۰}، هر زشتی^{۱۱}، و هر ناشایستی که
که مرتکب شده‌ای^{۱۲}، او پوشاننده‌ی آن است. از بزرگی گناهان و زشت‌کاری‌های
می‌ترسی؟ خدا با تو چنین می‌گوید:

ای آدمی‌زاده، آن افعال زشتی را که اگر دوستان و
خانواده‌ات هم از آن مطلع می‌شدند تو را بر نمی‌تافتند، من
می‌بینم و می‌پوشانم و می‌بخشم^{۱۳}.

و ما می‌توانیم از زبان امام سجاد(ع) با خدایمان چنین بگوییم:

-
۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی(ص): يَا غَافِرُ الْخَطَايَا
 ۲. بحارالأنوار ج ۹۵ ص ۳۷۷. يَا غَافِرَ زَلَّتِي
 ۳. تهذيب الأحكام ج ۳ ص ۸۴. يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ
 ۴. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۳۵. النبی(ص): اللَّهُمَّ إِنَّكَ غَافِرُ الذَّنْبِ
 ۵. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۲. يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ
 ۶. المصباح للكفعمي ج ۳۱۸. هُوَ السَّاتِرُ لَذُنُوبِ عِبَادِهِ
 ۷. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۸۰. فَأَنْتَ... سَاتِرٌ تَسْتُرُ عَلَيَّ مِنْ عَصَاكَ
 ۸. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۵. النبی(ص): يَا سَاتِرَ كُلِّ مُعْتُوبٍ
 ۹. بحارالأنوار ج ۸۶ ص ۳۷۷. يَا سَاتِرَ الْعُيُوبِ
 ۱۰. بحارالأنوار ج ۹۴ ص ۲۹۰. يَا... سَاتِرَ عَلَى الْمَعَاصِي
 ۱۱. بحارالأنوار ج ۹۱ ص ۳۸۷. النبی(ص): يَا سَاتِرَ الْعُزْرَاتِ
 ۱۲. بحارالأنوار ج ۸۳ ص ۶۸. يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِيحِ
 ۱۳. وسائل الشیعة ج ۲ ص ۴۴۷. بَعْضُ الْأَيْمَةِ (ع) قَالَ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ. ابْنُ آدَمَ تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثَةِ سِتْرَتٍ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ

بزرگی، فراوانی و زمان طولانی انجام خطا و گناه
گناه کاران مانع نمی شود که تو بازهم با رحمت و آمرزش و
گذشت با آنان رفتار نکنی^۱.

آفرین بر این خدا و خوشا به حال ما با این خدایمان.

بیایید در پایان با امامان هم صدا شویم و بگوییم:

خدایا، چه بسیار گناه روی گناه، اسراف روی اسراف انجام
دادم و تو آن را پوشانیدی و تکرار گناهان من نه تنها باعث نشد
که تو پرده و پوششت را از من برداری بلکه بازهم زشتی ها و
پلیدی های مرا پوشانیدی^۲.

پس بجاست که از این خدای عاشق سپاس گزار باشیم و او را بر این همه لطف
بی بدیل شکر گوییم.

۱. صحیفه‌ی سجادیه دعای ۴۸. ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْعَظِيمِ الْجَرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

۲. إقبال الأعمال ج ۲۲۵. إِلَهِي وَ سَيِّدِي كَمْ لِي مِنْ ذَنْبٍ بَعْدَ ذَنْبٍ وَ سَرَفٍ بَعْدَ سَرَفٍ سَتَرْتَهُ يَا رَبَّ وَ لَمْ تَكْشِفْ سَتْرَكَ عَنِّي بَلْ سَتَرْتَ الْعَوْرَةَ

فهرست منابع

- إرشادالقلوب: حسن بن ابی الحسن دیلمی، (قرن هشتم-۸۴۱ ه.ق)، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هجری قمری
- إقبالالأعمال: سید علی بن موسی بن طاوس، (۶۶۴-۵۸۹ ه.ق)، دار الکتب الإسلامية تهران، ۱۳۶۷ هجری شمسی
- بحارالأنوار: علامه مجلسی، (۱۱۱۰-۱۰۳۷ ه.ق)، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری
- البرهان فی تفسیر القرآن: بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (و: ۱۱۰۷ ه.ق)، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، ۱۳۷۴ ش
- البلد الأمين و الدرع الحصین: کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، (و: ۹۰۵ ه.ق)، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۸ ه.ق
- البلدالأمين: ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، (۹۰۵-۸۴۰ ه.ق)، چاپ سنگی

۱۰۸ عاشق تو

تفسير العياشي: محمد بن مسعود عياشي، (قرن ۳۲۰-۳ ه.ق)، چاپخانه علميه تهران، ۱۳۸۰ هجری قمری

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (ع): حسن بن علي عليه السلام، امام يازدهم، (و: ۲۶۰ ه.ق)، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف؛ قم، ۱۴۰۹ ه.ق

تفسير القمي: علي بن ابراهيم بن هاشم قمي، (م.قرن ۳ ه.ق)، مؤسسه دارالكتاب قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

تهذيب الأحكام: شيخ طوسي، (۴۶۰-۳۸۵ ه.ق)، دار الكتب الإسلامية تهران، ۱۳۶۵ هجری شمسی

جامع الأخبار: تاج الدين شعيري، (م.قرن ۶ ه.ق)، انتشارات رضى قم، ۱۳۶۳ هجری شمسی
الجمال: شيخ مفيد، (۴۱۳-۳۳۶ ه.ق)، انتشارات كنگره جهاني شيخ مفيد قم، ۱۴۱۳ هجری قمری

دلائل الإمامة: محمد بن جرير طبري، (م.قرن ۴ ه.ق)، دار الذخائر للمطبوعات، قم
ديوان الإمام علي (ع): امام علي بن ابي طالب عليه السلام، (۳۰ عام القيل-۴۰ ه.ق)، انتشارات پیام اسلام قم، ۱۳۶۹ هجری شمسی

روضة الواعظين: محمد بن حسن فتال نيشابوري، روضة الواعظين، يك جلد، انتشارات رضى قم

رياض السالكين فى شرح صحيفة سيّد الساجدين: كبير مدنى، سيد عليخان بن احمد، (و: ۱۱۲۰ ه.ق)، محقق / مصحح: حسيني اميني، محسن، دفتر انتشارات اسلامي، قم، ۱۴۰۹ ه.ق

شرح الكافي الأصول و الروضة) للمولى صالح المازندراني: مازندراني، محمد صالح بن احمد، (و: ۱۰۸۱ ه.ق)، محقق / مصحح: شعراني، ابوالحسن، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ه.ق

فهرست منابع ۱۰۹

- شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحديد معتزلی، (۶۵۶-۵۸۶ ه.ق)، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ هجری قمری
- الصحيفة السجادية: امام سجاد عليه السلام، (۹۵-۳۸ ه.ق)، دفتر نشر الهمادي قم، ۱۳۷۶ هجری شمسی
- الصرط المستقیم: علی بن یونس نباطی بیاضی، (۳۸۱-۳۰۵ ه.ق)، چاپ کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۴ هجری قمری
- عاشق شو، علیرضا برازش، ۱۳۳۴ ه.ش، انتشارات امیر کبیر
- العددالقویة: رضی الدین علی بن یوسف حلّی، (۶۳۵ - اوایل قرن ۸ ه.ق)، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۸ هجری قمری
- عدة الداعی: ابن فهد حلّی، (۸۴۱-۷۵۷ ه.ق)، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ هجری قمری
- عدة الداعی و نجاح الساعی: ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (و: ۸۴۱ ه.ق)، محقق / مصحح: موحّدی قمی، احمد، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ه.ق
- غررالحکم: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، (۵۵۰-۵۱۰ ه.ق)، یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ هجری شمسی
- قرآن صاعد: علی رضا برازش، ۱۳۳۴ ه.ش، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- قصص الأنبياء للراوندي: قطب الدين راوندي، (و: ۵۷۳ ه.ق)، چاپ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ هجری قمری
- الکافی: ثقة الاسلام کلینی، (و: ۳۲۹ ه.ق)، دار الکتب الإسلامية تهران، ۱۳۶۵ هجری شمسی
- کنزالفوائد: ابوالفتح کراچی، (و: ۴۴۹ ه.ق)، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۰ هجری قمری
- المجتبی: سید علی بن موسی بن طاوس، (۶۶۴-۵۸۹ ه.ق)، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۱ هجری قمری

۱۱۰ عاشق تو

- مجمع البحرين: طريحي، فخر الدين بن محمد، (و: ۱۰۸۵ هـ ق)، محقق / مصحح: حسيني اشكوري، احمد، مرتضوى، تهران، (و: ۱۳۷۵ هـ ش)
- محاسبة النفس: سيد على بن موسى بن طاووس، (۶۶۴-۵۸۹ هـ ق)، انتشارات مرتضوى مستدرک الوسائل: محدث نوري، (۱۳۲۰-۱۲۵۴ هـ ق)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ هجرى قمرى
- مشكاة الأنوار: ابوالفضل على بن حسن طبرسى، (قرن ۶-حدود ۶۰۰ هـ ق)، كتابخانه حيدريه نجف اشرف، ۱۳۸۵ هجرى قمرى
- مصباح المتهجد: شيخ طوسى، (۴۶۰-۳۸۵ هـ ق)، مؤسسه فقه الشيعه بيروت، ۱۴۱۱ هجرى قمرى
- المصباح للكفعمي: ابراهيم بن على عاملى كفعمى، (۹۰۵-۸۴۰ هـ ق)، انتشارات رضى قم، ۱۴۰۵ هجرى قمرى
- المصباح للكفعمي: ابراهيم بن على عاملى كفعمى، (۹۰۵-۸۴۰ هـ ق)، انتشارات رضى قم، ۱۴۰۵ هجرى قمرى
- مفتاح الفلاح: شيخ بهايى، (۱۰۳۰-۹۵۳ هـ ق)، دار الأضواء بيروت، ۱۴۰۵ هجرى قمرى
- المقام الأسنى: ابراهيم بن على عاملى كفعمى، (۹۰۵-۸۴۰ هـ ق)، مؤسسه قائم آل محمد (عج) قم، ۱۴۱۲ هجرى قمرى
- المقنعة: شيخ مفيد، (۴۱۳-۳۳۶ هـ ق)، انتشارات كنگره جهانى شيخ مفيد قم، ۱۴۱۳ هجرى قمرى
- من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق، (۳۰۵-۳۸۱ هـ ق)، انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۱۳ هجرى قمرى
- مهج الدعوات و منهج العبادات: ابن طاووس، على بن موسى، (و: ۶۶۴ هـ ق)، محقق / مصحح: كرماني، ابوطالب و محرر، محمد حسن، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ هـ ق

فهرست منابع ۱۱۱

- مهج الدعوات: سيد على بن موسى بن طاوس، (۶۶۴-۵۸۹ ه.ق)، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۱ هجری قمری
- نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول ص): پاينده، ابو القاسم، (و: ۱۳۶۳ ه ش)، دنيای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ه ش
- نهج البلاغة: امام على بن ابي طالب عليه السلام، (۳۰ عام الفيل-۴۰ ه.ق)، انتشارات دار الهجره قم
- وسائل الشيعة: شيخ حر عاملی، (۱۱۰۴-۱۰۳۳ ه.ق)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری
- الهداية الكبرى: خصیبي، حسين بن حمدان، (و: ۳۳۴ ه ق)، البلاغ، بيروت، ۱۴۱۹ ه ق

دیگر آثار نویسنده:

- قرآن صاعد (پژوهشی پیرامون مسأله‌ی دعا در فرهنگ اسلامی)
- دعا (از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی)
- وحدت و همگرایی (از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی)
- درس‌هایی از زیارت جامعه‌ی کبیره
- عاشق تو (عشق خدا به انسان)
- عاشق شو (عشق انسان به خدا)
- همه را دوست بداریم (عشق انسان به انسان)
- حافظ عاشق (عشق الهی از منظر لسان‌الغیب)
- فقیه عاشق (عشق الهی از منظر روح‌الله خمینی)
- همه به جهنم می‌روند حتی... (بازخوانی داغ‌ترین آیه‌ی قرآن)
- مدیریت زمان (در دست چاپ)
- مدعیان انتظار، دشمنان ظهور